

کیمهان ۵۶۲

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۵ تا پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهارم و دوم - شماره ۲۰۲۸



ماجرای بخران دارو

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۲۸ (۵۶۲)
۲۵ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵
۱۵ تا ۲۱ مه ۲۰۲۶



ماجرای بحران دارو

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوره: جاله عنکیوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سور هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. P.O. Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهرایران

شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com



Email: pirnia@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب**

۴ سرمقاله - «پوشش هوایی»: ضرورت پشتیبانی راهبردی از خیزش مردم / حامد محمدی

۴-۵ تیر هفته - ماجرای بحران دارو... / ...

۶ شاهزاده رضا پهلوی در نشست امنیتی «پولیتیکو»: فرصت برای تمام کردن کار جمهوری اسلامی نباید... / ...

۷ ترامپ می گوید از پاسخ تهران به پیشنهاد مذاکره «خوشم نیامد»: جمهوری اسلامی: تسلیم نخواهیم شد... / ...

۸ تحریم‌های بر بنیادین علیه ۱۲ فروغ نهاد مرتبط با جمهوری اسلامی... / ...

۸-۹ سی‌بی‌اس: استقرار مخفیانه هواپیماهای ایران در پاکستان و افغانستان؛ پاکستان: «موقت است!»... / ...

۹ روزنامه «وال استریٹ ژورنال»: امارات مخفیانه به تأسیسات نفتی لاوان حمله کرد... / ...

۱۰ تحریم ۱۱ شرکت و سه فرد مستقر در ایران، چین، بلاروس و امارات به دلیل تأمین قطعات و... / ...

۱۰-۱۱ جمهوری اسلامی برای مقابله با عملیات زمینی نیروهای آمریکا و اسرائیل آماده می‌شود... / ...

۱۱ خیر و برکت از همه چیز رفته است... / اخیر اندیش (احمد احرار)

۱۲-۱۳ پشت دیوارهای بلند / از کاخ تازندان (۹) ... / آذر آریانپور

۱۴ دیدار دونالد ترامپ و شی جین پینگ در پکن: ایران از محورهای اصلی گفتگوهای آمریکا و چین... / ...

۱۵ اختلاف درون نظام بر سر ادامه انسداد «تنگه هرمز» و مذاکره با آمریکا... / ...

۱۶ فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی در حال جنگ با واقعیت اند... / شهرام سبزواری

۱۷ دوران نبرد با تاریکی؛ پیمان نوین با پهلوی (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی

۱۷ درخواست از دولت بر بنیادین برای تروستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی... / ...

۱۸-۱۹ زوال ایده‌ی امپریالیسم شیعی... / نادر صدیقی

۱۹ دوران نبرد با تاریکی؛ رژیم در مسیر سقوط (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی

۲۱ گزارش روزنامه گاردین از سر ماهه‌گذاری پسر قالیباف در بازار املاک استرالیا... / ...

۲۱ اعتراف یک شهروند ایرانی - آمریکایی در دادگاه به قاچاق انسان و جمع‌آوری محتوای جنسی از... / ...

۲۲-۲۳ زخم عمیق قطع اینترنت در آذربایجان فعال در مشاغل خانگی... / ...

۲۳-۲۴ دستاوردهای دولت پزشکیان در وعده انتخاباتی «رفع فیلترینگ»: اجرای طرح «اینترنت طبقاتی» با... / ...

۲۴-۲۵ هشدار درباره پیامدهای «امنیتی‌سازی اینترنت»: شکاف میان حکومت و مردم عمیق‌تر می‌شود... / ...

۲۶ لکه نفتی نزدیک جزیره خارک؛ نشت لوله‌ها یا پسماند کشتی‌ها؟... / ...

۲۶-۲۷ وای نت: حکومت ایران مثل آلمان نازی است، تاشکست نخورد به جنگ و سرکوب ادامه می‌دهد... / ...

۲۷ جمهوری اسلامی عرفان شکورزاده دانشجوی نخبه‌وزندانی سیاسی را «اعدام» کرد... / ...

۲۸ جمهوری اسلامی احسان افراشته، متخصص فناوری اطلاعات و شبکه، را اعدام کرد... / ...

۲۹ محمد عباسی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ «اعدام» شد... / ...

۳۰ جمهوری اسلامی؛ دومین زندان بزرگ نویسندگان در جهان... / ...

۳۱ از اینستاگرام به حاشیه خیابان: افزایش دستفروشی در ایران به علت قطع سراسری اینترنت... / ...

۳۲-۳۴ چند پرسش و پاسخ دوستانه با رفقای پیشین چپ... / داوود پرند

۳۴ چیزهایی که داریم و چیزهایی که نداریم... / اس. روزبه

۳۵ نمایش «زال و سیمرغ» در پاریس... / کتابیون حلاجان

۳۶ بیماران در ایران، سرگردان میان گرانی و کمبود دارو... / ...

۳۷ قیمت دارو در ایران پس از جنگ ۴۰ روزه تا ۳۰ درصد افزایش یافت... / ...

۳۸-۳۹ دکترین جدید جمهوری اسلامی چیست؟... / محمدعلی غیبی

۳۹ جنگ با آمریکا؛ مرحله اورنگامی... / اهنام محمدی

۴۰ قربانیان خشونت و ناامنی اجتماعی زیر سایه جمهوری اسلامی... / ...

۴۱ زلزله در شرق تهران؛ هشدار درباره فعال بودن گسل‌های پردیس و بومهن... / ...

۴۲ صنعت گردشگری ایران، قربانی قطع اینترنت و جنگ... / ...

۴۳ بحران جدید کارگران در ایران: اجبار به ادامه کار با حقوق سال قبل!... / ...

۴۴ سقوط تکناندهنده مصرف گوشت، مرغ و لبنیات در ایران... / ...

۴۵ تشدید کمبود برق در ایران؛ قطع و جیره‌بندی برق در تابستان امسال... / ...

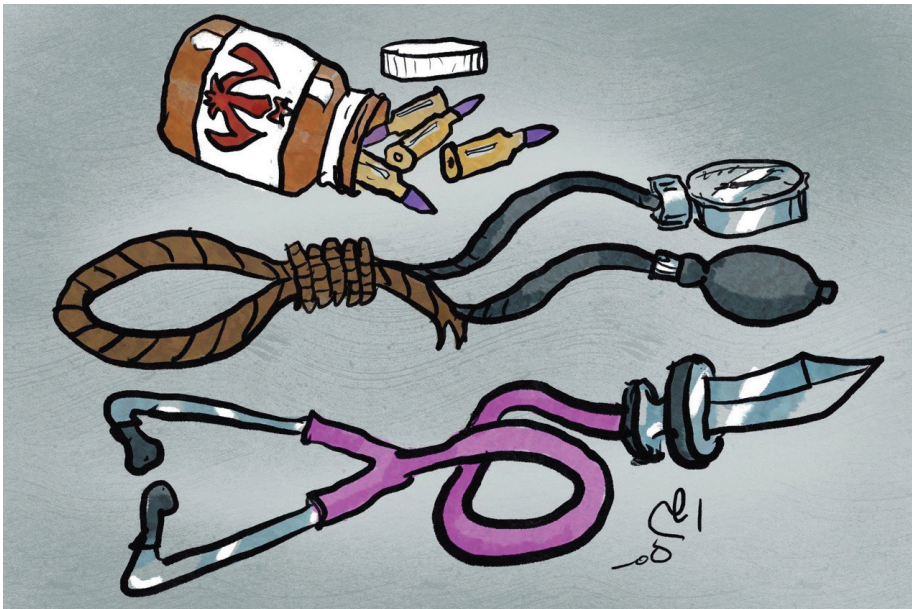
۴۶-۴۷ خبرهای کوتاه... / ...

۴۸ پشت جلد - عکس هفته / مهاجرت چرا؟ بمان و «اعدام» شو!

بازنشر
بازنشر



ماجرای بحران دارو



● ماجرای بحران دارو در کشوری که صنعت داروسازی مدرن آن بیش از هشت دهه سابقه فعالیت دارد و روزی از توسعه‌یافته‌ترین صنایع خاورمیانه بود دارای ابعاد مختلفی است. اتصال بحران دارو به تحریم‌ها اما فریبی است که نشان می‌دهد نه تنها مقامات دولت به مخاطب «آدرس غلط» می‌دهند بلکه حتی در شرایطی که جان و حیات شهروندان به این بحران گره خورده، حکومتی‌ها به دنبال بهره‌برداری ایدئولوژیک از آن هستند.

تبادلات مالی برای واردات دارو و مواد اولیه تولید آن وجود دارد تحریم نیست بلکه قرار داشتن ایران در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) است. اگرچه دارو جزو کالاهای تحت تحریم نیست اما تبادلات مالی از سوی شرکت‌های واردکننده مشمول محدودیت‌های FATF می‌شود. موضوعی که اگر مقامات جمهوری اسلامی درباره آن شفاف‌سازی کنند ناچارند برای تصویب لوائح مرتبط با پولشویی و توقف اقدام تأمین مالی تروریسم در منطقه اقدام کنند؛ در نتیجه برای فراقی درباره اقدامات تهاکار حکومت که ایران را در فهرست سیاه FATF قرار داده است، با فریبکاری مسئولیت را گردن «تحریم» می‌اندازند تا غرب را مسئول عدم دسترسی شهروندان ایرانی به داروی کافی و ارزان نشان دهند.

همچنین ماجرای بحران دارو در کشوری که صنعت داروسازی مدرن آن بیش از هشت دهه سابقه فعالیت دارد و روزی از توسعه‌یافته‌ترین صنایع خاورمیانه بود دارای ابعاد دیگری نیز هست.

خشت اول گر نهد معمار کج!

ارز ترجیحی، ارز با نرخ دولتی است که از سال ۱۳۹۷ در دولت حسن روحانی به بازار چند نرخ ایران افزوده شد. هدف آن اختصاص ارز با قیمتی ناچیز برای واردات کالاهای اساسی مانند دارو، مواد غذایی و تجهیزات پزشکی، برای جلوگیری از متأثر شدن قیمت اقلام ضروری از افزایش فزاینده قیمت ارز بود.

این طرح نه تنها نتوانست از انفجار قیمت در اقلام اساسی جلوگیری کند بلکه به کانالی برای افزایش رانتخواری مافیاهای حکومتی تبدیل شد. «خودی»‌های فعال در بازار دارو - و دیگر کالاهای مشمول ارز دولتی - ارز ترجیحی را

برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی می‌گرفتند و یا ←

گرانی و کمبود دارو در ایران مرزهای هشدار را رد کرده و به تهدیدی جدی برای جان بیمارانی تبدیل شده که یا گرفتار در باتلاق فقر و گرانی توان خریداری داروهای حیاتی را ندارند، و یا اگر توان مالی پرداخت هزینه نجومی دارو را داشته باشند به علت نایاب و کمیاب شدن برخی داروها سرگردان و دربه‌در در داروخانه‌ها به دنبال دارو هستند. مقامات جمهوری اسلامی طبق روال یا به فراقی و انکار وضعیت بحرانی دارو در ایران مشغول هستند یا انگشت اتهام را به سوی «تحریم»‌هایی دراز می‌کنند که اقلام اساسی از جمله دارو را شامل می‌شود.

در هفته‌های گذشته بحران افزایش قیمت و کمبود دارو به تیر ثابت رسانه‌های داخلی در ایران تبدیل شده است. ده‌ها گزارش میدانی از شهرها و استان‌های مختلف منتشر شده که راوی استیصال مردم برای تأمین هزینه‌های سرسام‌آور دارو و یا یافتن داروهای حیاتی برای درمان بیماری‌های خاص است. گزارش‌های تک‌اندنده‌ای که اشاره دارد برخی بیماران از جمله بیماران مبتلا به سرطان، هموفیلی، دیابت و ... که دارو برای کنترل بیماری و حفظ جان آنها ضروری است نایاب، و به «نوشدارویی کیمیا» تبدیل شده است.

در آنسو اما اظهارات مقامات حکومتی در توضیح این بحران و دلایل آن، طبق روال مرسوم در جمهوری اسلامی، سراسر آمیخته به فراقی، ادعاهای نادرست و البته فریب است!

«تحریم»‌واژه‌ای است که در اظهارات مقامات حکومتی درباره بحران دارو همواره وجود دارد. اتصال بحران دارو به تحریم‌ها اما فریبی است که نشان می‌دهد نه تنها مقامات دولت به مخاطب «آدرس غلط» می‌دهند بلکه حتی در شرایطی که جان و حیات شهروندان به این بحران گره خورده، حکومتی‌ها به دنبال بهره‌برداری ایدئولوژیک از آن هستند.

مقامات حکومتی پنهان می‌کنند که آن اختلالی که در

سرمقاله

«پوشش هوایی»: ضرورت پشتیبانی راهبردی از خیزش مردم

دو ماه بعد از آتش‌بس موقت، درحالی‌که کشور در انبوهی از بحران به‌سر می‌برد و میلیون‌ها نفر از شهروندان با بدترین وضعیت اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و ناراضی‌ها به اوج خود رسیده است، «ادامه بقا» برای حکومت و طرفدارانش که به «قدرت و مشیت الهی» باور دارند، یک معجزه است.

علی‌رغم حذف علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی [فرمانده کل قوا] و چند لایه از فرماندهان و مسئولان امنیتی و اطلاعاتی، تلفات گسترده در بین نیروهای رزمی، انهدام پادگان‌ها، مقرهای



نظامی و انبارهای موشکی، انهدام رادارها، انبارهای مهمات و لانچرها، همچنان ایران و مردم در اسارت حکومت هستند، زیرا دستگاه سرکوب همچنان پایدار است.

شاهزاده رضا پهلوی در نشست امنیتی «پولیتیکو» خطاب به دونالد ترامپ گفت: «اکنون با یک جانور زخمی روبرو هستیم؛ این فرصتی است که نباید از دست برود، بلکه باید کار را یک‌بار برای همیشه تمام کرد.»

او که در فضای عمومی کمتر در مورد جزئیات مسایل امنیتی و نظامی وارد جزئیات می‌شود، این‌بار شفاف‌تر درباره‌ی آن صحبت کرد و اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی را «عملیات نجات»، مشابه جنگ علیه آلمان نازی دانست و به دو نکته اساسی مرتبط با خیزش و میدان اشاره کرد: «باید یک استراتژی روشن برای پایان دادن به جمهوری اسلامی وجود داشته باشد؛ استراتژی‌ای که هم مردم را برای قیام تشویق کند و هم زمینه‌ی پیوستن نیروهایی از ارتش و دستگاه امنیتی به مردم را فراهم سازد.»

در میان صحبت‌های او دو نکته راهبردی وجود داشت:

۱- «بازگشت به خیابان زمانی ممکن است که مردم توانی برابر برای مقابله داشته باشند»

۲- «نیروهای روی زمین در ایران، خود مردم ایران هستند. ما نیازی نداریم نیروهای خارجی این کار را برای ما انجام دهند». کلیدواژه او با توجه به این‌که خودش سابقه‌ی گذراندن دوره‌ی خلبانی اف-۵ را در آمریکا دارد و بارها در دوران آموزش بر فراز تهران پرواز کرده است، شفاف بود: «نیاز به پوشش هوایی». در حال حاضر با توجه به این‌که نیروی هوایی و پدافند ارتش جمهوری اسلامی به‌معنای واقعی از معادلات جنگ خارج شده است، در غای کلی، پوشش هوایی به معترضان در خیابان در مقابل سرکوبگران با جنگنده و پهپاد قابلیت توجه دارد. بخشی از این مأموریت احتمالی در جریان جنگ ۴۰ روزه توسط نیروی هوایی ارتش اسرائیل با همکاری سرویس‌های اطلاعاتی آنها علیه ایست‌های بازرسی انجام شد.

مردم ایران در مقابل سرکوبگران دست‌خالی هستند. یکی از برنامه‌های دونالد ترامپ رساندن سلاح به مخالفان بود. فهرست مأموریت‌های پشتیبانی از مردم طولانی نیست، اما می‌تواند مؤثر باشد و اجرای آن، که احتمالاً در نهایت به‌عنوان آخرین گزینه مطرح خواهد شد، نیازمند زمینه‌سازی است؛ مرحله‌ی که شاید گام‌های نخست، با مأموریت ویژه برای دستیابی به اورانوم‌ها مرتبط باشد.

دارو را وارد نمی‌کردند و مبالغ هنگفت ارزی را در بازارهای پر سود داخلی و خارجی سرمایه‌گذاری می‌کردند و یا ارز ترجیحی که با قیمتی خیلی پایین‌تر از نرخ ارز در بازار آزاد دریافت کرده بودند را به جای اختصاص به واردات، در بازار آزاد داخلی می‌فروختند و سود کلانی از اختلاف قیمت ارز ترجیحی و ارز بازار آزاد به جیب می‌زدند.

اینهمه در حالیست که شاهرگ‌های اقتصاد ایران، از جمله تجارت و البته واردات کالاهای اساسی در دست مافیاهایی است که سررشته هر کدام به یک جریان و یک خانواده حکومتی در ساختار الیگاری جمهوری اسلامی می‌رسد. بازار پرسود واردات دارو و تجهیزات پزشکی نیز به شدت مافیایی است و حتی موفق‌ترین تجار مستقل امکان ورود به این بخش و دیگر بخش‌های تجارت خارجی در ایران را ندارند.

انحصار در واردات دارو و تجهیزات پزشکی حتی پیش از طرح عرضه ارز ترجیحی نیز سبب سوداگری مافیایا شده بود. نبض قیمت دارو در دست همین مافیاهایی بود که با واردات دارو، انبار و احتکار آن سبب به هم خوردن نظم تقاضا و عرضه در بازار می‌شدند و با ایجاد «کمبود سازمانیافته» در اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی، همین اقلام را با قیمت بالاتر عرضه می‌کردند.

قابل توجه اینکه در سالهای گذشته در جریان رقابت‌ها و زدوخوردهای جناح‌های حکومتی نیز چند پرونده قضایی از فسادهای مافیاهای واردات دارو، شیرخشک و تجهیزات

البته دامنه فساد حکومتی در بخش دارو بسیار گسترده است. یکی دیگر از موارد برجسته «سرقت سازمانیافته دارو» از بیمارستان‌ها و فروش آن در بازار سیاه و یا صادرات آن به کشورهای دیگر از جمله عراق و افغانستان است.

یکی از معروف‌ترین پرونده‌ها در اینباره مربوط به سرقت سازمانیافته داروهای شیمی‌درمانی در بیمارستان خصوصی و فوق تخصصی «ولیعصر» تبریز است که شهرام دبیری اسکویی معاون برکنار شده‌ی مسعود پزشکیان سهامدار عمده و مؤسس آن است. در این فساد گسترده شبکه‌ای در این بیمارستان سازماندهی شده بودند که به بیماران مبتلا به سرطان به جای داروی شیمی‌درمانی، آب مقطر تزریق و داروهای شیمی‌درمانی را برای فروش در بازار سیاه و یا صادرات به دیگر کشورها جمع‌آوری و از بیمارستان خارج می‌کردند. در پی این فساد گسترده، دست‌کم ۲۰ بیمار سرطانی به علت وخیم شدن بیماری جان خود را از دست دادند. اگر چه پرونده‌ای قضایی در این رابطه تشکیل و نهادهای امنیتی برای بررسی موضوع وارد شدند اما این پرونده نیز مانند ده‌ها مورد فساد «افشا شده» به جایی نرسید.

موج جدید افزایش قیمت دارو با حذف ارز ترجیحی

سرآغاز افزایش این روزهای قیمت دارو، به دو سال پیش و در آخرین هفته‌های فعالیت دولت ابراهیم رئیسی باز می‌گردد. کمبود منابع ارزی و درآمدهای دولت سبب

دارو شده است. بر اساس گزارش‌ها ۹۰۰ قلم دارو و تجهیزات پزشکی تنها طی سال ۱۴۰۳ با افزایش قیمت ۱۰۰ تا ۶۰۰ درصدی روبرو شدند. محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت دولت پزشکیان در طول این سال اظهارات متناقض درباره اختصاص ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای واردات دارو مطرح کرد. با اینهمه همایون سامه‌یخ نجف‌آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی دی‌ماه سال ۱۴۰۳ و بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۴ از برنامه دولت برای حذف کامل ارز ترجیحی دارو خبر داد.

در نهایت دولت اعلام کرد تخصیص ارز ترجیحی برای واردات برخی اقلام دارویی را ادامه می‌دهد اما واردکنندگان و تولیدکنندگان مهم‌ترین علت افزایش قیمت دارو را تأخیر در تخصیص ارز ترجیحی و حتی بحران در تأمین ارز از بازار ارز تجاری و آزاد اعلام می‌کنند.

نه تنها قیمت داروهای وارداتی بلکه حتی داروهای ساخت درون کشور نیز با افزایش قابل توجه قیمت و کمبود روبرو هستند. افزایش هزینه تولید و افزایش تورم عمومی در اقتصاد کشور از دیگر عوامل افزایش هزینه تمام شده داروهای ساخت داخل شده و در آنسو، اختلال در روند تأمین ارز برای واردات مواد اولیه و عدم دسترسی کافی داروسازها به مواد اولیه سبب اختلال و کاهش دارو در داخل کشور شده است.

در طول سال ۱۴۰۴ نیز افزایش قیمت‌ها در بازار دارو و تجهیزات پزشکی ادامه یافت بطوریکه انواع داروها افزایش دو تا شش برابری قیمت را تجربه کردند. در این میان اما برخلاف وعده وزارت بهداشت، نه تنها پوشش بیمه‌ای برای هزینه دارو افزایش نیافت بلکه شماری از داروها از شمول بیمه خارج و یا سهم بیماران در پرداخت قیمت دارو افزایش یافت. در چنین شرایطی بود که دارو از سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد حذف شد و بسیاری از بیماران کم‌درآمد در اقدامی تکانه‌دهنده روند درمان خود در در موارد ابتلا به سرطان را نیمه‌کاره رها کردند.

در این میان بحران دیگری در سال گذشته نمایان شد: تشدید کمبود دارو. هادی احمدی سخنگو و عضو هیئت مدیره انجمن داروسازان زمستان گذشته از کمبود ۱۵۰ تا ۲۰۰ قلم دارو در ایران خبر داده و تأکید کرده بود کمبود دارو افزایش پیدا خواهد کرد. او همچنین با تأیید افزایش سهم بیماران در پرداخت هزینه دارو نسبت به سهم بیمه‌ها گفته بود: «در حال حاضر پرداختی از جیب بیمار در برخی موارد بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد است که آسیبی جدی به بیمار می‌زند. وضعیت بیماران خاص در حوزه دارو بغرنج‌تر است.»

از اسفندماه گذشته تا کنون بحران دارو جدی‌تر و پیچیده‌تر شده است و به گفته فعالان صنفی قیمت بیش از پنج هزار قلم دارویی طی دو ماه و نیم گذشته تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. بحران در زنجیره تأمین و عدم اختصاص ارز به علت شرایط بحرانی دولت در جریان جنگ با اسرائیل و آمریکا و همچنین مشکلاتی که ثبت سفارش و ارتباط با تأمین‌کنندگان خارجی به علت قطع اینترنت وجود داشت، در کنار آسیب به برخی شرکت‌های داروسازی در جریان جنگ از جمله دلایل تشدید بحران دارو اعلام شده است.

اینهمه در حالیست که همچنان سایه سنگین ساختار مافیاهای حکومتی بر سر صنعت و بازار دارویی ایران بحران‌آفرین است. به همین علت است که شماری از شرکت‌های داروسازی و یا کارآفرینان و سرمایه‌گذاران این حوزه در سالهای گذشته -و حتی پیش از شرایط جنگ- ترجیح دادند سرمایه و کسب‌وکار خود را به دیگر کشورها از جمله ترکیه منتقل کنند.



شد تیم اقتصادی دولت رئیسی اقدام به افزایش نرخ ارز ترجیحی از ۴۲۰۰ تومان به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان و سپس حذف گام‌به‌گام ارز ترجیحی کند.

بهبان دولت برای حذف ارز ترجیحی مبارزه با فساد ناشی از تخصیص ارز ترجیحی مبارزه با فساد صورت گرفته در این بخش بود اما بررسی روند واردات انواع کالاهای اساسی که طی سالهای گذشته ارز ترجیحی آنها حذف شد و همچنین بررسی بازار ارز ایران نشان می‌دهد که این اقدام هیچ تأثیری در فسادزدایی از ساختار فسادزای اقتصاد جمهوری اسلامی نداشته است. کارشناسان و شماری از مقامات حکومتی بارها تأکید کرده‌اند دولت با کمبود شدید درآمد و منابع ارزی روبروست و توان ادامه پرداخت ارز با نرخ دولتی را ندارد.

در مقابل اما اقدام تیم اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی که به‌صورت مشابه در دولت مسعود پزشکیان نیز ادامه یافت سبب موجی از افزایش قیمت در کالاهای اساسی از جمله

پزشکی «افشا» شد. البته این افشاکاری برای شهروندان بود والا اجزای بدنه الیگاری جمهوری اسلامی به اقدامات یکدیگر آگاه هستند.

یکی از پرونده‌های «افشا» شده پرونده شبنم نعمت‌زاده دختر محمدرضا نعمت‌زاده عضو کابینه دولت‌های ابوالحسن بنی‌صدر، اکبرهاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و حسن روحانی بود. شبنم نعمت‌زاده یکی از مافیاهای واردات دارو به ایران بود و در سال ۱۳۹۷ با پرونده‌ای قطور از تخلف و پولشویی در جریان دریافت ارز دولتی و احتکار دارو و ... در دادگاه به اتهام «اخلال عمده در نظام اقتصادی» به ۲۰ سال حبس، شلاق و رد مال محکوم شد. پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با جمهوری اسلامی، در اواخر خرداد ۱۴۰۴، اعلام شد شبنم نعمت‌زاده که ظاهراً در زندان اوین محبوس بوده، پس از دریافت مرخصی دیگر به زندان بازنگشته است و در حال حاضر متواری محسوب می‌شود!

شاهزاده رضا پهلوی در نشست امنیتی «پولیتیکو»:

فرصت برای تمام کردن کار جمهوری اسلامی نباید از دست برود



عکس: پولیتیکو

هم زمینه پیوستن نیروهایی از ارتش و دستگاه امنیتی به مردم را فراهم سازد.

او افزود: «فی‌شود از یک طرف گفت مردم قیام کنند و همزمان گفت در حال مذاکره هستیم؛ این همه را گیج می‌کند... سیاست مماشات با جمهوری اسلامی شکست خورده و اکنون فرصتی برای تمام کردن کار با یک جانور زخمی فراهم شده است؛ انتظاری که میلیون‌ها ایرانی و بسیاری از کشورهای منطقه دارند. او افزود حملات اخیر علیه ملت ایران نبود، بلکه علیه رژیم بود.»

شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از صحبت‌ها خود گفت حملات انجام‌شده علیه جمهوری اسلامی، ملت ایران را هدف نگرفته بود، بلکه زیرساخت‌های سرکوب حکومت، از جمله دستگاه اطلاعاتی و سپاه پاسداران، را هدف قرار داده بود. او افزود: «مردم آن‌قدر باهوش هستند که تفاوت میان حمله به ملت ایران و حمله به حکومت را تشخیص دهند.»

مجری از شاهزاده رضا پهلوی پرسید «ترامپ می‌گوید مطمئن نیست شما حمایت کافی داخل ایران داشته باشید... منتقدان هم ادعا می‌کنند شما توسط آمریکا و اسرائیل حمایت می‌شوید» که او پاسخ داد «میلیون‌ها ایرانی که به فراخوان من پاسخ دادند، سند زنده هستند که من حمایت عظیمی داخل ایران دارم. به محض اینکه رژیم فیلترینگ و قطعی اینترنت را بردارد، دنیا دقیقاً خواهد شنید که مردم ایران چه می‌گویند.»

او افزود: «دقیقاً قبل از آخرین قطعی اینترنت، پیام آخر من به میلیون‌ها نفر در داخل کشور رسید. فقط یک ویدیو اینستاگرامی بیش از ۹۰ میلیون بازدید داشت و بعد از قطع اینترنت به پنج شش میلیون رسید. هیچ دولت خارجی حق ندارد برای آینده ایران تصمیم بگیرد. این تصمیم تنها به عهده مردم ایران است. ما گروگان‌های زندانی هستیم که این رژیم برای ما ساخته. گاهی اوقات گروگان‌ها برای آزادی به کمک خارجی نیاز دارند. ما را حمایت کنید و ما خودمان کار را تمام می‌کنیم.»

● شاهزاده رضا پهلوی، سه‌شنبه ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) در نشست امنیتی «پولیتیکو» به پرسش‌های مجری این نشست درباره ایران، وضعیت مردم پس از خیزش و جنگ ۴۰ روزه پاسخ داد. او با اشاره به اوضاع ایران، تأکید کرد دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، باید از ارسال پیام‌های دوگانه درباره اهدافش در جنگ با جمهوری اسلامی دست بردارد و در عوض «کار سرنگونی رژیم اسلامگرای تهران را تمام کند.»

● «اکثریت مردم ایران این را یک عملیات آزادی‌بخش واقعی می‌دانند. تصور کنید در جنگ جهانی دوم فرانسه بودید و زیر سلطه رژیم نازی زندگی می‌کردید. وقتی نیروهای متفقین در نورماندی پیاده شدند، آن یک عملیات آزادی‌بخش بود برای کشوری که در غیر این صورت باید تا آخر هیتلر و رژیمش رو تحمل می‌کرد.»

شاهزاده رضا پهلوی، سه‌شنبه ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) در نشست امنیتی «پولیتیکو» به پرسش‌های مجری این نشست درباره ایران، وضعیت مردم پس از خیزش و جنگ ۴۰ روزه پاسخ داد. او با اشاره به اوضاع ایران، تأکید کرد دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، باید از ارسال پیام‌های دوگانه درباره اهدافش در جنگ با جمهوری اسلامی دست بردارد و در عوض «کار سرنگونی رژیم اسلامگرای تهران را تمام کند.»

شاهزاده رضا پهلوی در بخشی از این نشست در پاسخ به پرسشی درباره حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به رژیم ایران خطاب به مجری برنامه گفت، «یکی از دلایل اینکه رژیم به دنبال قطع کامل اینترنت است، این است که مردمی مثل شما صدای واقعی مردم ایران را نشنوند و نفهمند که آن‌ها در این مورد چه می‌گویند.»

او تأکید در شرایط فعلی، «روایت کاملاً دست رژیم است و دقیقاً همان چیزی است که سعی می‌کند به شما بقبولاند؛ اینکه مردم با این مداخله مخالفانند. رسانه‌های جریان اصلی جهان هم دارند همین خط را پیش می‌برند. ولی واقعیت دقیقاً برعکس این حرف‌هاست. اکثریت مردم ایران این را یک عملیات آزادی‌بخش واقعی می‌دانند. تصور کنید در جنگ جهانی دوم فرانسه بودید و زیر سلطه رژیم نازی زندگی می‌کردید. وقتی نیروهای متفقین در نورماندی پیاده شدند، آن یک عملیات آزادی‌بخش بود برای کشوری که در غیر این صورت باید تا آخر هیتلر و رژیمش رو تحمل می‌کرد.»

شاهزاده پهلوی افزود: «در مورد ما هم دقیقاً همین‌طور است. ما با رژیمی روبه‌رو هستیم که از روز اول هموطنانمان را گروگان گرفته و پشت میله‌های زندان نگه داشته. این مداخله برای ما یک عملیات آزادی‌بخش است؛ اقدامی خوش‌آیند که بالاخره کم‌کم می‌کند از شر این رژیم خلاص شویم. این همان خواسته اصلی و نهایی مردم ایران است.»

او افزود: «مردم ایران از این رژیم خسته شده‌اند و به هیچ‌وجه آن را نمی‌خواهند. این رژیم کاملاً نامشروع است و فقط با زور، تهدید و ایجاد ترس خودش را سر کار نگه داشته. دارد زمان می‌خرد تا طوفان را پشت سر بگذارد؛ امیدوار است دیگر نه نتانیاهو در اسرائیل باشد و نه ترامپ در کاخ سفید که واقعاً بتواند به آن فشار بیاورد. خریدن زمان همیشه روش همیشگی و تاکتیک اصلی این رژیم در

تمام این سال‌ها بوده است.»

مخالفت با هدف قراردادن زیرساخت‌ها

شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر لزوم تفکیک میان مردم و رژیم حاکم بر ایران، حملات احتمالی به زیرساخت‌های غیرنظامی را ارسال یک «پیام متناقض» دانست و گفت: «آنچه به مردم ما آسیب می‌زند، هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی است؛ در حالی که ضربه به زیرساخت‌های رژیم، به ما کمک می‌کند.» او با انتقاد از راهکارهای جمهوری اسلامی در استفاده از مردم به‌عنوان «سپر انسانی» و پنهان کردن نیروهای سرکوبگر در اماکن عمومی همچون مدارس و بیمارستان‌ها، خاطرنشان کرد: «هرچه زودتر به این رژیم پایان دهیم، زودتر می‌توانیم جان انسان‌های بی‌گناه بیشتری را حفظ کنیم.» شاهزاده رضا پهلوی همچنین تصریح کرد که پیام‌های ارسالی از سوی جامعه جهانی باید روشن باشد تا مردم بدانند که هدف، آزادی آن‌هاست نه آسیب رساندن به ملت ایران.

او بار دیگر تأکید کرد که مردم ایران و نه نیروهای خارجی، باید نقش اصلی را در تغییر حکومت جمهوری اسلامی ایفا کنند؛ اما برای این کار به «حمایت و پوشش» نیاز دارند.

شاهزاده رضا پهلوی گفت: «نیروهای روی زمین در ایران، خود مردم ایران هستند. ما نیازی نداریم نیروهای خارجی این کار را برای ما انجام دهند.»

او با اشاره به سرکوب اعتراضات دی‌ماه گفت در کمتر از ۴۸ ساعت بیش از ۴۰ هزار نفر کشته شدند و افزود بدون حمایت، نمی‌توان از مردم انتظار داشت دوباره به خیابان‌ها بیایند.

پهلوی توضیح داد «به همین دلیل بود که به کارزار هوایی و پوشش هوایی نیاز داشتیم.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین تأکید کرد باید یک استراتژی روشن برای پایان دادن به جمهوری اسلامی وجود داشته باشد؛ استراتژی‌ای که هم مردم را برای قیام تشویق کند و

ترامپ می‌گوید از پاسخ تهران به پیشنهاد مذاکره «خوشم نیامد»؛ جمهوری اسلامی: تسلیم نخواهیم شد



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

غیرقابل قبول به پیشنهاد دیپلماتیک آمریکا، به نظر من زمان تغییر مسیر فرا رسیده است.»

او افزود: «طرح «پروژه آزادی پلاس» الان ایده خیلی خوبی به نظر می‌رسد؛ اشاره‌ای به عملیات دریایی هدایت کشتی‌ها در تنگه هرمز که ترامپ کمتر از ۴۸ ساعت پس از آغاز، آن را متوقف کرد.

روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داده که ایران رسماً پاسخی چند صفحه‌ای به جدیدترین پیشنهاد ایالات متحده برای پایان دادن به جنگ ارسال کرده است. ایران در این نامه خواسته‌های خود را با جزئیات شرح داده که نشان‌دهنده باقی ماندن شکاف‌های جدی میان مواضع دو طرف است.

به نوشته این روزنامه ایران هیچ یک از خواسته‌های آمریکا در مورد سرنوشت برنامه هسته‌ای را نپذیرفته است و در عوض پیشنهاد توقف درگیری‌ها و بازگشایی تنگه هرمز به ازای لغو محاصره دریایی را مطرح کرده است.

بر اساس ادعای وال استریت در چارچوب پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران مسائل هسته‌ای ظرف ۳۰ روز آینده مورد مذاکره قرار خواهد گرفت. ایران پیشنهاد داده است که بخشی از اورانیوم با غنای بالای خود را رقیق کرده و مابقی را به یک کشور ثالث منتقل کند.

همچنین جمهوری اسلامی می‌خواهد تضمین بگیرد که در صورت شکست مذاکرات یا خروج دوباره آمریکا از توافق در آینده، اورانیوم منتقل شده به کشور بازگردانده شود.

صداوسیماي جمهوری اسلامی گفته طرح آمریکا به معنای «تسلیم ایران در برابر طمع ترامپ» بود. روزنامه «کیهان» چاپ تهران در سرمقاله خود به حامیان مذاکره با آمریکا هشدار داد «ترامپ اگر خواستار مذاکره جدی و محترمانه بود، اقدام به ترور لاریجانی و پزشکیان (در کنار دیگر اعضای شورای عالی امنیت ملی) نمی‌کرد. ذات خبیث ترامپ، با مذاکره محترمانه تباین دارد.»

هنوز اورانیوم‌ها داخل ایران است و حکومت از نیابت‌ها پشتیبانی می‌کند، بنابراین هنوز جنگ تمام نشده است. ترامپ نیز به اکسیوس گفت که با نتانیاهو، گفتگو کرده و درباره پاسخ جمهوری اسلامی و موضوعات دیگر صحبت کرده است.

او درباره نتانیاهو گفت: «تماس بسیار خوبی بود. رابطه خوبی داریم.» اما افزود که مذاکرات با ایران «موضوع من است، نه موضوع دیگران.»

سناتور لیندزی گراهام توصیه کرده است که ترامپ اکنون باید اقدام نظامی را مدنظر قرار دهد. به گفته او «با توجه به حملات مداوم آن‌ها به کشتیرانی بین‌المللی، حملات پی‌درپی به متحدان ما در خاورمیانه و اکنون پاسخ کاملا

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز یکشنبه ۱۰ ماه مه (۲۰ اردیبهشت) اعلام کرد که از پاسخ جمهوری اسلامی به پیشنهاد ایالات متحده خوشاش نیامده و آن را کاملا غیرقابل قبول توصیف کرد. برخی منابع جمهوری اسلامی همزمان گفته‌اند پیشنهاد آمریکا رد شده چون به معنی تسلیم کامل رژیم ایران بوده است.

● سناتور لیندزی گراهام توصیه کرده است که ترامپ اکنون باید اقدام نظامی را مدنظر قرار دهد. به گفته او «با توجه به حملات مداوم آن‌ها به کشتیرانی بین‌المللی، حملات پی‌درپی به متحدان ما در خاورمیانه و اکنون پاسخ کاملا غیرقابل قبول به پیشنهاد دیپلماتیک آمریکا، به نظر من زمان تغییر مسیر فرا رسیده است.»

● روزنامه «وال استریت ژورنال» می‌نویسد جمهوری اسلامی ایران هیچ یک از خواسته‌های آمریکا در مورد سرنوشت برنامه هسته‌ای را نپذیرفته است و در عوض پیشنهاد توقف درگیری‌ها و بازگشایی تنگه هرمز به ازای لغو محاصره دریایی را مطرح کرده است.

● صداوسیماي جمهوری اسلامی گفته طرح آمریکا به معنای «تسلیم ایران در برابر طمع ترامپ» بود. روزنامه «کیهان» چاپ تهران در سرمقاله خود به حامیان مذاکره با آمریکا هشدار داد «ترامپ اگر خواستار مذاکره جدی و محترمانه بود، اقدام به ترور لاریجانی و پزشکیان (در کنار دیگر اعضای شورای عالی امنیت ملی) نمی‌کرد. ذات خبیث ترامپ، با مذاکره محترمانه تباین دارد.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز یکشنبه ۱۰ ماه مه (۲۰ اردیبهشت) اعلام کرد که از پاسخ جمهوری اسلامی به پیشنهاد ایالات متحده «خوشم نیامده» و «غیرقابل قبول» است. برخی منابع جمهوری اسلامی همزمان گفته‌اند پیشنهاد آمریکا رد شد چون به معنی تسلیم کامل رژیم ایران بوده است.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل گفته است که



بنیامین نتانیاهو و سناتور لیندزی گراهام

تحریم‌های بریتانیا علیه ۱۲ فرد و نهاد مرتبط با جمهوری اسلامی



عکس: لندن

سی‌بی‌اس:
استقرار مخفیانه
هواپیماهای
ایران در
پاکستان و
افغانستان؛
پاکستان:
«موقت است»!

● «سی‌بی‌اس» دوشنبه ۲۱ اردیبهشت‌ماه گزارش داد که پاکستان برخلاف نقش خود به عنوان میانجی دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن، به طور مخفیانه اجازه داده است هواپیماهای نظامی جمهوری اسلامی ایران در پایگاه‌های هوایی این کشور مستقر شوند تا از حملات هوایی آمریکا در امان بمانند. وزارت خارجه پاکستان اما این ادعا را تکذیب کرد.

● بر اساس گزارش منابع آگاه در دولت آمریکا، تنها چند روز پس از اعلام آتش‌بس موقت توسط دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، در اوایل آوریل، چندین فروند هواپیما از جمله یک هواپیمای شناسایی و جاسوسی مدل «آر-۱۳۰» (RC-130) نیروی هوایی جمهوری اسلامی در پایگاه هوایی «نورخان» پاکستان، واقع در نزدیکی شهر راولپندی، دیده شده‌اند.

● هم‌زمان گزارش‌هایی از اعزام هواپیماهای غیرنظامی جمهوری اسلامی ایران به افغانستان نیز منتشر شده است که به نظر می‌رسد بخشی از تلاش گسترده تهران برای حفاظت از دارایی‌های هوانوردی و نظامی باقی‌مانده خود در میانه درگیری‌های اخیر باشد.

● وزارت خارجه پاکستان در بیانیه‌ای مدعی شد «هواپیماهای نظامی ایران نه برای مصون ماندن از حملات آمریکا که در انتظار دوره‌های بعدی مذاکرات، در پایگاه نورخان مانده‌اند.»

«سی‌بی‌اس» دوشنبه ۲۱ اردیبهشت‌ماه گزارش داد که پاکستان برخلاف نقش خود به عنوان میانجی دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن، به طور مخفیانه اجازه داده است هواپیماهای نظامی جمهوری اسلامی ایران در پایگاه‌های هوایی این کشور مستقر شوند تا از حملات هوایی آمریکا در امان بمانند. وزارت خارجه پاکستان اما این ادعا را تکذیب کرد.

بر اساس گزارش منابع آگاه در دولت آمریکا، تنها چند روز پس از اعلام آتش‌بس موقت توسط دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، در اوایل آوریل، چندین فروند هواپیما از جمله یک هواپیمای شناسایی و جاسوسی مدل «آر-۱۳۰» (RC-130) نیروی هوایی جمهوری

طبق اعلام دولت بریتانیا این شبکه در فعالیت‌های خصمانه مورد حمایت جمهوری اسلامی نقش داشته است؛ فعالیت‌هایی که از جمله شامل تهدید، برنامه‌ریزی یا اجرای حملات علیه افراد و دارایی‌ها در بریتانیا و دیگر کشورها می‌شود.

جمهوری اسلامی بارها دخالت در حملات یا طرح‌های سوء قصد در بریتانیا و دیگر کشورها را رد کرده است. بر اساس متن این اطلاعیه، برخی از افراد به دلیل مشارکت مستقیم در اقدامات خصمانه تحریم شده‌اند، در حالی که برخی دیگر به ارائه خدمات مالی یا حمایت‌های مادی دیگر برای تسهیل چنین فعالیت‌هایی متهم شده‌اند. این اقدامات که در اطلاعیه تحریمی دولت بریتانیا آمده، شامل مسدود شدن دارایی‌ها، ممنوعیت سفر و ممنوعیت تصدی سمت‌های مدیریتی است.

در این بیانیه سه نهاد مالی و صرافی وابسته به جمهوری اسلامی و ۹ فرد با ملیت‌های ایرانی و غیرایرانی در فهرست سیاه قرار گرفته‌اند.

شبکه زیندشتی، صرافی برلیان، و صرافی «جی‌سی‌ام»، سه نهادی هستند که به فعالیت خصمانه، تهدید، و طرح‌ریزی یا اجرای حملات علیه افراد و دارایی‌ها در بریتانیا و کشورهای دیگر متهم و به همین علت توسط دولت بریتانیا تحریم شده‌اند.

اکرم عبدالکریم اوزتونک، «برادرزاده» ناجی شریفی زیندشتی با ملیت ترکیه‌ای، نامیک سالیوف اهل جمهوری آذربایجان، نیهات عبدالقادر اصلان با گذرنامه ایرانی، رضا حمیدی راوری، فرزند زرین‌قلم ساکن بریتانیا، فضل‌الله زرین‌قلم، منصور زرین‌قلم، ناصر زرین‌قلم، و پوریا زرین‌قلم همگی ایرانی و دارای گذرنامه سنت کیس نیز افرادی هستند که از سوی دولت بریتانیا تحریم شده و تحت تعقیب قرار گرفته‌اند.

● بریتانیا روز دوشنبه ۱۱ ماه مه (۲۱ اردیبهشت) ۱۲ فرد و نهاد مرتبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد و آنها را به مشارکت در فعالیت‌های خصمانه، از جمله طرح‌ریزی حملات و ارائه خدمات مالی به گروه‌هایی که در پی بی‌ثبات کردن بریتانیا و کشورهای دیگر هستند، متهم کرد. ● در این بیانیه سه نهاد مالی و صرافی وابسته به جمهوری اسلامی و ۹ فرد با ملیت‌های ایرانی و غیرایرانی در فهرست سیاه قرار گرفته‌اند.

● شبکه زیندشتی، صرافی برلیان و صرافی «جی‌سی‌ام»، سه نهادی هستند که به فعالیت خصمانه، تهدید، و طرح‌ریزی یا اجرای حملات علیه افراد و دارایی‌ها در بریتانیا و کشورهای دیگر متهم و به همین علت توسط دولت بریتانیا تحریم شده‌اند.

● اکرم عبدالکریم اوزتونک، «برادرزاده» ناجی شریفی زیندشتی با ملیت ترکیه‌ای، نامیک سالیوف اهل جمهوری آذربایجان، نیهات عبدالقادر اصلان با گذرنامه ایرانی، رضا حمیدی راوری، فرزند زرین‌قلم ساکن بریتانیا، فضل‌الله زرین‌قلم، منصور زرین‌قلم، ناصر زرین‌قلم، و پوریا زرین‌قلم همگی ایرانی و دارای گذرنامه سنت کیس نیز افرادی هستند که از سوی دولت بریتانیا تحریم شده و تحت تعقیب قرار گرفته‌اند.

بریتانیا روز دوشنبه ۱۱ ماه مه (۲۱ اردیبهشت) ۱۲ فرد و نهاد مرتبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد و آنها را به مشارکت در فعالیت‌های خصمانه، از جمله طرح‌ریزی حملات و ارائه خدمات مالی به گروه‌هایی که در پی بی‌ثبات کردن بریتانیا و کشورهای دیگر هستند، متهم کرد. افرادی که هدف این تحریم‌ها قرار گرفته‌اند، شامل اعضا و افراد نزدیک به «شبکه تبهکار زیندشتی» و همچنین چند صرافی و گرداننده خدمات مالی هستند.

روزنامه «والاستریت ژورنال»: امارات مخفیانه به تأسیسات نفتی لاوان حمله کرد



انفجار در تأسیسات نفتی لاوان

آنجا که آتش‌بس هنوز به‌طور کامل اجرایی نشده بود، آمریکا واکنشی به این حمله نشان نداد و حتی از مشارکت کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس، از جمله امارات، در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران استقبال کرده است.

در این گزارش همچنین آمده است که امارات پس از حملات تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی، رویکردی «تهاجمی» در منطقه خلیج فارس در پیش گرفته و همکاری نظامی گسترده‌ای میان آمریکا و امارات در طول جنگ ادامه داشته است. وزارت دفاع آمریکا و وزارت خارجه امارات درباره این ادعاها اظهار نظری نکرده‌اند. کاخ سفید نیز به پرسش‌ها درباره نقش امارات در جنگ پاسخ نداد، اما اعلام کرده که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا همه گزینه‌ها را در اختیار دارد و واشنگتن حداکثر فشار را بر ایران حفظ خواهد کرد.

پس از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل و پاسخ‌های متقابل جمهوری اسلامی، تنش‌ها به درگیری گسترده منطقه‌ای تبدیل شد. دونالد ترامپ هشتم آوریل اعلام کرد که آتش‌بس را پذیرفته است. شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران نیز همان روز اعلام کرده بود انفجار رخ داده در پالایشگاه نفت جزیره لاوان ناشی از «حمله دشمن» بوده و موجب آتش‌سوزی در این مجموعه شده است.

در پی این حادثه، نیروهای آتش‌نشانی برای مهار حریق وارد عمل شدند و به دلیل تخلیه به‌موقع کارکنان، تلفات جانی گزارش نشد. شرکت ملی پالایش و پخش نفت ایران همچنین تأکید کرده بود شبکه تامین و توزیع سوخت کشور پایدار است و از مردم خواسته بود مصرف سوخت را مدیریت کنند.

پیش‌تر «قرارگاه خاتم‌الانبیا» هشدار داده بود اگر از امارات اقدامی علیه ایران انجام شود، پاسخ کوبنده و پشیمان‌کننده می‌دهیم.

● روزنامه «والاستریت ژورنال» به نقل از منابعی که نامشان فاش نشده، گزارش داد امارات متحده عربی در جریان جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران، حملات نظامی مخفیانه‌ای را علیه اهدافی در داخل ایران انجام داده است.

● بر اساس این گزارش که ۱۱ اردیبهشت منتشر شد، امارات در ماه آوریل (اردیبهشت) و همزمان با آتش‌بس، پالایشگاهی در جزیره لاوان در خلیج فارس را هدف قرار داده است. گفته می‌شود این حمله باعث آتش‌سوزی گسترده و از کار افتادن بخش بزرگی از ظرفیت پالایشگاه برای چندین ماه شده است.

● وزارت دفاع آمریکا و وزارت خارجه امارات درباره این ادعاها اظهار نظری نکرده‌اند. کاخ سفید نیز به پرسش‌ها درباره نقش امارات در جنگ پاسخ نداد، اما اعلام کرده که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا همه گزینه‌ها را در اختیار دارد و واشنگتن حداکثر فشار را بر ایران حفظ خواهد کرد.

روزنامه «والاستریت ژورنال» به نقل از منابعی که نامشان فاش نشده، گزارش داد امارات متحده عربی در جریان جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران، حملات نظامی مخفیانه‌ای را علیه اهدافی در داخل ایران انجام داده است.

بر اساس این گزارش که ۱۱ اردیبهشت منتشر شد، امارات در ماه آوریل (اردیبهشت) و همزمان با آتش‌بس، پالایشگاهی در جزیره لاوان در خلیج فارس را هدف قرار داده است. گفته می‌شود این حمله باعث آتش‌سوزی گسترده و از کار افتادن بخش بزرگی از ظرفیت پالایشگاه برای چندین ماه شده است.

منابع مورد استناد والاستریت ژورنال ادعا کرده‌اند از

اسلامی در پایگاه هوایی «نورخان» پاکستان، واقع در نزدیکی شهر راولپنڈی، دیده شده‌اند. هم‌زمان گزارش‌هایی از اعزام هواپیماهای غیرنظامی جمهوری اسلامی ایران به افغانستان نیز منتشر شده است که به نظر می‌رسد بخشی از تلاش گسترده تهران برای حفاظت از دارایی‌های هوانوردی و نظامی باقی‌مانده خود در میانه



بمباران پایگاه‌های نظامی و فرودگاه‌های ایران در جریان جنگ ۴۰ روزه و آسیب به هواپیماها / عکس: رویترز

درگیری‌های اخیر باشد.

همزمان، مقامات ارشد پاکستان این ادعاها را به شدت رد کرده‌اند. یک مقام عالی‌رتبه پاکستانی در گفتگو با «سی‌بی‌اس نیوز» تأکید کرد که پایگاه هوایی نورخان در قلب شهر واقع شده و استقرار ناوگان بزرگی از هواپیماهای خارجی در چنین مکانی غیرممکن است که از دید عموم پنهان بماند.

با این حال، تحلیلگران آمریکایی بر این باورند که این جابه‌جایی‌های استراتژیک نشان‌دهنده تلاش رژیم ایران برای بهره‌گیری از روابط منطقه‌ای جهت کاهش آسیب‌پذیری ناوگان هوایی خود در برابر فشارهای نظامی و محاصره اعمال شده توسط واشنگتن است.

در واکنش به این گزارش وزارت خارجه پاکستان به طور رسمی گزارش‌های منتشر شده درباره حضور هواپیماهای ایرانی در پایگاه هوایی «نورخان» را «گمراه‌کننده» خواند و تأکید کرد که این هواپیماها صرفاً برای تسهیل رفت‌وآمد دیپلمات‌ها و به صورت موقت مستقر شده‌اند.

در بیانیه وزارت خارجه پاکستان آمده «هواپیماهای نظامی ایران نه برای مصون ماندن از حملات آمریکا که در انتظار دوره‌های بعدی مذاکرات، در پایگاه نورخان مانده‌اند.» همچنین تأکید شده، «هواپیماهای ایرانی که هم‌اکنون در خاک ما هستند، به هیچ‌گونه ترتیبات نظامی مرتبط نمی‌باشند.» پاکستان همچنین تصریح کرد که ارتباط منظم خود را با همه طرف‌های ذی‌نفع حفظ کرده و متعهد است از تمامی تلاش‌هایی که به تقویت گفت‌وگو، کاهش تنش و پیشبرد صلح کمک می‌کند، حمایت کند.

در جریان جنگ ۱۲ روزه نیز نیروی هوایی جمهوری اسلامی بخشی از ناوگان خود را به پاکستان منتقل کرده بود تا کمتر آسیب ببینند.

جمهوری اسلامی برای مقابله با عملیات زمینی نیروهای آمریکا و اسرائیل آماده می‌شود

● نیروهای مسلح جمهوری اسلامی خود را برای مقابله با عملیات زمینی احتمالی اسرائیل و آمریکا به ویژه برای دفاع از تأسیسات اتمی آماده می‌کنند. براساس گزارش منابع غیررسمی، از اوایل اردیبهشت ۱۴۰۵ تکاوران تیپ ۴۵ شوشتر اطراف تأسیسات هسته‌ای اصفهان مستقر شده‌اند. همزمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در مناطق کویری ایران رزمایش مقابله با عملیات زمینی برگزار می‌کند.

● ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه پیشنهاد داده است اورانیوم‌های غنی‌شده ایران [احتمالاً ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی] به روسیه منتقل شود با این همه در ایران برخی فرماندهان پرنفوذ سپاه پاسداران با خروج اورانیوم‌ها از ایران مخالف‌اند.

● بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در یک مصاحبه گفته بهتر است با دیپلماسی و توافق اورانیوم‌های غنی شده از ایران خارج شود اما اگر نتیجه نداد «وارد ایران می‌شویم و اورانیوم را خارج می‌کنیم.»

● به گفته سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی یکی از اقدامات برای مقابله با ورود نیروهای آمریکایی به خاک ایران، شخم زدن زمین‌ها و باند فرودگاه‌های متروکه بود.

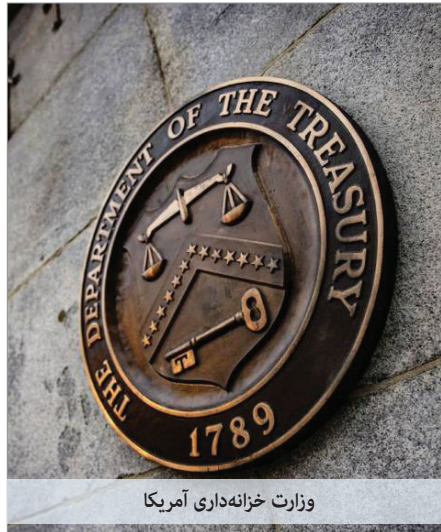
نیروهای مسلح جمهوری اسلامی خود را برای مقابله با عملیات زمینی احتمالی اسرائیل و آمریکا به ویژه برای دفاع از تأسیسات اتمی آماده می‌کنند. براساس گزارش منابع غیررسمی، از اوایل اردیبهشت ۱۴۰۵ تکاوران تیپ ۴۵ شوشتر اطراف تأسیسات هسته‌ای اصفهان مستقر شده‌اند. همزمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در مناطق کویری ایران رزمایش مقابله با عملیات زمینی برگزار می‌کند.

بخشی از تمرکز نیروهای نظامی جمهوری اسلامی روی زمین‌های پست «دشت مهبیار» است همان منطقه‌ای که در جریان جنگ ۴۰ روزه هواپیماهای آمریکایی نیرو پیاده کردند.

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه پیشنهاد داده است اورانیوم‌های غنی‌شده ایران [احتمالاً ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی] به روسیه منتقل شود با این همه در ایران برخی فرماندهان پرنفوذ سپاه پاسداران با خروج اورانیوم‌ها از ایران مخالف‌اند.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در یک مصاحبه گفته بهتر است با دیپلماسی و توافق اورانیوم‌های غنی شده از ایران خارج شود اما اگر نتیجه نداد «وارد ایران می‌شویم و اورانیوم را خارج می‌کنیم.»

این قبل اظهارات و ورود تجهیزات و تسلیحات ←



وزارت خزانه‌داری آمریکا

مرتبط با حکومت ایران شده، و شبکه‌های بانکداری پنهان تهران را سرکوب کرده است. خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که آماده است علیه زیرساخت‌های صنعتی دفاعی ایران اقدامات اقتصادی انجام دهد تا ایران نتواند ظرفیت تولید خود را بازسازی کرده و نفوذ نظامی خود را فراتر از مرزهایش گسترش دهد. همچنین این وزارتخانه آماده اقدام علیه هر شرکت خارجی است که از تجارت غیرقانونی ایران حمایت کند، از جمله شرکت‌های هواپیمایی؛ و در صورت لزوم، ممکن است تحریم‌های ثانویه علیه مؤسسات مالی خارجی که فعالیت‌های ایران را تسهیل می‌کنند - از جمله موارد مرتبط با پالایشگاه‌های مستقل موسوم به «تی‌پات» در جمهوری خلق چین - اعمال شود.

در این بیانیه تأکید شده هر شخص یا کشتی‌ای که از تجارت غیرقانونی نفت یا سایر کالاها از طریق کانال‌های مخفی تجاری یا مالی حمایت کند، در معرض تحریم‌های آمریکا قرار خواهد گرفت. خزانه‌داری آمریکا هم طرح‌های سنتی دور زدن تحریم‌ها و هم سوءاستفاده از دارایی‌های دیجیتال را به شدت هدف قرار خواهد داد و در عین حال به مسدود کردن وجوهی که از مردم ایران سرقت شده ادامه می‌دهد.

یکی از شرکت‌های تحریم شده «یوشیتا» مستقر در چین است. این شرکت به‌عنوان تسهیل‌کننده برای «مرکز پیشرفت و توسعه ایران» (CDPI) فعالیت می‌کند؛ نهادی که نام جدید «مرکز همکاری نوآوری و فناوری» (CITC) است و از سوی آمریکا تحریم شده و تلاش‌های ایران برای خرید فناوری را هماهنگ می‌کند. CITC تلاش کرده از چین تسلیحاتی از جمله سامانه‌های پدافند هوایی قابل حمل (MANPADS) خریداری کند.

شرکت Elite Energy FZCO مستقر در دبی، میلیون‌ها دلار به شرکت «AE International Trade» منتقل کرده است. AE Int HK Hesin Industry Co Limited در هنگ‌کنگ و شرکت Armory Alliance LLC در بلاروس به‌عنوان واسطه در این خریدها برای CITC عمل کرده‌اند تا کاربر نهایی ایرانی را پنهان کنند.

محمد مهدی ملکی، تبعه ایرانی ساکن بلاروس و کارمند شرکت Armory Alliance، نیز در این خریدها برای CITC نقش داشته است. همچنین محمدعلی طالبوف، تبعه بلاروس، مدیرعامل Armory Alliance و از تسهیل‌کنندگان باسابقه خرید تسلیحات برای ایران در بلاروس است. گفته می‌شود شرکت AE International Trade متعلق به خانواده علی شمخانی است. اشاره‌ای به این موضوع در بیانیه وزارت خارجه آمریکا نشده است.

تحریم ۱۱ شرکت و سه فرد مستقر در ایران، چین، بلاروس و امارات به دلیل تأمین قطعات و تجهیزات نظامی برای جمهوری اسلامی

● در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا که ۱۸ ماه مه (۲۸ اردیبهشت) منتشر شد آمده این تحریم‌ها در چارچوب کارزار «خشم اقتصادی» علیه تلاش‌های نظامی حکومت ایران برای تأمین سلاح و همچنین مواد اولیه مورد استفاده در پهپادهای «شاهد» و برنامه موشک‌های بالستیک اعمال شده است.

● اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، گفت: «در حالیکه رهبران باقی‌مانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مانند موش در یک کشتی در حال غرق شدن گرفتار شده‌اند، وزارت خزانه‌داری در کارزار خشم اقتصادی خود هیچ‌گونه عقب‌نشینی ندارد. تحت رهبری قاطع رئیس‌جمهور ترامپ، ما به اقدام برای حفظ امنیت آمریکا ادامه خواهیم داد و افراد و شرکت‌های خارجی را که برای استفاده علیه نیروهای آمریکایی به ارتش ایران سلاح می‌رسانند، هدف قرار خواهیم داد.»

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) شرکت و ۳ فرد مستقر در ایران، چین و بلاروس را به دلیل همکاری با جمهوری اسلامی در تأمین قطعات و تجهیزات نظامی تحریم کرد.

در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا که ۱۸ ماه مه (۲۸ اردیبهشت) منتشر شد آمده این تحریم‌ها در چارچوب کارزار «خشم اقتصادی» علیه تلاش‌های نظامی حکومت ایران برای تأمین سلاح و همچنین مواد اولیه مورد استفاده در پهپادهای «شاهد» و برنامه موشک‌های بالستیک اعمال شده است.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، گفت: «در حالیکه رهبران باقی‌مانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مانند موش در یک کشتی در حال غرق شدن گرفتار شده‌اند، وزارت خزانه‌داری در کارزار خشم اقتصادی خود هیچ‌گونه عقب‌نشینی ندارد. تحت رهبری قاطع رئیس‌جمهور ترامپ، ما به اقدام برای حفظ امنیت آمریکا ادامه خواهیم داد و افراد و شرکت‌های خارجی را که برای استفاده علیه نیروهای آمریکایی به ارتش ایران سلاح می‌رسانند، هدف قرار خواهیم داد.»

وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنان سیاست فشار حداکثری بر ایران را حفظ کرده و توانایی حکومت ایران برای تولید، جابه‌جایی و بازگرداندن منابع مالی را هدف قرار داده است. خزانه‌داری آمریکا با شدت در حال پیشبرد کارزار «خشم اقتصادی» است و میلیاردها دلار درآمد پیش‌بینی‌شده نفتی ایران را مختل کرده، اقداماتی انجام داده که منجر به مسدود شدن نزدیک به نیم میلیارد دلار ارز دیجیتال

بازنشمن

خیر و برکت از همه چیز رفته است

خبراندیش (احمد احرار)

کیهان لندن شماره ۱۲۱۵ (مرداد ماه ۱۳۸۷)



سعید امامی در ایران

سعید امامی و همسرش در ایران

انگلیسی در آبهای خلیج فارس بود. منتهای مراتب، قرار نبود هدف سوء قصد که خودش نقش خود را بازی می‌کرد، مانند سعید امامی در جریان عملیات قربانی شود.

خبرش را خواندید که نواسالار یکم ابوالقاسم امانگاه، فرمانده پایگاه نیروی دریایی سپاه در اروندرود هنگامی که در منطقه سرخه‌حصار تهران مشغول راندگی بود مورد حمله افراد مسلح قرار گرفت. مهاجمین که دو گروه بودند، از دو سو به روی نواسالار آتش گشودند. اما فرمانده شجاع با همان مهارتی که یک نواسالار در عرصه دریا کشتی را از برابر امواج خروشان طوفان به ساحل نجات هدایت می‌کند، «سریعاً خودرو خود را به کنار جاده کشید و درازکش در داخل خودرو تغییر فیزیکی ایجاد کرده و بدین ترتیب از این حادثه جان سالم به‌در برد».

یک مقام بلندپایه امنیتی «در رابطه با علل حادثه و مکان آن» گفته است: «با توجه به تحرکات اخیر دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق ترغیب و تشویق مادی و معنوی گروهک‌های تروریستی برای خرابکاری در کشور به‌نظر می‌رسد این گروهک‌ها با اقداماتی از این دست و حضور در مناطق نظامی از جمله سرخه‌حصار می‌خواهند خودی نشان داده و جسارتشان را به نمایش بگذارند».

بخش بعدی سناریو، طبعاً شناسایی عاملان حادثه تروریستی از طرف سربازان گمنام امام زمان، بازداشت آنها و اعترافاتشان خواهد بود بدین قرار که دولت فخریه انگلیس قصد داشت از فرمانده دلیر نیروی دریایی سپاه انتقام بگیرد، با «منافقین» وارد معامله شد، دادگاه انگلستان نام منافقین را از لیست سازمانهای تروریستی قلم گرفت، آنها هم متقابلاً عملیات ترور نواسالار یکم امانگاه را برعهده گرفتند اما خدا نخواست و امام زمان اتمومیل را به حاشیه جاده هدایت کرد و توطئه ناکام ماند و دشمنان رسوا و روسیاه شدند.

به‌قول عبید زاکانی «تیز در ریشش که این باورکنند!»

سلطان محمود دیوانه‌ای را گفت چیزی از من بخواه. دیوانه مقداری دنبه خواست. یکی از ملازمان به‌اشاره سلطان، مقداری ترب سفید آورد و در برابر دیوانه گذاشت. دیوانه ترب را می‌خورد و سر تکان می‌داد. سلطان محمود پرسید در چه فکری و چرا سر تکان می‌دهی. دیوانه گفت در این فکرم که در عهد سلطنت تو چربی از دنبه هم رفته است!

در عهد اقتدار پریزدنت محمود هم چیزی مانده که خاصیتش را از دست نداده باشد. در دوره «اصلاح‌طلبان» وقتی نیاز به نمایش سیاسی پیدا می‌شد لاقول در سناریویسی و کارگردانی و بازیگری مهارت به‌خرج می‌دادند. نمونه‌اش، بستن پرونده قتل‌های زنجیره‌ای با واجبی خوراندن به سعید امامی بود. یک نمایش دراماتیک که بر اساس آن، کشتار دگراندیشان مسؤولیتش یکسره به گردن «گروه خودسر» افتاد و رهبر باند به‌اتهام ارتکاب جنایات خودسرانه بازداشت شد و پیش از آن که دهان بگشاید و اسرار نهان را بازگوید واجبی در حلقش چپاندند و با «خودکشی» او پرونده مختومه شد.

حالا، مقایسه بفرمایید با نمایش کمیک «سوء قصد به جان یک فرمانده سپاه».

بعد از آن که قاضی انگلیسی رأی به برائت مجاهدین خلق داد و نیز همزمانی این حکم با تحریم بانک ملی ایران از سوی دولت انگلیس، لازم بود با اجرای یک نمایش سیاسی، این رویدادها به‌عنوان بخشی از توطئه انگلیسی‌ها برای مختل ساختن امنیت ملی و ضربه زدن به دولت امام زمانی شناخته شود. بدین معنی که انگلستان یک رشته عملیات تروریستی را تدارک دیده و اجرای آن را به‌عهده سازمانی گذاشته است که در این گونه عملیات خبرگی و ورزیدگی دارد.

بهترین سناریو برای چنین نمایشی، اقدام به ترور سرکرده عملیات ۲۳ مارس سال گذشته و بازداشت ۱۵ ملوان

→ نظامی خاص به منطقه از جمله تکاوران و ناوهای آبی- خاکی، احتمال اینکه در مرحله بعدی عملیات برای خروج اورانیوم‌ها از ایران [مشابه ونزوئلا]، اقدام نظامی صورت بگیرد را افزایش می‌دهد.

مقامات جمهوری اسلامی معتقدند آمریکا در جریان عملیات هلی‌برن نیرو به جنوب اصفهان [دشت مهیار]



یک ارتشی در حال استفاده از دوش پرتاب

همین ماموریت را دنبال می‌کرد.

سرتیپ محمد اکرمی‌نیا سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی در مصاحبه با ایرنا ادعا کرده است، عملیات آمریکا برای نجات خلبان‌هایی که در ایران سقوط کرده بودند بیشتر «یک عملیات فریب» بود.

او توضیح داد روز قبل از این عملیات آمریکایی‌ها یک عملیات دیگر انجام داده بودند که «با مقابله عشایر مواجه شدند».

به گفته اکرمی‌نیا «احتمالاً آن عملیات هم برای سرقت اورانیوم غنی‌شده بود».

به گفته این مقام ارتش، یکی از اقدامات برای مقابله با ورود نیروهای آمریکایی به خاک ایران، شخم زدن زمین‌ها و باند فرودگاه‌های متروکه بود با این همه آمریکایی‌ها وارد شدند.

سخنگوی ارتش همچنین گفت بیش از ۵۰ فروند هواپیما آمریکایی در این عملیات نقش داشته‌اند. او در این ارتباط نیز توضیح داد، «برخی از این هواپیماها و پهپادها وظیفه پوشش هوایی و شلیک را بر عهده داشتند».

دستکم چهار نفر از نیروهای ارتش در این عملیات کشته شدند هرچند آمار غیررسمی حاکی از کشته و زخمی شدن تعداد بیشتری از نیروها شامل نیروهای سپاه و بسیج مناطق می‌شود.

به گفته این مقام ارتش بعضی از این هواپیماها کار ترابری را انجام دادند و تعدادی هم در زمینه جنگ الکترونیک فعال بودند. یعنی ۵۰ هواپیمای دشمن در عملیاتی شرکت کردند که قطعاً این عملیات بارها تمرین شده و به دقت طرح‌ریزی و مطالعه شده بود تا بتوانند این کار بزرگ را انجام دهند. اما با همت هم‌زمان عزیز ما در ارتش جمهوری اسلامی ایران و همکاری هم‌زمان در سایر نیروهای مسلح، این عملیات به شکست انجامید و پیروزی بزرگی برای ایران رقم خورد.



مرا مثل يك تکه آشغال از خانه خودم بیرون انداختند!

پاسدار مسلسل به دست فریاد زد: برو لباسهای زیرت را جمع کن، این خانه و هرچه در آن هست به نفع فقرا مصادره شده است

(تاریخ نشر در کیهان لندن: مهر تا آذر ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۲۴ تا ۹۳۳)



پشت دیوارهای بلند از کاخ تا زندان (۹) آذر آریانپور

- «خیلی دلت می‌خواهد بدانی که شوهر جنایتکار تو چه حکمی گرفت؟ خب، گوش کن! او به اعدام محکوم شد و حکم را هم شب گذشته اجرا کردند!»
لحظه‌ای نگاهم روی او خیر ماند. پیام مرگ آموزش را در ذهنم تکرار کردم. شجاع مرده بود! او را بی‌رحمانه کشته بودند! دیگر نفس نمی‌کشید! دیگر او را نمی‌دیدم! يك دفعه درد تیز و شدیدی سینهام را فرا گرفت. جلوی چشمانم سیاهی رفت و اتاق دور سرم شروع به چرخیدن کرد. در حالی که دستم را روی قلبم می‌گذاشتم، به دیوار تکیه دادم. داشتم می‌مردم. چه بهتر! بدون شوهرم زندگی چه ارزشی داشت؟ برخورد فلز سرد مسلسل آن مرد با شقیقه‌ام مرا به دنیای

تا زندان» حکایت کرده است. حکایتی به گفته فردوسی «پر آب چشم».
آذر آریانپور که با فرزندانش (روشنک و رامین و بابک) در آمریکا بسر می‌برد از خاندان معروف آریانپور کاشانی و خواهر شادروان دکتر امیرحسین آریانپور استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است. او پس از پایان تحصیلات دبیرستانی با شجاع الدین شیخ الاسلام زاده - پزشکی جوان - ازدواج کرد و به همراه وی برای ادامه تحصیلات روانه آمریکا شد.
در آمریکا، شیخ الاسلام زاده دوره تخصصی را در رشته جراحی استخوان گذراند و همسرش در رشته ادبیات انگلیسی و آموزش و پرورش لیسانس گرفت.
زندگی مشترک این دو، پس از آزادی شیخ الاسلام زاده از زندان، پایان گرفت، زیرا «شیخ» می‌خواست در ایران بماند و «آذر» در آمریکا ماندنی شده بود.
بخشی از کتاب «پشت دیوارهای بلند» را که به اوایل انقلاب - ششماهه اول سال ۱۳۵۸ - مربوط می‌شود برای مطالعه شما برگزیده‌ام.

دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام زاده، وزیر بهداشتی و بهزیستی در کابینه هویدا، از جمله دولتمردان رژیم گذشته بود که در سال ۱۳۵۷ هنگامی که اغتشاشات اوج می‌گرفت، به امید آرام کردن اوضاع، از طرف دولت وقت و به موجب مقررات حکومت نظامی بازداشت شدند.

در غوغای ۲۲ بهمن، تعدادی از آنان موفق به فرار شدند و جان خود را از خطر رهنه‌اندن. دکتر شیخ الاسلام زاده به طوری که شاهدان عینی گواهی می‌دهند، شانس فرار را به دلیل پرداختن به يك سر باز زخمی از دست داد و سپس خود را به انقلابیون تسلیم کرد.
او خطر اعدام را بدین سبب که در زندان به خدمات پزشکی پرداخته و وجودش مورد نیاز بود، از سر گذراند و در دادگاه انقلاب به حبس ابد محکوم شد. حکم صادره ابتدا به پانزده سال و سپس به پنج سال تخفیف یافت و وزیر پیشین، پس از ۵ سال از زندان آزاد شد.
همسر دکتر شیخ الاسلام زاده، آذر آریانپور، این سالهای رنج را در کتابی با عنوان «پشت دیوارهای بلند... از کاخ

سوم مرداد ۱۳۵۸:

در ساعت دوازده و پنج دقیقه بعد از ظهر، دو مامور مسلسل به دست با زور به آپارتمان مادرم داخل شدند و به من دستور دادند که همراه آنها به خانه خودمان بروم. رنگ چهره مادرم و پسرم بابک مثل خاکستر سفید شد. من بدون تأمل همراه آن دو رفتم. قلبم از حادثه شومی خبر می‌داد. همچنان که دوان دوان دنبال آنها می‌دویدم، از دور مشاهده کردم که خانه ما در محاصره قرار داد. نزدیک شدیم و ایستادیم. چند جیب ارتشی و عده‌ای مامور مسلح خانه را قرق کرده بودند.

یکی از مسلسل به دستها که سیبل «استالینی» داشت، به من اعلام کرد:

«خانه مصادره شده، در را باز کن!»

امتناع کردم و با صدای لرزانی گفتم:

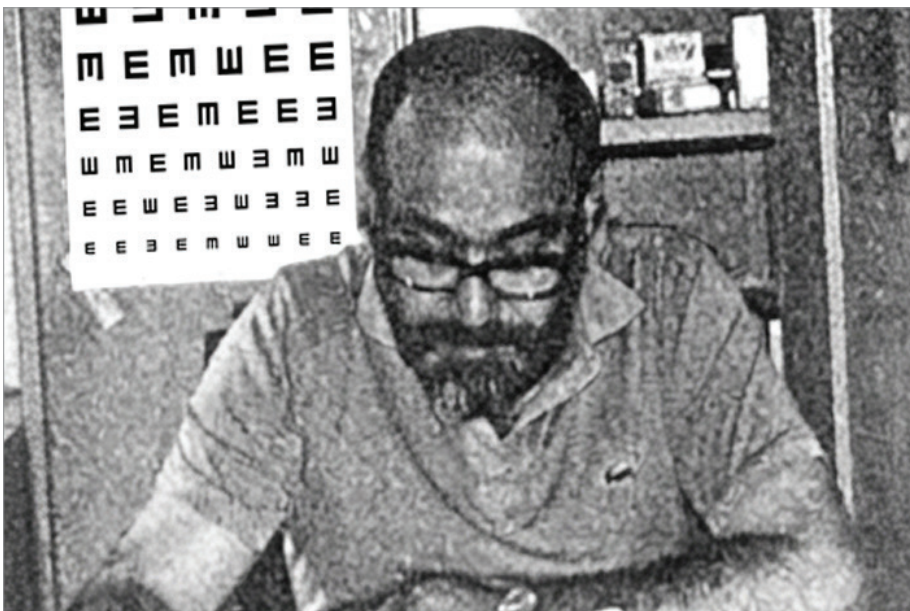
«به چه حقی می‌خواهید خانه ما را ضبط بکنید؟

شوهرم که هنوز محکوم نشده!»

مامور فریاد بلندی کشید:

«در را باز کن!»

با دست لرزان کلید خانه را از جیب لباسم در آوردم. آن را از دستم قاپید و به باز کردن در مشغول شد. يك دفعه سیل مامورین به درون خانه هجوم بردند. من هم مثل سایه همراهشان دویدم. از حیاط گذشتیم و به ایوان رسیدیم. آنها بی‌اعتنا به اعتراض من، در ورودی ساختمان را گشودند و به درون سرازیر شدند. سپس غارت‌وار از این اتاق به آن اتاق حمله کردند و به زیرورو کردن اثاث و شکستن اشیاء پرداختند. رفتارشان غیر قابل فهم بود. گریه کنان دنبالشان کردم. «چه کسی به شما اجازه داده به خانه ما تجاوز بکنید؟ چرا جواب نمی‌دهید؟ حکم شوهرم که هنوز صادر نشده!» یکی از مامورین، همان که سیبل درشت «استالینی»



به موجب رأی دادگاه انقلاب دکتر شیخ الاسلام‌زاده محکوم شده بود که تا پایان عمر در بهداری زندان به طور رایگان خدمت کند. عکس، او را در درمانگاه زندان اوین نشان می‌دهد

زندگان باز آورد. چشمم را گشودم. مرد به من دستور داد که راه بیفتم و همراهش به بالا خانه بروم. با زانوان لرزان اطاعت کردم. دیگر از خودم اراده نداشتم. نرده پلکان را محکم چسبیدم تا به زمین نیفتم. در سراسر بالا چشمم به اتاق روشنگ افتاد که به دست آنها افتاده بود. مرد مسلسل به دست مرا از اتاقی به اتاق دیگر برد تا به صندوقخانه رسیدیم. خیال کردم می‌خواهد مرا در آنجا بکشد. اما ←

داشت از روی اکره توقف کرد و نگاه تحقیرآمیزی به من انداخت و با افاده گفت:

«حکم صادر شده، تو خبر نداری!»

دستم را به دیوار گرفتم و با تضرع پرسیدم:

«چه حکمی دادند؟ خواهش می‌کنم به من بگو. حکم شوهرم چه بود؟»

برقی در چشمهای نامهربانش نشست و به تمسخر گفت:

→ قصدش تصاحب محتوای گاو صندوق کوچکی بود که روی زمین قرار داشت. با ته مسلسلش به من سقلمه زد و امر کرد گاو صندوق را باز بکنم. ذهنم به قدری مغشوش بود که رمز قفل آهنی صندوق را به خاطر نمی‌آوردم. به مغزم فشار آوردم و به خیال خود پنج عدد گمشده را یافتم. روی زمین مقابل گاو صندوق چمپاته زدم و با دستهایی که می‌لرزید، به گشودن قفل مشغول شدم. آن را به چپ و راست گرداندم، قفل باز نشد. اعداد را در ذهنم پس و پیش و دوباره امتحان کردم. باز هم بیهوده بود. او سقلمه دیگری حواله‌ام کرد که اشکم را از درد جاری ساخت. با درماندگی به وی نگریستم و با صدایی که انگار از ته چاه در می‌آمد، گفتم:

– «به خدا قسم رمز قفل یادم نیست.»

مرا به کنار زد و با مسلسل خود گاو صندوق را نشانه گرفت. بنگ! بنگ! بنگ! با صدای اصابت هر گلوله مثل آدمی که دچار برق گرفتگی شده باشد، تکان می‌خوردم. در گاو صندوق گشوده شد، گوشواره‌های الماس مادرم که در روز عروسی‌ام به من هدیه داده بود، النگوی طلای روشنک، کارنامه بچه‌ها و همه اشیایی که برای ما بیش از بهای مادی از نظر عاطفی ارزشمند بودند، به تملک وی درآمدند. قدرتمندانه و با دستهای پر، به من فرمان داد که به طبقه پایین بازگردم. هیاهوی سرنگون شدن اثاث خانه و هیجان آزمندانه در من تأثیری نداشت، دیگر هیچ چیز در من اثر نمی‌کرد. او خطاب به من فریاد زد:

– «برو و لباسهای زبرت را جمع بکن، مابقی به نفع فقرا مصادره شده!»

از جایم تکان نخوردم.
– «من به لباس احتیاج ندارم. خانه با همه وسایلش ارزانی شما باد!»

صدایم به گوش خودم غریبه می‌آمد. مرد نفرتش را در آب دهانش جمع کرد و تف بزرگی به صورتم انداخت. عکس‌العملی نشان ندادم و فقط خیره نگاهش کردم.
بانگ زد:

– «گورت را گم بکن و برو!»

مثل آدمک مصنوعی اطاعت کردم.

در حیاط دو مأمور پرتره مرا که نقاش معروفی کشیده بود، با خودشان حمل می‌کردند. روی دیوار، شعار «مرگ بر شیخ‌الاسلام زاده» که با جوهر قرمز نوشته شده بود، مرا به یاد خون شجاع انداخت که بی‌گناه ریخته بود!
در خیابان پاهایم قدرت حرکت نداشتند. انگار که در سرب فرو رفته بودند.

پوستم مورمور می‌شد و صدای به هم خوردن دندانهایم را می‌شنیدم. احساس می‌کردم که از خاک کوچه‌هم‌پست‌تر هستم. در خانه مادرم، کسانم گوش تا گوش در اتاق نشسته بودند و آه و زاریشان بلند بود. حتی برادر شوهر نامهربانم که اصلاً سراغ ما را نمی‌گرفت، آن جا حضور داشت. تا مرا دید، جلو آمد و با ریاکاری گفت:

– «دیدنی چه بر سر برادرم آوردند؟!»

من که در تمام روز بار رنج و تحقیر را در سینه انباشته بودم، مثل آتش فشان منفجر شدم و چنان فریاد بلندی کشیدم که همه خاموش شدند.

– «لایذ آمده‌ای که ارث برادرت را بالا بکشی! حیف! هر چه بود، غارت کردند، حالا پی کارت برو! تا شجاع زنده بود، نرفتی سراغش را بگیری، حالا که مرده دم نمی‌خواهد در مراسم ختمش حضور داشته باشی، می‌فهمی؟ گورت را گم بکن!»
پس از آزادی این کلمات روی زمین ولو شدم و به گریستن و فریاد زدن ادامه دادم. صدای یک نفر مرا به خود آورد:
– «آذر، شجاع نمرده! می‌شنوی؟ او زنده است!»

صدای دیگری با او هم آواز شد:

– «آذر، شجاع حبس ابد گرفته! خوشحال باش که زنده است!»
از گریستن و فریاد زدن دست کشیدم. درست منظور آنها را نمی‌فهمیدم. مادرم روزنامه را مقابل دیدگانم گرفت و گفت:
– «آذرجان، خودت بخوان، ببین شجاع زنده است، محکوم به حبس ابد شده!»

با زحمت خبر صفحه اول روزنامه را این طور خواندم:

شیخ الاسلام‌زاده به حبس ابد محکوم شد!
نالهام بلند شد:

– «حبس ابد؟ مگر شجاع می‌تواند تحمل بکند؟»

هرکس به نحوی شروع به دل‌داری کرد. حبس ابد ظاهر قضیه است، بعد از مدتی آزادش می‌کنند، باید شکرگزار باشیم که شجاع زنده است... مگر آنهایی که شوهرهایشان را اعدام کردند، آدم نبودند؟

دوباره شروع به گریستن کردم، اما اشک هم به من تسلی نمی‌داد. سنگینی حبس ابد مثل عزازیل روی سینه‌ام فشار می‌آورد و خفهام می‌کرد. کاش می‌مردم و آسوده می‌شدم. شوهر خواهرم که پس از بیست و چهار ساعت بازداشت آزاد شده بود، به من قرص آرام بخشی داد. وضع روحی خودش هم تعریفی نداشت. ساعت چهار بعد از ظهر از رادیو خبر حس ابد شوهرم را پخش کردند:

بسم الله القاصم الجبارین!

مردمان ستم‌دیده و رزمنده ایران: پس از نه روز دادرسی و شور، امروز دادگاه انقلاب اسلامی دکتر سید شجاع‌الدین شیخ الاسلام‌زاده را به اتهام غارت بیت‌المال به نفع خود و دیگران و همکاری با رژیم منفور سابق و عضویت در کابینه‌های غیر قانونی و ضد مردمی هویدا و آموزگار و تخریب و فساد در سیستم بهداشتی و اختصاص دادن بودجه درمانی و بهداشتی در راه عیاشی و فساد، مفسد فی‌الارض شناخت و وی را با یک درجه تخفیف به حبس ابد دایم و استرداد کلیه اموال خود و اقارب درجه اولش به نفع مستضعفین محکوم کرد...

حبس ابد با یک درجه تخفیف؟! استرداد کلیه اموال؟ با تمام قوا روی دیوار مشت کوبیدم و شیون کشیدم. از فرط نومیدی نزدیک بود دیوانه شوم. برادرانم مرا به اتاق خواب بردند تا استراحت بکنم. اندکی بعد بابک پیدایش شد. نمی‌دانم در این مدت کجا به سر می‌برد. رنگش زرد و چشمهایش متورم و قرمز بود. اما جلوی من گریه نکرد. فردا مصادف با سالگرد تولد او بود. طفلک در آستانه شانزده سالگی، زندگی‌اش زیر و رو شده بود. دستش را گرفتم و بوسیدم، سپس با صدایی که در اثر گریه گرفته بود، به امیرهوشنگ گفتم:

– «خواهش می‌کنم وسایل رفتن بابک را به خارج فراهم بکن. ماندنش در ایران دیگر مصلحت نیست...»

با ملاطفت گفت: – «آذر، سعی خودم را می‌کنم، حالا بلند شو و به روشنگ و رامین تلفن بزن، بهتر است که خبر را از خودت بشنوند.»

ناگهان به یاد آن دو فرزند دیگرم افتادم. بیچاره‌ها در غربت از غصه دق می‌کردند.

– «فردا به آنها تلفن می‌زنم، بگذار چند ساعت دیگرهم با امید زندگی بکنند!»

دوروبرم که خلوت شد، به حمام رفتم و خودم را زیر دوش آب سرد رها کردم. موقع لباس پوشیدن چشمم به آینه افتاد. به نظرم رسید که صورتم مسخ شده است.

شب در برنامه خبری تلویزیون تصویر شجاع را هنگام شنیدن رأی دادگاه نشان دادند. کاملاً از دست رفته به نظر می‌رسید. گوینده همان متن حکمی را که از رادیو شنیده بودم، با کمی تغییر تکرار کرد و توضیح داد که متهم از

اتهامات قتل و ناموسی مرا شناخته شده است. دادگاه انقلاب اسلامی با توجه به اینکه متهم جراح بسیار حادثی می‌باشد، با یک درجه تخفیف وی را به حبس ابد محکوم کرده است. متهم در عوض موظف است که مادام‌العمر به درمان رایگان مرض در زندان بپردازد.

بعد از خبر، سرود انقلابی پخش شد. مادرم مرا بغل کرد و با مهربانی تسلی داد.

– «آذر، تو جان شوهرت را از مرگ نجات بخشیدی، خوشحال باش!»

وقایع روز با تمام جزئیات جلوی چشمم شروع به رژه کردند. حالا در خانه ما چه می‌کردند؟ چه کسی امشب روی تختهای ما می‌خوابید؟ تا عمر داشتم، فراموش نمی‌کردم که چگونه مرا مثل یک تکه آشغال از خانه خودم بیرون انداختند! سپس یاد شجاع افتادم. او اولین شب محکومیتش را چگونه می‌گذراند؟ من در میان خویشتانم تنها نبودم. شجاع در زندان هیچکس را نداشت. با وجود این، از امروز حبس ابد برای هر دوی ما آغاز شده بود. ما در دوسوی یک زندان محبوس بودیم!

نیمه شب صداهای مبهمی به گوشم رسید. سایه‌هایی در حیاط در حرکت بودند. به سرعت بابک را صدا زدم.
– «بیدار شو. به خانه ما حمله کرده‌اند!»

فوراً از تخت پایین آمد و دو تایی به طرف اتاق مادرم دویدیم و تقریباً او را بغل کردیم و به سوی حمام فرار کردیم. هنوز پای‌مان به آن جا نرسیده بود، که پنجره سراسری اتاق خواب مادرم در اثر اصابت یک سنگ با صدای گوشخراشی شکست. ما با وحشت در حمام مخفی شدیم تا شب رهمان جا به صبح برسانیم. اندکی بعد نمایش وحشیانه کسانی که به قصد ارباب ما انجام گرفته بود، با شلیک چند گلوله هوایی خاتمه یافت. اوپاش پی کارشان رفتند و محله در سکوت فرو رفت.

دومین روز محکومیت ما با نومیدی مطلق آغاز شد. به دستور کمیته تلفن خانه مادرم را قطع کرده بودند تا نتوانیم با دنیای بیرون ارتباط برقرار بکنیم. خانه مادرم نیز تحت نظر پاسدارهای انقلاب بود. زن بیچاره از فشار روحی دچار نفس تنگی شدید شده بود.

امیرحسین با عجله از در عقب خانه وارد شد و خبر آورد که روشنگ پای تلفن است. فوراً به اتفاق او به خانه‌اش رفتم. نمی‌دانستم چگونه خبر محکومیت پدرشان را به فرزندانم بدهم. با حال خرابی گوشی را برداشتم، به محض آنکه صدای نازنین دخترم را شنیدم، اشکم روانه شد و بدون مقدمه خبر شوم را با او در میان گذاشتم.

– «روشنگ جان! متأسفانه خبر خوشی برایت ندارم. پدرت به حبس ابد محکوم شد و کلیه اموال ما را مصادره کردند!»
روشنگ به گریه افتاد

– «چه طور ممکن است؟ پدرم بی‌گناه بود!»

یک کلمه تسلی بخش برای او نمی‌یافتم. بالاخره گفتم:

– «دخترم، آرام باش. پدرت زنده است و جای شکر دارد.»

حالا بگذار با رامین صحبت بکنم.»

گریه کنان جواب داد:

– «در اتاق را روی خودش بسته و حاضر به صحبت نیست، مادر برای او نگرانم!»

گفتم:

تو بخصوص به خاطر او باید قوی باشی، خیلی مراقب خودتان باشید، بعید نیست که دشمن آن طرف دنیا هم مزاحمتان بشود. من چند روز دیگر تلفن می‌زنم تا با رامین صحبت بکنم. حالا خواهش می‌کنم گریه نکن.

وقتی که گوشی تلفن را سرچایش می‌گذاشتم، روشنگ هنوز گریه می‌کرد.
دنباله دارد

دیدار دونالد ترامپ و شی جین پینگ در پکن؛ ایران از محورهای اصلی گفتگوهای آمریکا و چین



دیدار رؤسای جمهوری آمریکا و چین در پکن / عکس: رویترز

هم خواهیم داشت.»
ترامپ افزود: «بنابراین من واقعاً بسیار مشتاق گفتگوی مان هستم، این یک گفتگوی بزرگ است. کسانی هستند که می‌گویند شاید این بزرگ‌ترین نشست تاریخ باشد، آن‌ها چیزی مانند این را هرگز به یاد نمی‌آورند. من می‌توانم بگویم که در ایالات متحده، مردم درباره چیز دیگری صحبت نمی‌کنند. اما بودن در کنار شما یک افتخار است، دوست شما بودن یک افتخار است، و رابطه میان چین و ایالات متحده آمریکا بهتر از همیشه خواهد شد.»

شی جین‌پینگ نیز در پاسخ گفت: «روابط باثبات چین و آمریکا به سود جهان است. همکاری به نفع هر دو طرف است و رویارویی به هر دو آسیب می‌زند. ما باید شریک باشیم، نه رقیب.»

رئیس‌جمهوری آمریکا در پی امضای توافق‌هایی با چین برای خرید بیشتر محصولات کشاورزی و هواپیما است و گفته موضوع تجارت «مهم‌ترین بخش» گفت‌وگوهایش با شی جین‌پینگ خواهد بود.

چین بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران به شمار می‌رود و ترامپ گفته است درباره ایران گفت‌وگوهای مفصلی با رهبر چین خواهد داشت. انتظار می‌رود او از پکن بخواهد تهران را برای دستیابی به توافق با واشنگتن تحت فشار بگذارد، هرچند تأکید کرده است که آمریکا برای حل مسئله ایران به کمک چین نیاز ندارد.

پیش از این سفر مارکو ربویو گفته بود، امیدواریم چین در واداشتن جمهوری اسلامی به اتمام بی‌ثبات‌سازی خلیج فارس نقش فعال‌تری ایفا کند. او به فاکس‌نیوز گفته بود، «به نفع چین است که این بحران حل شود. امیدواریم آن‌ها نقش فعال‌تری در وادار کردن [حکومت] ایران به عقب‌نشینی از اقداماتش در خلیج فارس ایفا کنند.»

ریاست‌جمهوری خود همراه با همسرش، ملانیا ترامپ، به پکن سفر کرده بود. ملانیا ترامپ در این سفر او را همراهی نمی‌کند.

در این سفر شماری از مدیران ارشد شرکت‌های بزرگ آمریکایی، از جمله، Tesla، Apple، Meta، NVIDIA، Boeing و JPMorgan Chase، ترامپ را همراهی می‌کنند.

رسانه‌های دولتی چین گزارش داده‌اند که شی جین‌پینگ در دیدار با ترامپ هشدار داده اختلاف‌نظر بر سر تایوان می‌تواند دو کشور را به سمت تنش و درگیری سوق دهد. در مقابل، ترامپ گفته است آمریکا و چین «آینده‌ای فوق‌العاده در کنار هم» خواهند داشت.

رئیس‌جمهور ایالات متحده در حالیکه در میان هیئت آمریکایی در تالار بزرگ نشست بود، گفت: «رئیس‌جمهور شی، می‌خواهم بسیار از شما تشکر کنم. پیش از هر چیز، آن مراسم، افتخاری بود که کمتر کسی تاکنون مانندش را دیده است. و من به‌ویژه تحت تأثیر آن کودکان قرار گرفتم. آن‌ها خوشحال بودند، زیبا بودند. ارتش مشخص است، نمی‌توانست بهتر از این باشد، اما آن کودکان شگفت‌انگیز بودند، و آن‌ها نماینده چیزهای بسیاری هستند. می‌دانم که آن‌ها برای شما نماینده چیزهای بسیار زیادی هستند.»

ترامپ افزود: «من و شما اکنون مدت طولانی است که یکدیگر را می‌شناسیم. در واقع، طولانی‌ترین رابطه میان دو رئیس‌جمهور کشورمان را داشته‌ایم. و این، برای من، یک افتخار است. ما رابطه‌ای فوق‌العاده داشته‌ایم، با هم کنار آمده‌ایم. وقتی دشواری‌هایی وجود داشت، آن‌ها را حل می‌کردیم. من با شما تماس می‌گرفتم و شما با من تماس می‌گرفتید، هر زمان که مشکلی داشتیم. مردم نمی‌دانند، هر وقت مشکلی داشتیم، خیلی سریع آن را حل می‌کردیم. و ما آینده‌ای فوق‌العاده را در کنار

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا و شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین، از پنجشنبه ۱۴ ماه مه (۲۴ اردیبهشت) مذاکرات سه‌روزه را در پکن آغاز کردند. به گفته مقام‌ها و رسانه‌های آمریکایی، اختلافات تجاری، مسئله تایوان و جنگ ایران و انسداد تنگه هرمز از محورهای اصلی گفتگوهای طرفین خواهد بود.

● در این سفر شماری از مدیران ارشد شرکت‌های بزرگ آمریکایی، از جمله، Tesla، Apple، Meta، NVIDIA، Boeing و JPMorgan Chase، ترامپ را همراهی می‌کنند.

● شی جین‌پینگ در دیدار با دونالد ترامپ به او هشدار داد که اختلاف نظر در مورد تایوان ممکن است دو کشور را به سوی تنش و مناقشه سوق دهد.

● دونالد ترامپ در دیدار با شی جین‌پینگ گفت دو کشور «آینده‌ای فوق‌العاده در کنار هم» خواهند داشت. او به شی گفت: «برای من افتخار است که در کنار شما هستم. افتخار می‌کنم که دوست شما هستم و روابط چین و آمریکا بهتر از هر زمان دیگری خواهد شد.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا و شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین، از پنجشنبه ۱۴ ماه مه (۲۴ اردیبهشت) مذاکرات سه‌روزه را در پکن آغاز کردند. به گفته مقام‌ها و رسانه‌های آمریکایی، اختلافات تجاری، مسئله تایوان و جنگ ایران و انسداد تنگه هرمز از محورهای اصلی گفتگوهای طرفین خواهد بود.

رئیس‌جمهوری چین در تالار بزرگ خلق و بر روی فرش قرمز از ترامپ استقبال کرد. دو رهبر پس از دست دادن با یکدیگر، در مراسم استقبال رسمی شرکت کردند.

این نخستین سفر یک رئیس‌جمهوری آمریکا به چین از سال ۲۰۱۷ است؛ زمانی که ترامپ در دوره نخست

اختلاف درون نظام بر سر ادامه انسداد «تنگه هرمز» و مذاکره با آمریکا؛ ترامپ منتظر پاسخ جمهوری اسلامی

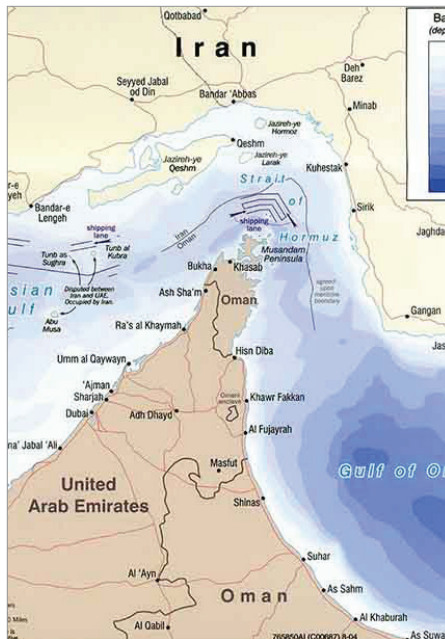
و بستن آن به این معنی است که با دست خودمان تجارت خود را در آن منطقه می‌بندیم و خسارت بزرگی به کشور وارد می‌کنیم.»

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا روز جمعه ۱۸ اردیبهشت گفته بود واشنگتن انتظار دارد ظرف چند ساعت پاسخ تهران را دریافت کند. منظور او پاسخ جمهوری اسلامی به پیشنهاد ۱۴ ماده‌ای ترامپ است.

با این حال تا کنون نشانه‌ای از واکنش رسمی ایران به این پیشنهاد مشاهده نشده است؛ پیشنهادی که بر اساس آن ابتدا جنگ به‌طور رسمی پایان می‌یابد و سپس مذاکرات درباره مسائل اختلافی‌تر، از جمله برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، آغاز خواهد شد.

کاملاً آشکار اختلاف درون حکومت بر سر مذاکره با آمریکا زیاد است؛ محمود نویان نماینده مجلس شورای اسلامی و از حامیان محمدباقر قالیباف که در مذاکرات اسلام‌آباد نیز حضور داشت تهدید کرده است «اسامی ترسوهایی که دنبال تسلیم و کمک به نجات آمریکا هستند را افشا می‌کنم.» او بدون اینکه به نام کسی اشاره کند خواستار کنار گذاشتن «اعضای مذاکرات برجام» از گفتگوهای فعلی با آمریکا شده است. اشاره او به عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و معاونش مجید تخت‌روانچی است که هر دو در مذاکرات برجام حضور داشتند.

خبرآنلاین نزدیک به تیم علی لاریجانی در واکنش به این درخواست‌ها نوشت، نویان اظهاراتی دارد که نهایت آن ایجاد شکاف در تیم مذاکره‌کننده و القای بی‌اعتمادی بین اعضای آن است.



نقشه خطوط کشتی‌رانی تنگه هرمز

او ادامه داد: «کشورهای حاشیه برای تجارت و صادرات نفت خود مسیرهای دیگری را انتخاب می‌کنند.»
 نایب‌رییس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی گفت: «تنگه هرمز فقط برای ما می‌تواند ارزش داشته باشد

● مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا روز جمعه ۱۸ اردیبهشت گفته بود واشنگتن انتظار دارد ظرف چند ساعت پاسخ تهران را دریافت کند. منظور او پاسخ جمهوری اسلامی به پیشنهاد ۱۴ ماده‌ای ترامپ است.

● برسر ادامه انسداد تنگه هرمز در میان باندهای مختلف حکومت اختلاف افتاده است. روزنامه «کیهان» چاپ تهران پرسیده چرا بعد از شکست اقدامات ارتش آمریکا، نیروی دریایی سپاه اعلام کرد کشتی‌ها می‌توانند عبور کنند و حتی سوخت مورد نیازشان تأمین می‌شود؟ به نوشته این روزنامه «وقتی هنوز خط محاصره تجارت دریایی ایران شکسته نشده، چنین موضعی می‌تواند از سوی دشمن به‌عنوان امتیاز یک‌طرفه تلقی شود و خسارت بار است.»

● در مقابل داود رنگی نایب‌رییس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی گفت که ما چاره‌ای نداریم جز اینکه تنگه هرمز را به نحوی باز کرده و تجارت را روان کنیم. او افزود: «اگر ارزش این تنگه برای ما اکنون ۱۰۰ باشد، تا دو ماه دیگر به ۸۰ و تا یک سال دیگر به ۲۰ یا ۳۰ می‌رسد.»
 ● کاملاً آشکار اختلاف درون حکومت بر سر مذاکره با آمریکا زیاد است؛ محمود نویان نماینده مجلس شورای اسلامی و از حامیان محمدباقر قالیباف که در مذاکرات اسلام‌آباد نیز حضور داشت تهدید کرده است «اسامی ترسوهایی که دنبال تسلیم و کمک به نجات آمریکا هستند را افشا می‌کنم.»

در تنگه هرمز و دریای عمان درگیری‌های پراکنده میان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و آمریکا ادامه دارد. کشتی‌های تجاری هدف قرار می‌گیرند و مین‌های سپاه پاسداران در نقاط مختلف آبراهه، امنیت کشتیرانی را به شدت به خطر انداخته است. در چنین شرایطی مقامات آمریکا منتظرند تا جمهوری اسلامی اعلام کند که آیا آماده مذاکره هست یا خیر.

پس از کاهش نسبی درگیری‌های پراکنده در آب‌های جنوبی ایران، زیر فشارهای آمریکا، چند کشتی که توسط نیروی دریایی آمریکا اسکورت می‌شدند از تنگه عبور کردند. برسر ادامه انسداد تنگه هرمز در میان باندهای مختلف حکومت اختلاف افتاده است. روزنامه «کیهان» چاپ تهران پرسیده چرا بعد از شکست اقدامات ارتش آمریکا، نیروی دریایی سپاه اعلام کرد کشتی‌ها می‌توانند عبور کنند و حتی سوخت مورد نیازشان تأمین می‌شود؟ به نوشته این روزنامه «وقتی هنوز خط محاصره تجارت دریایی ایران شکسته نشده، چنین موضعی می‌تواند از سوی دشمن به‌عنوان امتیاز یک‌طرفه تلقی شود و خسارت بار است.»

در مقابل داود رنگی نایب‌رییس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی گفت که ما چاره‌ای نداریم جز اینکه تنگه هرمز را به نحوی باز کرده و تجارت را روان کنیم. او افزود: «اگر ارزش این تنگه برای ما اکنون ۱۰۰ باشد، تا دو ماه دیگر به ۸۰ و تا یک سال دیگر به ۲۰ یا ۳۰ می‌رسد.»



پروپاگاندای حکومت برای ادامه انسداد تنگه هرمز

فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی در حال جنگ با واقعیت‌اند



مباران تأسیسات نیروی دریایی ارتش در «بندر انزلی» در جنگ ۴۰ روزه

می‌کند. چرا؟ چون جمهوری اسلامی بیش از آنکه به دنبال بازدارندگی واقعی باشد، نیازمند تولید تصویر اقتدار برای مصرف داخلی است.

حکومتی که در اقتصاد، سیاست داخلی، مشروعیت اجتماعی و حتی انسجام مدیریتی دچار فرسایش شده، تلاش می‌کند خلأ اقتدار را در قاب موشک، زیردریایی و رزمایش بازسازی کند. در چنین شرایطی، فرماندهان نظامی نیز بیش از آنکه وظیفه تحلیل واقع‌بینانه تهدیدات را داشته باشند، به بازیگران پروژه تبلیغاتی حکومت تبدیل می‌شوند.

خطرناک‌ترین بخش ماجرا اما این نیست که جمهوری اسلامی برای افکار عمومی نمایش قدرت تولید می‌کند؛ خطر واقعی زمانی آغاز می‌شود که بخشی از ساختار تصمیم‌گیری، خود نیز این تبلیغات را باور کند.

تاریخ نظامی مملو از حکومت‌هایی است که قربانی توهم قدرت خود شدند. صدام حسین نیز زمانی ارتش عراق را «چهارمین ارتش جهان» می‌نامید. ژنرال‌های آرژانتین نیز تصور می‌کردند می‌توانند بر بریتانیا را در فالکلند تحقیر کنند. آنچه این حکومت‌ها را شکست داد، فقط قدرت دشمن نبود؛ بلکه فاصله گرفتن از واقعیت و اسیر شدن در اتاق پژواک تبلیغات خودشان بود. امروز نیز بخشی از ساختار نظامی جمهوری اسلامی گرفتار همین بیماری شده است؛ بیماری خطرناک پروپاگاندای خودخور.

واقعیت این است که جنگ دریایی مدرن دیگر با شعار، تهدید تلویزیونی و ادبیات حماسی اداره نمی‌شود. دریا محیط فناوری است؛ محیط اطلاعات، لجستیک، برتری صنعتی و فرماندهی پیچیده شبکه‌محور. در چنین محیطی، ناوگان فرسوده، پروژه‌های نیمه‌تمام و رزمایش‌های نمایشی نمی‌توانند جایگزین قدرت واقعی شوند.

دریا جای شعار نیست. دریا جایی است که یک خطای محاسباتی می‌تواند ظرف چند ساعت ناوگان یک کشور را به گورستان آهن تبدیل کند.

و شاید تلخ‌ترین واقعیت برای جمهوری اسلامی همین باشد؛ اینکه فاصله میان تصویری که از خود ساخته با واقعیت میدان نبرد، هر روز بیشتر می‌شود.

سه زیردریایی کلاس کیلیوی ایران که زمانی مهم‌ترین دارایی زیرسطحی جمهوری اسلامی محسوب می‌شدند، امروز بیش از هر چیز نماد فرسودگی، دشواری تعمیرات، کمبود قطعات و وابستگی مزمن به زیرساخت روسی هستند. روسیه‌ای که خود درگیر جنگ فرسایشی اوکراین شده و بخش قابل توجهی از ظرفیت صنعتی و نظامی‌اش را از دست داده است.

با این حال، فرماندهان جمهوری اسلامی همچنان همان ادبیات دهه شصت و هفتاد خورشیدی را تکرار می‌کنند؛ ادبیاتی که قرار بود ایران را به «قدرت بلامنازع منطقه» تبدیل کند اما در عمل، ناوگان دریایی کشور را به مجموعه‌ای از پروژه‌های نیمه‌تمام، رزمایش‌های نمایشی و تبلیغات حکومتی تقلیل داد.

هیچ تحلیلگر حرفه‌ای نظامی منکر آن نیست که جمهوری اسلامی در خلیج فارس می‌تواند بحران ایجاد کند. مین‌ریزی، عملیات ایدایی، حملات محدود قایق‌های تندرو، تهدید خطوط کشتیرانی یا استفاده از زیردریایی‌های کوچک در آب‌های کم‌عمق، همگی بخشی از دکترین جنگ نامتقارن ایران هستند. اما تبدیل این ظرفیت محدود و موضعی به ادعای «مقابله راهبردی با آمریکا» چیزی جز فریب افکار عمومی نیست.

تفاوت میان «توان مزاممتی» و «برتری دریایی» را ظاهراً کسی در ساختار تبلیغاتی جمهوری اسلامی توضیح نمی‌دهد. ایالات متحده صرفاً چند ناو در خلیج فارس مستقر نکرده است. آمریکا یک معماری کامل جنگ دریایی در اختیار دارد؛ شبکه‌ای متشکل از زیردریایی‌های هسته‌ای، ناوشکن‌های مجهز به سامانه AEGIS، هواپیماهای ضدزیردریایی P-8 Poseidon، سامانه‌های شنود و SIGINT، ماهواره‌های شناسایی، پهپادهای دریایی و مراکز فرماندهی شبکه‌محور که میدان نبرد را به صورت لحظه‌ای پیش می‌کنند.

در برابر چنین ساختاری، جمهوری اسلامی نهایتاً قادر به ایجاد اختلال موقت، بحران روانی یا افزایش هزینه‌های منطقه‌ای خواهد بود؛ نه شکست دادن آمریکا.

اما مشکل دقیقاً همین‌جاست؛ دستگاه تبلیغاتی حکومت، همین «اختلال محدود» را به «توان نابودی دشمن» تبدیل

● شهرام ایرانی گفته بود «کف‌نشینی [زیردریایی‌های ارتش] در بستر دریا در اعماق آب‌های مسیر اقتدار در آبراهه تنگه هرمز برای زمان طولانی و رهگیری و انهدام انواع شناورهای متخاصم از توانمندی‌های زیردریایی‌های سبک نیروی دریایی ارتش است.»

● شهرام سبزواری کارشناس نظامی، درباره این ادعا می‌نویسد در حالیکه توازن واقعی قدرت در دریا با معیارهایی چون فناوری، لجستیک، برتری اطلاعاتی، توان صنعتی، پوشش ماهواره‌ای، فرماندهی شبکه‌محور و ظرفیت عملیات پایدار تعریف می‌شود، فرماندهان جمهوری اسلامی همچنان تلاش می‌کنند با چند رزمایش تلویزیونی، چند کلیپ تبلیغاتی و انبوهی شعارهای هیجانی، تصویری خیالی از یک «ابرقدرت دریایی» بسازند؛ تصویری که نه با واقعیت فنی ناوگان ایران همخوانی دارد و نه با ارزیابی مراکز حرفه‌ای نظامی جهان.

● با این حال، فرماندهان جمهوری اسلامی همچنان همان ادبیات دهه شصت و هفتاد خورشیدی را تکرار می‌کنند؛ ادبیاتی که قرار بود ایران را به «قدرت بلامنازع منطقه» تبدیل کند اما در عمل، ناوگان دریایی کشور را به مجموعه‌ای از پروژه‌های نیمه‌تمام، رزمایش‌های نمایشی و تبلیغات حکومتی تقلیل داد.

● اما مشکل دقیقاً همین‌جاست؛ دستگاه تبلیغاتی حکومت، همین «اختلال محدود» را به «توان نابودی دشمن» تبدیل می‌کند. چرا؟ چون جمهوری اسلامی بیش از آنکه به دنبال بازدارندگی واقعی باشد، نیازمند تولید تصویر اقتدار برای مصرف داخلی است.

شهرام سبزواری- اظهارات اخیر شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی درباره توان زیرسطحی ایران و تهدید مستقیم ایالات متحده، بار دیگر نشان داد که اغلب از فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی نه در فضای واقعی جنگ مدرن، بلکه در جهان تبلیغات ایدئولوژیک و عملیات روانی داخلی زندگی می‌کنند.

شهرام ایرانی گفته بود «کف‌نشینی [زیردریایی‌های ارتش] در بستر دریا در اعماق آب‌های مسیر اقتدار در آبراهه تنگه هرمز برای زمان طولانی و رهگیری و انهدام انواع شناورهای متخاصم از توانمندی‌های زیردریایی‌های سبک نیروی دریایی ارتش است.»

در حالیکه توازن واقعی قدرت در دریا با معیارهایی چون فناوری، لجستیک، برتری اطلاعاتی، توان صنعتی، پوشش ماهواره‌ای، فرماندهی شبکه‌محور و ظرفیت عملیات پایدار تعریف می‌شود، فرماندهان جمهوری اسلامی همچنان تلاش می‌کنند با چند رزمایش تلویزیونی، چند کلیپ تبلیغاتی و انبوهی شعارهای هیجانی، تصویری خیالی از یک «ابرقدرت دریایی» بسازند؛ تصویری که نه با واقعیت فنی ناوگان ایران همخوانی دارد و نه با ارزیابی مراکز حرفه‌ای نظامی جهان. مسئله صرفاً چند جمله اغراق‌آمیز یا ادبیات تبلیغاتی نیست. مسئله اصلی، توهم خطرناک‌تری است که سال‌هاست بخشی از ساختار نظامی جمهوری اسلامی را درگیر کرده؛ جایگزین شدن تحلیل نظامی با پروپاگاندای سیاسی.

شهرام ایرانی در حالی از تهدید آمریکا سخن می‌گوید که بخش عمده ناوگان زیرسطحی جمهوری اسلامی همچنان بر پایه فناوری‌های متعلق به دهه‌های گذشته استوار است.



دوران نبرد با تاریکی؛ پیمان نوین با پهلوی

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا
۱۴۰۴)

تیرماه ۱۳۹۴ سرانجام پس از سالها کشمکش میان جمهوری اسلامی و قدرت‌های جهانی بر سر برنامه تسلیحات اتمی جمهوری اسلامی، دو طرف در وین اتریش به توافق رسیدند تا برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به «برجام» را به اجرا بگذارند.

مطابق این توافق رژیم در مقابل آزاد شدن برخی منابع مالی ایران در دنیا، متعهد شد تا ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را پاکسازی کند و تعداد سانتریفیوژها و میزان غنی‌سازی را نیز به سطح متعارف برای مصارف صلح‌آمیز کاهش دهد.



درخواست از دولت بریتانیا برای تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



جلب توجه افکار عمومی و رسانه‌ها در بریتانیا به میزان اعدامی‌های هر روزه در ایران



۱. تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
 ۲. فشار حداکثری اقتصادی بر رژیم.
 ۳. فراهم کردن دسترسی به اینترنت برای ایرانیان داخل کشور.
 ۴. اخراج دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از بریتانیا.
 ۵. فشار بر رژیم برای آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی.
 ۶. اعلام آمادگی دولت بریتانیا برای به رسمیت شناختن آلترناتیو برگزیده، شاهزاده رضا پهلوی و دولت گذار.
- شماری از ایرانیان ساکن بریتانیا روز یکشنبه سوم مه ۲۰۲۶، برابر با سیزدهم اردیبهشت ۱۴۰۵، در شانزدهمین هفته متوالی از مقابل سفارت جمهوری اسلامی به سمت دفتر نخست وزیری بریتانیا تظاهرات کردند. شرکت‌کنندگان در این تظاهرات شش درخواست مشخص را

زوال ایده‌ی امپریالیسم شیعی



چندملیتی، از طریق سرمایه‌گذاری‌ها بویژه در فعالیت‌های کانی و یا پیمان‌های نظامی دوجانبه.

در برابر قدرت‌های امپریالیستی کلاسیک مانند بریتانیا، فرانسه و روسیه، اگرچه دولت ایالات متحده به‌عنوان توانمندترین ابرقدرت جهان، در اذهان به‌عنوان کشوری امپریالیستی جلوه می‌کند ولی در چارچوب تعریف کلاسیک «امپریالیسم» قدرتی امپریالیستی تلقی نمی‌شود، با این حال هنگامی که در سیاست‌های این کشور دقتی می‌شویم نتیجه متفاوتی به‌دست می‌آید؛ به‌عنوان نمونه می‌بینیم که آمریکا حدود ۶۰۰ پایگاه نظامی قدرتمند در چهار گوشه گیتی دارد. بودجه نظامی آن هرسال با رقمی حدود هزار میلیارد دلار بزرگترین بودجه نظامی در جهان است. در کنار بودجه نظامی، بودجه‌های وزارت خارجه و کمک‌های خارجی این کشور نیز نقش بسیار مهمی در پیشبرد سیاست‌های ایالات متحده، در چارچوب حفظ منافع ملی این کشور ایفا می‌کنند. به‌رغم چنین تصویری، آمریکا یک کشور امپریالیستی تعریف نمی‌شود. توضیح اینکه در دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، از میزان کمک‌های خارجی آمریکا به‌میزان زیادی کاسته شده است.

امروزه دو مظهر بارز از امپریالیسم دیده می‌شود که نوع چینی، یکی از آنهاست.

بسیاری از مردم از طریق خبرگزاری‌ها، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، از سرمایه‌گذاری‌های دولت کمونیست چین و شرکتهای دولتی آن در کشورهای فقیر آسیائی، آفریقائی و آمریکای جنوبی خبرهای زیادی شنیده‌اند که در مواردی مانند کشور فقیر سریلانکا در اقیانوس هند، لائوس در آسیای جنوب خاوری و در چند کشور کوچک آمریکای لاتین، این سرمایه‌گذاری‌ها به وابستگی بیشتر و عمیق‌تر آنها به چینی‌ها منجر شده است.

اعمال سلطه از این طریق تنها به کشورهای فقیر محدود نبوده و این سیاست «امپریالیستی» چین حتی در ایتالیا هم آزمایش شده؛ اگرچه موقع و شرایط کشور زادگاه رنسانس اروپا با ملت‌های فقیر و دولت‌های ناکارآمد در سایر نقاط، بسیار متفاوت است، ولی در همان حال، چین حتی از طریق

یکصدسال پیش، رفتار پست با ملت‌های تحت تسلط، به‌گونه‌ی زشت و به‌عنوان تاکتیکی برای ارباب و کوفتن اراده‌ی مرعوبان بکار می‌رفت. معروفترین گونه‌های تاریخی به امپریالیست‌های یونان باستان و دولت - شهرهای یونان قدیم و در رأس آنها دو دولت - شهر آتن و اسپارتا باز می‌گردد که دولت - شهرهای کوچک در جزایر پیرامون را با تهدید و ارباب و بکار بردن زور به زیر سلطه خود می‌کشیدند. پروفیسور «ویکتور دیویس هنسن» از آکادمیسن‌های معروف آمریکا که در میان جامعه‌ی روشنفکری ایالات متحده، از جمله فرهیختگان برجسته بشمار می‌آید، در بررسی امپراتوری‌ها به شیوه‌های بسیار آشنای تاریخی و مرسوم در ادوار گذشته اشاره می‌کند و می‌گوید:

«امپریالیسم «آتن» متکی بر ایده‌آلیسم ۱۸۰ شهر - کشور پیرامون آن بود که امتیاز به‌اصطلاح «دمکراسی آتی» به آنها اعطا شده بود. این ۱۸۰ شهر - کشور به تسلط درآمده، ملزم بودند که شیوه دمکراسی را پیشه کنند. چه چیزی بهتر از این! ولی در ۴۱۵ پیش از میلاد، آتی‌ها به جزیره «ملوس» حمله بردند واز مردمان جزیره خواستند تا حکمرانی «دمکراسی» آتن را بپذیرند و در طی سال مالیات بپردازند!» به‌هرروی، اندک کسانی از سرگذشت «امپریالیسم» و سیر دگردیسی آن در هزاره‌ها آگاهند. موارد تاریخی شنیدنی و خواندنی از دوران باستان وجود دارد که در این مقاله به بخش کوتاهی از آنها اشاره شد. نمونه دیگر را تاریخدان انگلیسی «آرنولد توین بی» در کتاب دوجلدی خود با نام «میراث هانیبال» و با عنوان فساد و سقوط امپراتوری‌ها و از چگونگی انقراض امپراتوری توافند «رُم» شرح می‌دهد. در گذشته‌های نزدیک‌تر، کم و بیش، اشخاص اهل مطالعه با موارد آمریکا و هند و پاکستان و بسیاری سرزمین‌های دیگر مانند استرالیا و نیوزلند آشنا هستند که هریک به‌نوعی برای گریز از تسلط «امپریالیست»‌های بریتانیا به شیوه‌های متفاوت مبارزه روی آوردند و از تسلط امپراتور انگلوساکسون‌ها رهایی یافتند.

در دوره‌ی اخیر، اعمال «امپریالیسم» تغییر شکل یافته و از راه‌های متنوعی انجام می‌شود؛ از طریق شرکت‌های

تبلیغات مسموم همواره ابزاری برای گمراه کردن افکار عمومی بکار رفته است؛ قرن‌ها رواج داشته و بیشتر وسیله‌ی مرعوب کردن و سلطه بر عوام بوده است. مهمتر اینکه در هزاره‌ی سوم و در عصر دگرگونی‌های علمی و ارتباطی، این تبلیغات با شکل و قواره‌ای تازه تداوم یافته و ظاهری فریبانه گرفته است.

● در تمام درازای تاریخ، فرمانروایان کشورگشا هم نیت گسترش امپراتوری خود به سرزمین‌های دیگر رفته و با تمهیدهای گوناگون و اعمال زور، آنها را به زیر قیمومیت خود در آورده‌اند. از دوران باستان تا همین یکصدسال پیش، رفتار پست با ملت‌های تحت تسلط، به‌گونه‌ی زشت و به‌عنوان تاکتیکی برای ارباب و کوفتن اراده‌ی مرعوبان بکار می‌رفت.

● در دوره‌ی اخیر، اعمال «امپریالیسم» تغییر شکل یافته و از راه‌های متنوعی انجام می‌شود؛ از طریق شرکت‌های چندملیتی، از طریق سرمایه‌گذاری‌ها بویژه در فعالیت‌های کانی و یا پیمان‌های نظامی دوجانبه.

● امروزه دو مظهر بارز از امپریالیسم دیده می‌شود که نوع چینی، یکی از آنهاست.

● هنری کیسینجر، سیاستمدار آمریکائی، معتقد بود که یک ایران مدرن، قوی و صلح‌جو می‌تواند به ستون ثبات و پیشرفت در منطقه تبدیل شود. چنین اتفاقی روی نمی‌دهد مگر اینکه در ایران رهبرانی روی کار آیند که نه نماینده‌ی یک آرمان مذهبی بلکه بازتاب‌دهنده آرزوهای یک ملت باشند. ● در چنین شرایطی ورود جمهوری اسلامی به جنگ با آمریکا و اسرائیل در میان برخی از دولت‌مداران، قانونگذاران و تحلیلگران اروپایی به‌قدرت دولت مذهبی در ایران تعبیر شده است. برخی دیگر با تکیه بر واقعیت‌های عینی و علمی معتقدند که «امپراتوری شیعه» بیشتر یک بر کاغذی است تا قدرتی که شایسته‌ی چنین عنوانی باشد.

نادر صدیقی - تبلیغات مسموم همواره ابزاری برای گمراه کردن افکار عمومی بکار رفته است؛ قرن‌ها رواج داشته و بیشتر وسیله‌ی مرعوب کردن و سلطه بر عوام بوده است. مهمتر اینکه در هزاره‌ی سوم و در عصر دگرگونی‌های علمی و ارتباطی، این تبلیغات با شکل و قواره‌ای تازه تداوم یافته و ظاهری فریبانه گرفته است؛ سران دولت‌ها به آن متوسل می‌شوند و از این شیوه برای بهره‌برداری‌های سیاسی، استفاده می‌کنند. جمله معروف صدراعظم آلمان مبنی براینکه «[سران جمهوری اسلامی] ایران، آمریکا را تحقیر کرده‌اند.» و تحلیل‌های عجیب برخی از مطبوعات چپگرا در دوسوی آتلانتیک، در ارایه تصویری غیرواقعی از قدرتی که به اضمحلال رفته، نمونه‌های تازه ولی آشنایی بشمار می‌روند. حتی برخی همچنان از امپراتوری شکست‌ناپذیر شیعه، سخن می‌گویند!

imperium واژه «امپریالیسم» برگرفته از واژه لاتین «امپراتوری» است و اشاره به ملتی (یا دولتی) دارد که ملت‌های دیگر را تحت سلطه خود درمی‌آورد و ملت مغلوب تحت قوانین و سیاست‌های ملت غالب زندگی می‌کند. در تمام درازای تاریخ، فرمانروایان کشورگشا هم با نیت گسترش امپراتوری خود به سرزمین‌های دیگر رفته و با تمهیدهای گوناگون و اعمال زور، آنها را به زیر قیمومیت خود در آورده‌اند. در گذشته‌های دور و نزدیک، از دوران باستان تا همین

دوران نبرد با تاریکی؛ رژیم در مسیر سقوط

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

که حالا نیروی پرتوان نسل جدید نیز به آن پیوسته بود، با حمایت‌های همیشگی خارج کشور گره‌ای محکم می‌زد. از طرفی تمام اینها در شرایطی بود که بیشتر به ابتکار شاهزاده رضا پهلوی پروژه ققنوس ایران نیز فعال بود تا نگرانی‌ها از چگونگی اداره کشور در فردای براندازی رفع شود و همزمان برای انجام پروژه‌های تازه نیز که بعدا اعلام شدند، تأمل و برنامه‌ریزی می‌شد.

انتشار پیام تاریخی «پیمان نوین» در شرایطی که کشور هنوز از پیامدهای اعتراضات ملی ۹۶ و ۹۸ خارج نشده بود و نارضایتی مردم بیش از هر زمان دیگری به مرز انفجار رسیده بود، تلاشی مهم از سوی شاهزاده رضا پهلوی به عنوان رهبر اپوزیسیون ملی‌گرا و میهن‌دوست و گامی اساسی در جهت یک اتحاد عمل فراگیر و منسجم با اصول و اهدافی روشن بود. نقطه عطفی که اعتراضات داخل را

برون رفت از چرخه عقب‌ماندگی ندارد. درآمدهای دولت و شرکت‌های دولتی، بجز مالیات که بر گرده مردم تحمیل شده، از صدور نفت خام و فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی و سایر کالاهای صادراتی با ارزش افزوده‌ای کمتر از یک سوم ارزش افزوده‌ی واردات تحصیل می‌گردد که جملگی صرف هزینه‌های جاری و پرداخت هزینه‌های سنگین داخلی و خارجی و از آن جمله تأمین مخارج انواع شبه نظامیان در کشورهای عربی منطقه می‌شود.

امروزه دولت جمهوری اسلامی، درگیر یک ابر-بحران چند بعدی است که حتی از پرداخت هزینه‌های جاری از جمله حقوق کارکنان دولتی ناتوان می‌ماند.

در چنین شرایطی ورود جمهوری اسلامی به جنگ با آمریکا و اسرائیل در میان برخی از دولتمردان، قانونگذاران و تحلیلگران اروپایی به قدرت دولت مذهبی در ایران تعبیر شده است. برخی دیگر با تکیه بر واقعیت‌های عینی و علمی معتقدند که «امپراتوری شیعه» بیشتر یک بیر کاغذی است تا قدرتی که شایسته‌ی چنین عنوانی باشد.

آخرین امپراتوری اسلامی از آن عثمانی‌ها بود که بیش از یکصدسال پیش به‌دنبال جنگ جهانی اول مضمحل شد.

اکنون در سومین دهه‌ی قرن بیست و یکم، به‌رغم تبلیغات مسموم رسانه‌های چپ‌گرا، ناستواری سیاسی و ناپایداری اوضاع در ایران، هیچ زمینه‌ی مناسبی حتا برای شکل‌گیری یک «مبنی» امپراتوری شیعی ارایه نمی‌دهد.

اگر «امپریالیسم» را که غالباً با ابزارهای اقتصادی و سیاسی - نظامی اعمال می‌شود، تعریف کنیم، امپریالیسم شیعی / هلال شیعی، در چنین تعریفی نمی‌گنجد.

اخیر در خاورمیانه عربی تشابهات شگفت‌آوری دارد: *The Next Steps With Iran | Henry A. Kissinger* (henrykissinger.com)

در آن هنگام نیز یکبار خونینی بین اسرائیل و شبه‌نظامیان حماس و حزب الله لبنان در جریان بود. کیسینجر نوشت: توجه جهانیان به غزه و لبنان معطوف است ولی در نهایت، سرنخ‌ها به ایران می‌رسد!

او معتقد بود که یک ایران مدرن، قوی و صلحجو می‌تواند به ستون ثبات و پیشرفت در منطقه تبدیل شود. چنین اتفاقی روی نمی‌دهد مگر اینکه در ایران رهبرانی روی کار آیند که نه نمایندگی یک آرمان مذهبی بلکه بازتاب‌دهنده آرزوهای یک ملت باشند... به‌هرحال، معمولاً برگ‌های آخر کتاب هم خوانده می‌شود. تحولات کنونی خاور نزدیک می‌تواند به نقطه‌ی عطفی تبدیل شود و جمهوری اسلامی سرانجام قانون پیامدهای ناخواسته را خواهد پذیرفت و به پایان خود تن خواهد داد.»

هزینه‌های امپراتوری شیعه

به گفته‌ی دکتر حسن منصور اقتصاددان ایرانی، ایران با رژیم انقلابی و اسلامی، طی نزدیک به پنج دهه، از یک کشور درحال پیشرفت با نرخ رشد میانگین فزونتر از ۱۱ درصدی در دوازده سال، به مملکتی با رشد زیر دودرصد تبدیل شده که به تورم شتابنده بالای هفتاد درصدی مبتلاست و با انبوه بیکاران بویژه در میان جوانان و تحصیل‌کردگان دست‌بگریبان است؛ در حالی‌که بدهی کلان دولت قابل باز پرداخت نیست و دولت بدهکار برنامه‌ی روشنی برای

بندر «آنتورپ» یعنی یکی از بزرگترین و مهمترین بندرگاه‌های اروپا در بلژیک حضور دارد. البته چین اکنون صاحب پانزده (۱۵) بندرگاه عمده جهانی است که با اجاره بلندمدت، آنها را بازسازی و نوسازی و مدرنیزه کرده است. کمونیست‌های چین آموخته‌اند که آینده‌نگر باشند؛ از این‌رو سرمایه‌گذاری آنها تصادفی نبوده است.

به‌عنوان نمونه دیگر، از کانال پاناما باید یاد کرد که ۲۴ سال پس از واگذاری اداره‌ی آن از سوی آمریکا (۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ در چارچوب توافق جیمی کارتر - توریخوس) به دولت فاسد پاناما، تا همین چند وقت پیش در کنترل چین بود که با اعمال فشار دولت دونالد ترامپ از آنجا رانده شد. چینی‌ها از طریق گذرگاه «طنجه» مراکش و «پورت سعید» مصر نیز، ورود و خروج ناوهای بازرگانی به مدیترانه را رصد می‌کنند. دو بندرگاه بزرگ و مهم اروپا «آنتورپ» بلژیک و «روتتردام» هلند نیز در اختیار چینی‌هاست!

امپراتوری ایران

ایران تنها کشوری است که در تقاطع آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و صحرای عربستان به‌گونه‌ی تاریخی و به‌عنوان یک کشور-ملت، نخستین امپراتوری بزرگ جهان را بوجود آورد. امپراتوری ایران که بیشتر «امپراتوری پارس» شناخته شده، هرگز به شکل سنتی و کلاسیک سایر امپراتوری‌ها عمل نکرد و اگرچه با لشکرکشی‌های متعدد به لیدیه، سارد، هرات، خوارزم و... مهمتر از همه «بابل» توأم شد ولی در روند حکومتداری، شیوه‌ای بکلی متفاوت در پیش گرفت. در آغاز همچنین این پادشاهی‌های کوچک (ساتراپ‌ها) بودند که به دلایل گوناگون و برخی داوطلبانه، به این مرکز قدرت می‌پیوستند تا از امنیت و آسایش نظام شاهنشاهی ایران بهره‌مند شوند. وجه تمایز عمده این امپراتوری با سایر امپراتوری‌ها نیز روش «عدالت محور» آن بود. بخشندگی، احترام به باورهای دینی و سنت‌های محلی و مهمتر و والاتر از هر عنصر دیگر، به‌رسمیت شناختن آزادی اتباع سرزمین‌های تابعه و رهانیدن دربندشدگان و اسیران، از وجوه بارز امپراتوری ایرانیان باستان بود.

پایان امپراتوری ایران باستان که با جنگ‌های بی‌امان با امپراتوری رقیب رومی سرانجام یافت، ظهور امپراتوری دیگری را شاهد بود که برخلاف سلف خود، ماهیت دینی «اسلام» داشت و خوی وحشی‌گری و خودکامگی.

در تمام ۱۴ سده‌ی بعدی، ایران خاستگاه امپراتوری‌های دیگری بود که بیشترشان با هجوم سایر قدرت‌های رقیب در جغرافیای پیرامون خود مضمحل شدند.

امپراتوری شیعه - هلال شیعه

امروزه در ایران، پس‌مانده‌ی حکومتی که خود را نمایندگی خدا بر روی زمین می‌خواند برآن بوده تا با اهرم مذهب، باقیمانده آنچه را که «امپراتوری شیعه/هلال شیعه» در خاورمیانه نامیده شده، حفظ کند. یک تفاوت عمده این امپراتوری صرفاً سیاسی - عقیدتی با تعریف کلاسیک آن در این است که جمهوری اسلامی به‌جای بهره‌برداری‌های اقتصادی و مالی (مانند آنچه آقاخان رهبر اسماعیلیه بنیان گذاشته) تمام منابع مالی وامکانات طبیعی کشور ثروتمندی چون ایران را برای گسترش و حفظ حوزه نفوذ ایدئولوژیک شیعی هزینه کرده است. روش و منش این «مبنی» امپراتوری نیز بر ایجاد وحشت و ترور و ناآرامی استوار بوده؛ از این‌رو بسیاری از تاریخ‌نگاران، آن را «امپراتوری وحشت» نامیده‌اند. هتری کیسینجر، سیاستمدار آمریکائی درباره‌ی مبنی‌امپراتوری نوپای جمهوری اسلامی، در سال ۲۰۰۶ میلادی در روزنامه واشینگتن پست مقاله‌ای منتشر کرد که با رویدادهای

گزارش روزنامه گاردین از سرمایه‌گذاری پسر قالیباف در بازار املاک استرالیا



اسحاق قالیباف (تصویر چپ)

منتظر دریافت اقامت دائم کانادا بوده‌ام.» وزارت مهاجرت دولت کانادا ۱۷ بهمن ۱۴۰۴ اعلام کرد که درخواست اقامت دائم اسحاق قالیباف رد شده است. این دومین بار بود که او در دریافت ویزای کانادا ناکام ماند. به نوشته گاردین اسحاق به دادگاه فدرال انتاریو گفته بود که در سال ۲۰۱۳ نیز برای دریافت ویزای تحصیلی در اتاوا موفق نبوده و دلیل آن را نبود مدارک کافی دانست. به نظر می‌رسد اندکی بعد، توجه خود را به استرالیا معطوف کرده است.

به نوشته گاردین، فرزند این فرمانده قالیباف همزمان با تحصیل در دانشگاه ملبورن به‌عنوان دستیار پژوهشی در مرکز زیرساخت‌های داده‌های مکانی و اداره زمین دانشگاه ملبورن، معروف به CSDILA مشغول به کار شد و طبق نامه‌ای از یک مدیر اداری آن بخش که در پرونده درخواست اقامت دائم کانادا ارائه شده، از ژوئیه ۲۰۱۶ تا ژوئن ۲۰۱۸ در آن‌جا کار می‌کرد. بر اساس اسناد، این کار در طول ترم‌ها حدود هفت ساعت در هفته بود.

این روزنامه بر اساس داده‌های منتشر شده از سوی دادگاه کانادایی افزود که اسحاق قالیباف در ژانویه ۲۰۱۹ به بیش از ۱۴۸ هزار دلار آمریکا از دو حساب بانکی ایرانی و همچنین بیش از ۱۵ هزار دلار استرالیا در حساب‌های بانکی استرالیایی دسترسی داشت.

گاردین در بخشی از این گزارش به نگرانی‌های جامعه ایرانیان استرالیا درباره حضور بستگان مقام‌های جمهوری اسلامی در این کشور پرداخته است. در این بخش آمده «در گزارش‌هایی که به تحقیق پارلمانی فدرال در سال ۲۰۲۲ درباره پیامدهای حقوق بشری سرکوب معترضان «زن، زندگی، آزادی» از سوی حکومت ایران ارائه شد، نگرانی‌هایی درباره بستگان مقام‌هایی مطرح شد که بر سرکوب خشونت‌بار معترضان نظارت داشته‌اند و در استرالیا پناه گرفته‌اند.»

یا چگونه به دست آورده است. گاردین به نقل از یک منبع در آژانس املاک مورد اشاره مستقر در ملبورن نوشت که سوابق مربوط به آن دوره زمانی مطابق با قوانین ایالات ویکتوریا حذف شده است و اکنون تنها سرنخ باقی‌مانده برای بررسی فردی به نام «افضلی» در شرح تراکنش‌های صورت‌حساب بانکی است، اما گاردین نتوانسته فردی با این نام را پیدا کند که از آن آژانس املاک ساختمانی اجاره کرده باشد.

در بخشی از این گزارش ذکر شده است در اسنادی که قالیباف در دعوی اقامت کانادا به دادگاه ارائه کرد، کارفرمای او در یک شرکت مهندسی عمران در تهران «سید ابودر خضری‌افضلی» معرفی شده است. خضری‌افضلی همسر نرجس سلیمانی، دختر قاسم سلیمانی، سردار کشته‌شده سپاه است.

پاشار سلطانی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر حوزه فساد و ساختارهای اقتصادی اعلام کرده بود که ابودر خضری‌افضلی از سال ۱۳۹۱ هدایت خیریه همسر محمدباقر قالیباف را بر عهده داشت و نامش در پرونده فساد مالی هلدینگ یاس مطرح بود. هلدینگ یاس بازوی اقتصادی بنیاد تعاون سپاه بود که در سال ۱۳۹۶ پس از یک رسوایی گسترده منحل شد.

جدیدترین اسناد بانکی استرالیایی ارائه شده به دادگاه مربوط به اوایل سال ۲۰۱۹ بود. با این حال، اسحاق به دادگاه گفت که بیش از چهار سال پس از پایان دوره کارشناسی ارشد خود، ویزای استرالیا را حفظ کرده بود.

اسحاق در شهادت‌نامه‌ای به تاریخ سپتامبر ۲۰۲۲ که به دادگاه فدرال کانادا ارائه شده و گاردین استرالیا آن را مشاهده کرده، گفت: «به من اقامت موقت استرالیا تا پایان سپتامبر ۲۰۲۲ اعطا شده بود؛ اقامتی که برای تبدیل آن به اقامت دائم اقدام نکردم، چون در سه سال گذشته هر هفته

● روزنامه «گاردین» گزارش داد فرزند ۳۸ ساله محمدباقر قالیباف اقامت بلندمدت استرالیا را دریافت کرده بود اما آن را به اقامت دائم تبدیل نکرد. بخش مهمی از اطلاعات مرتبط با دارایی‌ها و روابط خانواده قالیباف در استرالیا، از اسنادی به دست آمده است که در دادگاه فدرال مرتبط با اقامت اسحاق قالیباف در کانادا و در جریان روند حقوقی ناموفق پنج‌ساله او برای دریافت اقامت دائم این کشور، ارائه شد.

● اسحاق قالیباف برای تبدیل اقامت، صورت‌حساب‌های بانکی حساب‌های خود در بانک‌های ANZ و NAB را ارائه کرده بود. این مدارک نشان می‌داد او در اواخر سال ۲۰۱۸ دو پرداخت ماهانه جداگانه، هر یک به مبلغ ۱۳۵۳ دلار و ۶۳ سنت استرالیا، از یک آژانس املاک مستقر در ملبورن دریافت می‌کرده است. قالیباف در توضیحاتی که به مقام‌های مهاجرت کانادا داده و در پرونده دادگاه موجود است، این پرداخت‌ها را «اجاره دریافتی از مستاجران» توصیف کرده بود.

روزنامه «گاردین» در گزارشی از ارتباط اسحاق قالیباف پسر رئیس مجلس جمهوری اسلامی، با یک مرکز پژوهشی در دانشگاه ملبورن و سرمایه‌گذاری او در حوزه املاک در استرالیا خبر داد. به نوشته این روزنامه، او از طریق اجاره دادن دست‌کم یک ملک در این کشور کسب درآمد می‌کرده است.

در این گزارش که یکشنبه ۱۰ ماه مه (۲۰ اردیبهشت) منتشر شد، آمده فرزند ۳۸ ساله محمدباقر قالیباف اقامت بلندمدت استرالیا را دریافت کرده بود اما آن را به اقامت دائم تبدیل نکرد. بخش مهمی از اطلاعات مرتبط با دارایی‌ها و روابط خانواده قالیباف در استرالیا، از اسنادی به دست آمده است که در دادگاه فدرال مرتبط با اقامت اسحاق قالیباف در کانادا و در جریان روند حقوقی ناموفق پنج‌ساله او برای دریافت اقامت دائم این کشور، ارائه شد. براساس این گزارش «اسحاق نخستین بار در اوایل سال ۲۰۱۴ وارد ملبورن شد و در ابتدا زبان انگلیسی و یک دوره آمادگی را گذراند.

بر اساس اسناد ارائه شده در دادگاه انتاریو، اسحاق قالیباف در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، هنگام تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد مهندسی در دانشگاه ملبورن، در محله «ساوت پارا» در مرکز شهر زندگی می‌کرد و دو ملک اجاره‌ای را به‌عنوان نشانی محل سکونت خود ذکر کرده بود.»

اسحاق قالیباف برای تبدیل اقامت موقت به دائم، صورت‌حساب‌های بانکی حساب‌های خود در بانک‌های ANZ و NAB را ارائه کرده بود. این مدارک نشان می‌داد او در اواخر سال ۲۰۱۸ دو پرداخت ماهانه جداگانه، هر یک به مبلغ ۱۳۵۳ دلار و ۶۳ سنت استرالیا، از یک آژانس املاک مستقر در ملبورن دریافت می‌کرده است. قالیباف در توضیحاتی که به مقام‌های مهاجرت کانادا داده و در پرونده دادگاه موجود است، این پرداخت‌ها را «اجاره دریافتی از مستاجران» توصیف کرده بود.

مشخص نیست اسحاق قالیباف مالکیت کدام یک از ملک‌ها را در اختیار داشته، آنها را چه زمانی خریداری کرده

اعتراف یک شهروند ایرانی- آمریکایی در دادگاه به قاچاق انسان و جمع‌آوری محتوای جنسی از کودکان و زنان



دادگستری آمریکا

● دادستانی آمریکا اعلام کرد شارون گوهری، شهروند ایرانی-آمریکایی، در دادگاه بروکلین به اتهام قاچاق غیرقانونی افراد به آمریکا و دریافت محتوای حاوی سوءاستفاده جنسی از کودکان اعتراف کرده است.

● بر اساس بیانیه وزارت دادگستری آمریکا که ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) منتشر شد، گوهری با دریافت پول از اتباع ایرانی، قاچاق غیرقانونی به آمریکا را از مسیرهایی از جمله مکزیک سازماندهی کرده و ورود دست‌کم یک فرد مرتبط با سپاه پاسداران را نیز تسهیل کرده است.

● در جریان تحقیقات درباره فعالیت‌های غیرقانونی گوهری، نیروهای امنیتی کشف کردند که او چندین ویدئو از تجاوز به کودکان را روی تلفن همراه خود دریافت و ذخیره کرده بود. همچنین صدها عکس و ویدئو از تعقیب و فیلم‌برداری مخفیانه زنان در نقاط مختلف شهر نیویورک در دستگاه‌های او یافت شد.

● از جمله اقدامات او، کمک به دریافت ویزای سفر از سفارت مکزیک در ایران و هماهنگی سفر این افراد به مکزیک و سپس ورود گروهی آن‌ها به آمریکا بود. برخی از این افراد با کمک گوهری از کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی نیز عبور کرده بودند. گوهری با شبکه‌ای از همدمستان در ایران و دیگر کشورها همکاری می‌کرد و برای هر مشتری هزاران دلار دریافت می‌کرد.

دادستانی آمریکا اعلام کرد شارون گوهری، شهروند ایرانی-آمریکایی، در دادگاه بروکلین به اتهام قاچاق غیرقانونی افراد به آمریکا و دریافت محتوای حاوی سوءاستفاده جنسی از کودکان اعتراف کرده است.

بر اساس بیانیه وزارت دادگستری آمریکا که ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) منتشر شد، گوهری با دریافت پول از اتباع ایرانی، قاچاق غیرقانونی به آمریکا را از مسیرهایی از جمله مکزیک سازماندهی کرده و ورود دست‌کم یک فرد مرتبط با سپاه پاسداران را نیز تسهیل کرده است.

مقام‌های فدرال آمریکا می‌گویند در تحقیقات، ویدیوهای حاوی آزار کودکان خردسال و تصاویر تعقیب پنهانی زنان در شهر نیویورک نیز در دستگاه‌های متهم کشف شده است. گوهری در صورت محکومیت با حداقل پنج سال و حداکثر ۲۰ سال زندان برای اتهام محتوای سوءاستفاده جنسی از کودک و همچنین تا ۱۰ سال زندان برای قاچاق انسان روبرو است.

گوهری که شهروند تابعیت‌گرفته آمریکا بود و به‌صورت متناوب در ایران و شهرستان ناسائو در ایالت نیویورک زندگی می‌کرد، طی سال‌ها از اتباع ایرانی و دیگر افرادی که قصد ورود غیرقانونی به آمریکا را داشتند، در ازای هماهنگی و تسهیل ورودشان پول دریافت می‌کرد. حداقل یکی از افرادی که گوهری به او کمک کرده بود، با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتباط داشت؛ نهادی که وزارت خارجه ایالات متحده آن را به‌عنوان یک سازمان تروریستی خارجی معرفی کرده است.

در جریان تحقیقات درباره فعالیت‌های غیرقانونی گوهری، نیروهای امنیتی کشف کردند که او چندین ویدئو از تجاوز به کودکان را روی تلفن همراه خود دریافت و ذخیره کرده بود. همچنین صدها عکس و ویدئو از تعقیب

و فیلم‌برداری مخفیانه زنان در نقاط مختلف شهر نیویورک در دستگاه‌های او یافت شد. جلسه امروز به ریاست قاضی فدرال «آن.ام. دانلی» برگزار شد.

جان ای. آیزنبرگ معاون دادستان کل در امور امنیت ملی آمریکا می‌گوید: «این پرونده نشان می‌دهد که بدون مرزهای امن، نمی‌توان از امنیت ملی محافظت کرد. گوهری از قاچاق افراد به آمریکا کسب‌وکار ساخته بود؛ از جمله فردی که با سپاه پاسداران، یک سازمان تروریستی خارجی شناخته‌شده، ارتباط داشت. از محققان و دادستان‌هایی که باعث شدند امروز این متهم از خیابان‌های ما حذف شود، قدردانی می‌کنم.»

جوزف نوچلا جونیور دادستان ایالات متحده برای ناحیه شرقی نیویورک گفت: «متهم بارها و بارها برای سود مالی، افراد آسیب‌پذیر را مورد سوءاستفاده و خطر قرار داد. او همچنین امنیت ملی ما را به خطر انداخت و روندهای ضروری بررسی صلاحیت افرادی را که وارد کشور می‌شوند، دور زد. دفتر ما همچنان با شدت با طرح‌های جنایی فراملی که در آمریکا فعالیت می‌کنند، به‌ویژه آن‌هایی که با گروه‌های تروریستی مانند سپاه پاسداران مرتبط‌اند، مقابله خواهد کرد. همچنین سوءاستفاده جنسی از کودکان را تا حداکثر مجازات قانونی پیگیری خواهیم کرد.»

گوهری، شهروند دوتابعیتی، ساکن «رازلین» نیویورک بود و مرتب به ایران سفر می‌کرد. از دست‌کم دسامبر ۲۰۲۰ تا زمان بازداشتش در مه ۲۰۲۵، او از اتباع ایرانی و دیگر افرادی که قصد ورود غیرقانونی به آمریکا را داشتند، پول دریافت می‌کرد تا ورودشان را -عمدتاً از طریق مکزیک- هماهنگ و تسهیل کند.

از جمله اقدامات او، کمک به دریافت ویزای سفر از سفارت مکزیک در ایران و هماهنگی سفر این افراد به مکزیک و سپس ورود گروهی آن‌ها به آمریکا بود. برخی از این افراد با کمک گوهری از کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی نیز عبور کرده بودند. گوهری با شبکه‌ای از

همدمستان در ایران و دیگر کشورها همکاری می‌کرد و برای هر مشتری هزاران دلار دریافت می‌کرد.

حداقل یکی از اتباع ایرانی که گوهری به او کمک کرده بود، با سپاه پاسداران ارتباط داشت. به‌طور مشخص، اوایل سال ۲۰۲۱، گوهری سفر فردی را از ایران به ترکیه، سپس از ترکیه به مکزیک و بعد از مکزیک به آمریکا تسهیل کرد؛ جایی که آن فرد توسط مأموران مرزبانی بازداشت شد. این فرد بعدها اعتراف کرد که قبلاً در ایران و مالزی برای سپاه پاسداران مأموریت‌هایی انجام داده است.

در جریان تحقیقات مربوط به قاچاق انسان، مأموران فدرال دریافتند که گوهری محتوای سوءاستفاده جنسی از کودکان را روی تلفن خود دریافت و ذخیره کرده بود؛ از جمله چندین ویدئو از تجاوز به کودکانی که ظاهراً تنها پنج سال داشتند. در پیام‌هایی که پس از دریافت این ویدئوها ارسال کرده بود، گوهری گفته بود قصد دارد در یک دبیرستان به دنبال شریک جنسی بگردد.

همچنین مأموران صدها عکس و ویدئو در دستگاه‌های او یافتند که ظاهراً زنان را در مکان‌های عمومی مختلف در شهر نیویورک -از جمله در قطارها و کافه‌ها- نشان می‌داد، بدون اینکه آن زنان متوجه عکس‌برداری یا فیلم‌برداری شوند. برخی از تصاویر از فاصله بسیار نزدیک گرفته شده بودند و در چند مورد زاویه دوربین به‌گونه‌ای بود که به نظر می‌رسید تلاش شده زیر دامن یا لباس زنان دیده شود. در برخی دیگر، یک زن در چند مکان مختلف دیده می‌شد که نشان می‌داد تحت تعقیب قرار گرفته است. گوهری بخشی از این تصاویر و ویدئوها را به حساب‌هایی مستقر در ایران از جمله حسابی که از آن محتوای سوءاستفاده جنسی کودکان دریافت می‌کرد ارسال کرده بود.

گوهری برای اتهام مربوط به محتوای سوءاستفاده جنسی از کودکان با حداقل مجازات اجباری پنج سال زندان و حداکثر ۲۰ سال زندان روبرو است. همچنین برای قاچاق افراد، حداقل سه سال و حداکثر ۱۰ سال زندان در انتظار اوست.

زخم عمیق قطع اینترنت بر درآمد زنان فعال در مشاغل خانگی



همانطور که مالک حسینی اشاره کرده بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی وزارت کار (تیرماه ۱۴۰۴) ۸۰ درصد فعالان مشاغل خانگی در ایران را زنان تشکیل می‌دهند و تنها ۲۰ درصد مردان هستند. همچنین ۱۱ درصد از زنان شاغل در بخش مشاغل خانگی ساکن روستاهای کشور هستند.

این آمار نشان می‌دهد قطع اینترنت درآمد و معیشت این زنان که بسیاری از آنها سرپرست و تنها نان‌آور خانواده هستند را متأثر کرده است.

روزنامه «پیام ما» هم گزارش داده که در بسیاری از روستاهای استان‌های مرکزی، گیلان، کردستان و آذربایجان شرقی و کرمان با قطع اینترنت و به‌صورت مشخص اینستاگرام و تلگرام، بسیاری از کسب‌وکارهای خانگی زنان روستایی از بازار فروش خارج شدند.

این گزارش افزوده در روستاهای توریستی و صنایع‌دستی‌خیز ایران، از «ایبانه» در اصفهان تا «ماسوله» در گیلان و «اورامان» در کردستان، زنان سرپرست خانوار در سال‌های اخیر با اتکا به اینترنت برای فروش محصولات دست‌ساز، رزرو اقامتگاه‌های بوم‌گردی و دریافت سفارش، توانسته بودند پایه‌ای از درآمد مستقل برای خودشان بسازند.

این پایه حالا از سه طرف زخم‌خورده است: قطع اینترنت از ۹ اسفند، کاهش گردشگری از نیمه دوم سال ۱۴۰۴ و افزایش تورم هزینه‌های زندگی که هم‌زمان با هر دوی این‌ها آمده. زهرا جعفری، کارشناس توسعه روستایی که با چند سازمان مردم‌نهاد (NGO) در استان اصفهان کار می‌کند گفته «زنان روستایی سرپرست خانوار همیشه از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اقتصادی بودند، اما در همین سال‌ها بخشی از آن‌ها موفق شده بودند با صنایع‌دستی آنلاین یا بوم‌گردی یک پایه درآمدی مستقل بسازند. قطع اینترنت این پایه را یک‌شبه زد. فروش آنلاین ندارند، گردشگر نمی‌آید، و قیمت همه چیز، از آرد و روغن تا دارو بالا رفته. این سه تا با هم یعنی فاجعه.»

زهرا جعفری افزوده «این زنان در سال‌های سختی

ایجاد شده است. به گزارش «کیهان لندن» نگاه سنتی به اشتغال زنان و در نظر گرفتن مردان به‌عنوان «نان‌آور خانواده» سبب شده اکثر کارفرمایان زنان را در صدر فهرست اخراج نیروی کار قرار دهند.

مشاغل خانگی که بازاریابی و روند فروش کالا در آنها به شدت وابسته به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها مانند اینستاگرام و تلگرام بود با قطع اینترنت در ایران با کاهش شدید فروش و زیان گسترده روبرو شده‌اند. زنان سهم ۸۰ درصدی از نیروی شاغل در بخش مشاغل خانگی را دارند و قطع اینترنت درآمد و معیشت آنها را هدف قرار داده است. بسیاری از این زنان سرپرست خانوار و تنها نان‌آور خانواده هستند.

با گذشت ۷۵ روز از قطع اینترنت جهانی در ایران، اظهارات مقامات جمهوری اسلامی نشان از برنامه حکومت برای تداوم اقدام سرکوبگرانه قطع اینترنت دارد. در این میان ابعاد خسارت‌های اقتصادی قطع اینترنت در حال گسترش است و یکی از بخش‌هایی که با قطع اینترنت فعالیت آن مختل، و خسارت زیادی را متحمل شده است مشاغل خانگی است.

مالک حسینی معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزیر کار با اشاره به خسارت گسترده به شاغلان فعال در بخش مشاغل خانگی بر اثر قطع اینترنت اعلام کرده توقف فروش اینترنتی، مهم‌ترین مشکل مشاغل خانگی در ماه‌های اخیر بوده است.

مالک حسینی روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت در نشست «روز ملی مشاغل خانگی» گفت که هم‌زمان با محدودیت‌های اینترنتی و توقف نمایشگاه‌های فصلی، بسیاری از فعالان این حوزه امکان فروش محصولات خود را از دست داده‌اند.

او با اشاره به اینکه حدود ۸۰ درصد از مشاغل خانگی را زنان تشکیل می‌دهند، گفته که بخش عمده این افراد از خانوارهای کم‌درآمد هستند.

● مشاغل خانگی که بازاریابی و روند فروش کالا در آنها به شدت وابسته به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها مانند اینستاگرام و تلگرام بود با قطع اینترنت در ایران با کاهش شدید فروش و زیان گسترده روبرو شده‌اند.

● اکثر نیروی شاغل در بخش مشاغل خانگی در ایران زنان هستند و قطع اینترنت درآمد و معیشت آنها را هدف قرار داده است. بسیاری از این زنان سرپرست خانوار و تنها نان‌آور خانواده هستند.

● بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی وزارت کار (تیرماه ۱۴۰۴) ۸۰ درصد فعالان مشاغل خانگی در ایران را زنان تشکیل می‌دهند و تنها ۲۰ درصد مردان هستند. همچنین ۱۱ درصد از زنان شاغل در بخش مشاغل خانگی ساکن روستاهای کشور هستند.

● زهرا جعفری کارشناس توسعه روستایی: این زنان در سال‌های سختی موفق شده بودند یک ساختار اقتصادی کوچک اما مستقل بسازند. حالا آن ساختار دارد فرومی‌ریزد و هیچ‌کس نمی‌شمارد که چند نفرند، چقدر ضرر کرده‌اند و چه حمایتی نیاز دارند. مشکل فقط اینترنت نیست. مشکل این است که وقتی بحران می‌آید، اولین کسانی که فراموش می‌شوند همین‌ها هستند.

● روزنامه «پیام ما» گزارش داده در روستاهای ایران زنان سرپرست خانوار با اتکا به اینترنت برای فروش محصولات دست‌ساز، رزرو اقامتگاه‌های بوم‌گردی و دریافت سفارش، توانسته بودند پایه‌ای از درآمد مستقل برای خودشان بسازند. این پایه حالا از سه طرف زخم‌خورده است: قطع اینترنت از ۹ اسفند، کاهش گردشگری از نیمه دوم سال ۱۴۰۴ و افزایش تورم هزینه‌های زندگی که هم‌زمان با هر دوی این‌ها آمده.

● «کیهان لندن» به تازگی گزارش داده بود زنان شاغل نیز قربانیان موج اخراج نیروی کار هستند که به تازگی و به‌علت رکود تورمی ناشی از جنگ و قطع اینترنت در کشور

دستاورد دولت پزشکیان در وعده انتخاباتی «رفع فیلترینگ»: اجرای طرح «اینترنت طبقاتی» با تبعیض، فساد و رانتخواری گسترده!

می‌پردازند.

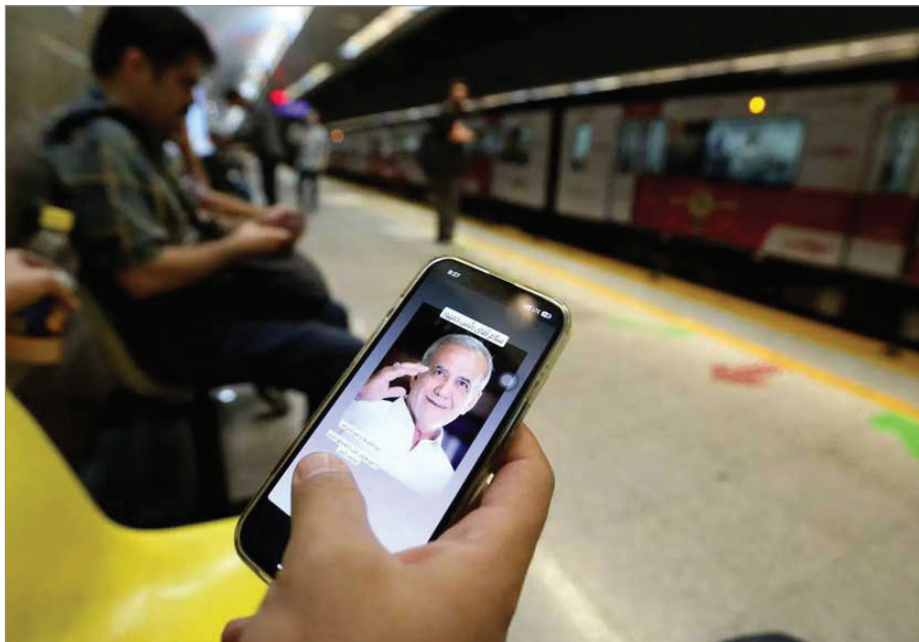
با گذشت بیش از دو ماه و نیم از قطع سراسری اینترنت جهانی در ایران، که از نهم اسفند و همزمان با آغاز جنگ خاورمیانه اجرا شد، جمهوری اسلامی توانست یک رکورد دیگر را در کارنامه سیاه خود ثبت کند؛ رکورد در سانسور اینترنت و محرومیت عموم شهروندان از حق دسترسی به اینترنت.

حدود دو سال پیش و در جریان چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مسعود پزشکیان، نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان، رفع فیلتر اینترنت را به‌عنوان یکی از شعارهای محوری مطرح کرد. تیم انتخاباتی مسعود پزشکیان به‌طور سازمانیافته این وعده را در کنار وعده حل بحران‌های اقتصادی و کنترل تورم برای شرکت‌کنندگان در انتخابات

● دو سال پیش تیم انتخاباتی مسعود پزشکیان به‌طور سازمانیافته وعده رفع فیلتر اینترنت را در کنار وعده حل بحران‌های اقتصادی و کنترل تورم برای شرکت‌کنندگان در انتخابات برجسته کردند.

● نه تنها تشکیل دولت مسعود پزشکیان وعده آزادی اینترنت را عملی نکرد بلکه محدودیت‌های شهروندان برای دسترسی به اینترنت جهانی تشدید و بیشترین مدت قطع سراسری اینترنت جهانی در تاریخ جمهوری اسلامی هم در دولت مسعود پزشکیان ثبت شد.

● همچنین طرح «اینترنت طبقاتی» که بر اساس آن برخورداری شهروندان و اقشار مختلف از اینترنت به صورت گزینشی و طبقاتی با تشخیص حکومت تعیین می‌شود و از سالها پیش مطرح شده بود، در دولت مسعود پزشکیان



برجسته کردند.

نه تنها تشکیل دولت مسعود پزشکیان وعده آزادی اینترنت - و همچنین بهبود شرایط اقتصادی و کنترل تورم - را عملی نکرد بلکه محدودیت‌های شهروندان برای دسترسی به اینترنت جهانی تشدید و بیشترین مدت قطع سراسری اینترنت جهانی در تاریخ جمهوری اسلامی هم در دولت مسعود پزشکیان ثبت شده است. همچنین طرح «اینترنت طبقاتی» که بر اساس آن برخورداری شهروندان و اقشار مختلف از اینترنت به صورت گزینشی و طبقاتی با تشخیص حکومت تعیین می‌شود و از سالها پیش مطرح شده بود، اکنون در دولت مسعود پزشکیان به‌طور رسمی اجرا شده است.

در این میان مقامات دولت پزشکیان تلاش دارند تصمیم‌گیری درباره وضعیت اینترنت را به شورای عالی امنیت ملی مرتبط کرده و از خود سلب مسئولیت کند.

مقامات دولت توضیح نمی‌دهند اگر دولت

به‌طور رسمی اجرا شده است.

● مقامات دولت توضیح نمی‌دهند اگر دولت اختیاری درباره اتصال دوباره اینترنت ندارد و تصمیم در اینباره در دست نهادهای فرادولتی است چرا موضوع رفع فیلترینگ در جریان انتخابات به عنوان مهمترین وعده مسعود پزشکیان به رأی‌دهندگان فروخته شد؟

هفتادوشش روز از قطع اینترنت جهانی در ایران می‌گذرد و همچنان ده‌ها میلیون شهروند در این مدت مطلقاً نتوانستند به شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌های بین‌المللی و در یک کلام، به دنیای آزاد اینترنت دسترسی داشته باشند. اگرچه بهانه جمهوری اسلامی برای قطع اینترنت «امنیت» است اما کارشناسان معتقدند اینترنت داخلی تهدیدی جدی‌تر علیه امنیت است. در این میان شواهد از ایجاد یک کانال سودآوری کلان برای مافیاهایی حکایت دارد که به فروش «اینترنت طبقه‌بندی‌شده» با قیمت‌های نجومی

موفق شده بودند یک ساختار اقتصادی کوچک اما مستقل بسازند. حالا آن ساختار دارد فرومی‌ریزد و هیچ‌کس نمی‌شمارد که چند نفرند، چقدر ضرر کرده‌اند و چه حمایتی نیاز دارند. مشکل فقط اینترنت نیست. مشکل این است که وقتی بحران می‌آید، اولین کسانی که فراموش می‌شوند همین‌ها هستند.»

مدیر یک مجموعه بوم‌گردی در شمال غرب کشور به «پیام ما» گفته «در کل استان ما شصت واحد بوم‌گردی روستایی وجود دارند. از این شصت واحد، بیست و سه تا را زن سرپرست خانوار اداره می‌کند. از مهر ۱۴۰۴ تا فروردین ۱۴۰۵، میانگین اشتغال اتاق این بیست و سه واحد به زیر پانزده درصد رسید. در همین بازه پارسال، بالای چهل درصد بود.»

او افزوده که بعضی از این زنان برای تجهیز اقامتگاه وام گرفته بودند و حالا توان پرداخت قسط ندارند: «وام گرفته‌اند، اقامتگاه راه انداخته‌اند، مشتری داشته‌اند. حالا نه مشتری دارند، نه اینترنت که تبلیغ کنند، نه درآمدی که قسط بدهند.»

از سوی دیگر «کیهان لندن» به تازگی گزارش داده بود زنان شاغل نیز قربانیان موج اخراج نیروی کار هستند که به تازگی و به‌علت رکود تورمی ناشی از جنگ و قطع اینترنت در کشور ایجاد شده است. به گزارش «کیهان لندن» نگاه سنتی به اشتغال زنان و در نظر گرفتن مردان به‌عنوان «نان‌آور خانواده» سبب شده اکثر کارفرمایان زنان را در صدر فهرست اخراج نیروی کار قرار دهند.

سیمین کاظمی، جامعه‌شناس، در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به تعداد پرشمار اخراج و بیکار شدن زنان توضیح داده که «در تعدیل [اخراج] نیرو اغلب فرودست‌ترین بخش نیروی کار قربانی می‌شوند، موضوعی که کلیشه‌های جنسیتی و تصورات جنسیت‌زده در شکل‌گیری آن نقشی پررنگ ایفا می‌کنند؛ این کلیشه‌ها که اشتغال زنان را نسبت به مردان کمتر ضروری جلوه می‌دهد موجب می‌شوند که در شرایط تعدیل نیرو در درجه نخست زنان قربانی شوند.» به گفته این جامعه‌شناس «بیکاری زنان را به فقر سلسله مراتب طبقاتی/جنسیتی می‌کشاند و موجب بی‌قدرت شدن آن‌ها در خانواده و جامعه می‌شود؛ در طبقه فرودست، بیکاری زنان موجب فقیرتر شدن و بدتر شدن کیفیت زندگی آن‌ها و خانواده‌های‌شان می‌شود، چنانکه این بخش از جامعه در تأمین نیازهای پایه‌ای خود شامل غذا، بهداشت و مسکن دچار درماندگی می‌شوند. بیکاری زنان فرودست را با سیاه‌ترین چهره فقر مواجهه و آن‌ها، خانواده و فرزندان‌شان را در معرض بی‌خانمانی، سوء تغذیه، بیماری، توقف تحصیل و آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد.»

سیمین کاظمی تأکید کرده که «بیکاری، استقلال اقتصادی را از این گروه از زنان سلب و آن‌ها را متکی به مردان می‌کند و در نتیجه کنترل مردان را بر زندگی این زنان افزایش می‌یابد. در چنین وضعیتی زنان در مواجهه با خشونت خانگی کمتر قادر به مقابله و نجات خود هستند. از طرف دیگر بیکاری توانمندی و شایستگی این زنان را زیر سوال برده و آن‌ها را مجبور به انزوا و خانه‌نشینی می‌کند.»

او همچنین بیکار شدن را برای زنان «مصیبتی ناگوار» توصیف کرده چرا که «در بازار کار ایران زنان به زحمت می‌توانند شغلی به دست آورند و در صورت اخراج شدن بازگشت به کار برای آن‌ها به مراتب سخت‌تر از مردان است؛ زنان برای اشتغال با مشکل مواجه هستند، زیرا از اشتغال زنان به صورت رسمی و واقعی حمایت نمی‌شود، همچنین موانع فرهنگی و اجتماعی اشتغال زنان هنوز برقرار هستند.»

اختیاری درباره اتصال دوباره اینترنت ندارد و تصمیم در اینباره در دست نهادهای فراهولتی است چرا موضوع رفع فیلترینگ در جریان انتخابات به عنوان مهمترین وعده مسعود پزشکیان به رأی‌دهندگان فروخته شد؟

در آنسو در رویکردی متضاد وعده «تلاش دولت» برای رفع فیلتر نیز همچنان مطرح می‌شود. روز گذشته مسعود پزشکیان، در حکمی محمد رضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، را به سمت رئیس «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی» منصوب کرد.

پزشکیان در این حکم «تدوین و اجرای نقشه راه جامع تحول در حکمرانی فضای مجازی»، «بازآرایی ساختارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از جمله ساماندهی و ارتقای کارآمدی دبیرخانه شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی» و نیز «استقرار نظام نظارت راهبردی و پایش مستمر عملکرد دستگاه‌ها در این حوزه» را از جمله مأموریت‌های محوله به محمدرضا عارف برشمرده است.

در آنسو اما آنچه مشخص است جریان‌ات حکومتی تلاش دارند از قطع و اتصال احتمالی اینترنت برای رقابت با هم بهره برند و با این اقدام پایگاه اجتماعی خود میان جمعیت اقلیتی که همچنان نگاه و توجهی به مقامات و جناحین حکومت دارند را ترمیم کنند.

زیر سایه چنین فضایی اما مافیاهای حکومتی نیز در حال سودجویی از شرایط خاموشی اینترنت و انزوای دیجیتال مردم ایران هستند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد فساد و رانت‌خواری ساختاری حکومت، روند توزیع اینترنت طبقاتی که با عناوین «سیم‌کارت سفید» و «اینترنت پرو» عرضه می‌شود را هم در بر گرفته است. مافیاهای چند گیگ اینترنت جهانی را با قیمت‌های نجومی به شهروندانی که توانایی مالی دارند می‌فروشند و «سیم‌کارت سفید» و «اینترنت پرو» نیز در بازار سیاه شکل گرفته توسط مافیاهای با قیمت‌های چند ده میلیون تومانی معامله می‌شود.

توزیع اینترنت بدون فیلتر که ظاهراً قرار بود تحت کنترل نهادهای امنیتی حکومت و با نظارت و مسئولیت شورای عالی امنیت ملی صورت بگیرد حالا با آنچنان فساد روبروست که سبب واکنش قوه قضائیه شده است.

خرگزری «میزان» وابسته به قوه قضائیه به تازگی به نقل از اشکان میرمحمدی، سخنگوی سازمان بازرسی کل کشور، گزارش داد در پی دستور رئیس قوه قضائیه برای رسیدگی به پرونده اینترنت پرو، مدیرعامل همراه اول روز گذشته سه‌شنبه هشتم اردیبهشت در سازمان بازرسی حاضر و توضیحات او دریافت شد.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی هفتم اردیبهشت در سخنانی با اشاره به فساد گسترده در توزیع «سیم‌کارت سفید» و بازار سیاه خرید و فروش اینترنت بدون فیلتر به دادستانی کل و سازمان بازرسی کل کشور دستور داد موضوع بازار سیاه خرید و فروش سیم‌کارت سفید را با «جدیت» بررسی کنند.

غلامحسین محسنی اژه‌ای گفته بود «این خطاها را فقط به افراد و اقشاری با مشخصات خاص می‌دهند اما الان گزارش‌ها و اخباری هست که به برخی افراد داده‌اند که ربطی به شغلشان ندارد و بابت آن چند ده میلیون تومان پول گرفته‌اند» و «این روند مصادق تبعیض و فساد است».

صدیقه پیران استاد دانشگاه در حوزه ارتباطات با اشاره به فساد گسترده در توزیع اینترنت بدون فیلتر گفته محدودیت اینترنت برای همه است، اما اینترنت «پرو» برای برخوردارها! او توضیح داده «در حال حاضر نوعی تناقض در سیاست‌های مرتبط با اینترنت وجود دارد که نیازمند بررسی

و رفع است. از یک سو گفته می‌شود دسترسی گسترده به اینترنت ممکن است مشکلات امنیتی ایجاد کند، اما ازسوی دیگر شاهد ارایه اینترنت موسوم به «پرو» به برخی افراد هستیم که در صورت پرداخت هزینه می‌توانند به اینترنت با دسترسی گسترده‌تر دست پیدا کنند. این وضعیت باعث شده این پرسش در جامعه شکل بگیرد که اگر دسترسی آزاد به اینترنت می‌تواند تهدید امنیتی ایجاد کند، چگونه امکان ارایه اینترنت ویژه برای گروهی خاص وجود دارد. این موضوع از منظر اجتماعی و ارتباطی قابل تأمل است و لازم است متولیان حوزه امنیت و ارتباطات برای رفع این تناقض توضیح روشنی ارایه دهند.»

این استاد ارتباطات افزوده «واقعیت این است که در قرن بیست و یکم، اینترنت به شاهراه اصلی تبادل اطلاعات و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. امروز بسیاری از مشاغل، خدمات و حتی آموزش بر بستر اینترنت انجام می‌شود و طبیعی است که جامعه انتظار داشته باشد دسترسی پایدار و قابل اتکا به این زیرساخت داشته باشد. البته هیچ‌کس منکر شرایط خاص و تهدیدات احتمالی، ازجمله حملات سایبری، نیست و طبیعی است که در شرایط حساس تدابیری برای حفاظت از زیرساخت‌ها اتخاذ شود، اما مسأله‌ای که امروز موجب نگرانی و نارضایتی بخشی از جامعه شده، احساس تبعیض در دسترسی به اینترنت است. اگر نگرانی اصلی درباره امنیت سایبری و احتمال حملات است، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه برخی افراد یا گروه‌ها می‌توانند در ازای پرداخت هزینه از اینترنت با دسترسی بیشتر بهره‌مند شوند. این موضوع برای افکار عمومی قابل درک نیست و نیازمند شفاف‌سازی است.»

صدیقه پیران با اشاره به طبقه‌بندی دسترسی‌ها یادآور می‌شود: «حتی در مورد اینترنت پرو نیز گفته می‌شود سطح دسترسی افراد متفاوت است و مشخص می‌شود چه کسی به چه پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام یا تلگرام دسترسی داشته باشد. این نوع طبقه‌بندی پرسش‌های جدی درباره مبنای تصمیم‌گیری‌ها ایجاد می‌کند و لازم است معیارهای آن به صورت شفاف اعلام شود. در شرایطی که جامعه با فشارهای مختلف اقتصادی و اجتماعی مواجه است، ایجاد احساس تبعیض می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی منجر شود، به ویژه در دوره‌هایی که کشور نیازمند همبستگی و انسجام اجتماعی است، تصمیماتی که ممکن است مردم را از هم جدا کند یا موجب نارضایتی شود، باید با دقت بیشتری بررسی شود.»

جدا از احساس تبعیضی که با دسترسی به اینترنت بدون فیلتر برای شهروندان ایجاد می‌کند، خسارت‌های اقتصادی قطع سراسری اینترنت هم همچنان در حال افزایش است. روزنامه «دنیای اقتصاد» هفته جاری گزارش داد در جریان قطع اینترنت جهانی طی ۴۰ روز جنگ، بخش فناوری اطلاعات و اقتصاد دیجیتال در مجموع ۶۷/۳۲ هزار میلیارد تومان خسارت دیده است. اکنون با گذشت بیش از ۷۵ روز از قطع اینترنت پیش‌بینی می‌شود خسارت اقتصادی ناشی از این اقدام سرکوبگرانه به بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده باشد!

در این میان کارشناسان و برخی رسانه‌های حکومتی درباره افزایش نارضایتی شهروندان با محروم کردن آنها از حق طبیعی دسترسی به اینترنت هشدار می‌دهند.

روزنامه «جمهوری اسلامی» در شماره روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت هشدار داد «امنیتی‌سازی اینترنت می‌تواند بحرانی بزرگ‌تر برای جامعه ایجاد کند» و «طبقه‌بندی شهروندان برای دسترسی به اینترنت می‌تواند سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را فرسایش دهد.»

هشدار درباره

پیامدهای

«امنیتی‌سازی

اینترنت»؛ شکاف

میان حکومت و مردم

عمیق‌تر می‌شود

● روزنامه «جمهوری اسلامی» هشدار داده «امنیتی‌سازی اینترنت» سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را فرسایش می‌دهد و هشدار داده «ادامه نگاه تحقیرآمیز به مردم و محروم کردن آن‌ها از دسترسی آزاد به اینترنت می‌تواند شکاف دولت و جامعه را عمیق‌تر کند.»

● جلال رشیدی کوچی: «اختصاص اینترنت پرسرعت فقط به افراد پولدار نه تنها امنیت ملی را به خطر می‌اندازد و فساد اقتصادی را افزایش می‌دهد، بلکه تبعیض آشنا برای جامعه ایجاد می‌کند که هنوز از امتیازات ناعادلانه «خط سفید» رنج می‌برد.»

● روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ با استناد به آمار وزارت ارتباطات گزارش داد که در جریان قطع اینترنت جهانی طی ۴۰ روز جنگ، بخش فناوری اطلاعات و اقتصاد دیجیتال در مجموع ۶۷/۳۲ هزار میلیارد تومان خسارت دیده است.

● «در برخی مناطق مرزی کشور، به‌ویژه در استان خوزستان و نواحی همجوار با مرز عراق، فروش سیم‌کارت‌های اپراتورهای عراقی از جمله زین و دیگر اپراتورهای فعال این کشور افزایش یافته است.» - فساد و رانت در توزیع این اینترنت بازار سیاه پرسودی برای مافیاهای حکومتی ایجاد کرده و حتی قوه قضائیه جمهوری اسلامی را ناچار به ورود به این موضوع کرده است.

● روزنامه «خراسان» هشدار داده روندی که مردم را مجبور به پرداخت هزینه برای محتوای رایگان پیشین می‌کند، نشان می‌دهد که کشور همچنان فاصله زیادی با حکمرانی مطلوب سایبری دارد.

دو ماه و نیم از قطع اینترنت جهانی در ایران می‌گذرد و وزیر ارتباطات در حالی که تلاش کرده از دولت در رابطه با تصمیم قطع یا وصل اینترنت سلب مسئولیت کند گفته دولت در تلاش برای دسترسی مردم به اینترنت جهانی است. فساد در توزیع اینترنت طبقه‌بندی شده و هراس از پیامدهای محروم کردن شهروندان از حق دسترسی به اینترنت جهانی سبب واکنش برخی رسانه‌های داخلی و مقامات حکومتی شده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ با استناد به آمار وزارت ارتباطات گزارش داد که در جریان قطع اینترنت جهانی طی ۴۰ روز جنگ، بخش فناوری اطلاعات و اقتصاد دیجیتال در مجموع ۶۷/۳۲ هزار میلیارد تومان خسارت دیده است.

به گزارش «دنیای اقتصاد» از این مبلغ، ۵۱ هزار

اگرچه ساده‌ترین تصمیم است، اما لزوماً نشان‌دهنده حکمرانی دقیق نیست. این روزنامه با اشاره به آسیب‌های قطع اینترنت بر اقتصاد دیجیتال و لزوم ابداع افکار عمومی، یادآور شد که از زمان فیلترینگ تلگرام در سال ۱۳۹۷، طبقه‌ای سودجو از فروش فیلترشکن‌ها ثروتمند شدند و اکنون همان جریان با

که از حق طبیعی دسترسی به اینترنت محروم شده‌اند در کنار اخبار و گزارش‌ها از فسادهای توزیع اینترنت بدون فیلتر سبب هراس بخشی از حکومت شده و این نگرانی در رسانه‌های داخلی بازتاب یافته است. روزنامه «جمهوری اسلامی» در شماره روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت هشدار داده «امنیتی‌سازی اینترنت می‌تواند

میلیارد تومان مربوط به خسارت‌های فیزیکی ناشی از حملات مستقیم به زیرساخت‌های دولتی و خصوصی بوده و ۱۶/۳۲ هزار میلیارد تومان نیز از کاهش درآمد کسب‌وکارها (با میانگین زیان روزانه ۰/۴ هزار میلیارد تومان) ناشی شده است. این رقم در حالی اعلام شده که فقط مربوط به بازه ۴۰



سوءاستفاده از قطع اینترنت بین‌الملل، در حال درآمدزایی از طریق فروش دسترسی‌های ویژه (اینترنت پرو) هستند. در مطلب روزنامه «خراسان» هشدار داده شده که این روند که مردم را مجبور به پرداخت هزینه برای محتوای رایگان پیشین می‌کند، نشان می‌دهد که کشور همچنان فاصله زیادی با حکمرانی مطلوب سایبری دارد.

همچنین جلال رشیدی کوچی، نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی و از جمله افراد مخالف با اینترنت طبقه‌بندی شده در ایران به تازگی در گفتگو با وبسایت «نود اقتصادی» گفته «اختصاص اینترنت پرسرعت فقط به افراد پولدار نه تنها امنیت ملی را به خطر می‌اندازد و فساد اقتصادی را افزایش می‌دهد، بلکه تبعیضی آشنا برای جامعه ایجاد می‌کند که هنوز از امتیازات ناعادلانه «خط سفید» رنج می‌برد.»

در این میان مقامات دولت ادعا می‌کنند مسئولیت قطع و وصل اینترنت با شورای عالی امنیت ملی است و تلاش دارند مسئولیتی در اینباره به عهده نگیرند. ستار هاشمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات روز گذشته در جمع خبرنگاران گفت این وزارتخانه به نمایندگی از مردم به صورت شفاف‌روزی در حال پیگیری است تا «دسترسی با کیفیت به اینترنت بین‌الملل برای کاربران در اسرع وقت برقرار شود». این وعده اما چندان باعث امیدواری فعالان اقتصاد دیجیتال و شهروندان نیست چرا که وزارت ارتباطات دولت چهاردهم طی دو سال گذشته نیز نتوانسته حق دسترسی به اینترنت را به‌عنوان یکی از محوری‌ترین وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشکیان عملی کند و حتی اجرای طرح اینترنت طبقاتی به‌طور رسمی در همین دولت اجرا شده است.

بحرانی بزرگ‌تر برای جامعه ایجاد کند.» در این مطلب با اشاره به قطع اینترنت در جریان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با جمهوری اسلامی در اواخر بهار ۱۴۰۴ آمده که «کارشناسان تأکید داشتند حتی در شرایط جنگی باید سازوکاری وجود داشته باشد که کشور دچار قطع کامل ارتباطات نشود.»

جمهوری اسلامی نوشته «اینترنت امروز بخشی از زیرساخت حیاتی زندگی اجتماعی در آموزش، پژوهش، کسب‌وکار و ارتباطات روزمره است» و افزوده «طرح‌هایی مانند سیم‌کارت سفید و اینترنت ویژه برای برخی افراد احساس تبعیض را در جامعه تشدید کرده است.» این روزنامه حکومتی هشدار داده «طبقه‌بندی شهروندان برای دسترسی به اینترنت می‌تواند سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را فرسایش دهد.»

«جمهوری اسلامی» با بیان اینکه «امنیت ملی تنها به معنای جلوگیری از تهدید خارجی نیست و امنیت روانی جامعه نیز بخش مهمی از آن است» نوشته «قطع طولانی اینترنت باعث اختلال جدی در فعالیت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی کشور شده است. تجربه تاریخی نشان داده ممنوعیت‌های گسترده فناوری در نهایت با شکست و دور زدن محدودیت‌ها مواجه می‌شود» و «ادامه نگاه تحقیرآمیز به مردم و محروم کردن آن‌ها از دسترسی آزاد به اینترنت می‌تواند شکاف دولت و جامعه را عمیق‌تر کند.»

روزنامه اصولگرای «خراسان» نیز در شماره روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت در یادداشتی با انتقاد شدید از طرح «اینترنت پرو»، «دسترسی به اینترنت را مشابه نیاز به کالاهای اساسی دانست و تأکید کرد که قطع آن در شرایط جنگی فعلی،

روزه است و اکنون ۷۴ روز از قطع اینترنت در ایران می‌گذرد و این خسارت افزایش یافته است. از سوی دیگر اگر رقم خسارت‌های غیرمستقیم قطع اینترنت محاسبه شود رقم نهایی خسارت خیلی بیش از رقم اعلام شده از سوی وزارت ارتباطات است.

طرح ارائه رسمی اینترنت طبقه‌بندی شده که پس از تعطیلات نوروز با عنوان «اینترنت پرو» در حال عرضه به برخی مشاغل است نیز با حاشیه‌های زیادی همراه بوده است. فساد و رانت در توزیع این اینترنت بازار سیاه پرسودی برای مافیاهای حکومتی ایجاد کرده و حتی قوه قضاییه جمهوری اسلامی را ناچار به ورود به این موضوع کرده است.

در مناطق مرزی ایران نیز بازار سیاه فروش سیم‌کارت از اپراتورهای کشورهای همسایه شکل گرفته است. وبسایت «سیتنا» که خبرهای مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات را پوشش می‌دهد با تأیید وجود این بازار سیاه نوشته «در برخی مناطق مرزی کشور، به‌ویژه در استان خوزستان و نواحی همجوار با مرز عراق، فروش سیم‌کارت‌های اپراتورهای عراقی از جمله زین و دیگر اپراتورهای فعال این کشور افزایش یافته است.»

بر اساس گزارش «سیتنا» این سیم‌کارت‌ها از مسیرهای غیررسمی وارد کشور شده و با قیمت‌هایی به‌مراتب بالاتر از نرخ معمول، در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرند. این گزارش افزوده «آنچه این بازار را قابل توجه کرده، استقبال بخشی از مردم از این سیم‌کارت‌هاست؛ کاربرانی که برای دسترسی به اینترنت بین‌الملل و حفظ ارتباطات خود، به استفاده از خدمات اپراتورهای خارجی روی آورده‌اند.» نارضایتی عمومی و فرسایش روانی شهروندان در ایران

لکه نفتی نزدیک جزیره خارک؛ نشت لوله‌ها یا پسماند کشتی‌ها؟

● رویترز با استناد به تصاویر ماهواره‌ای، در نزدیکی جزیره خارک، گزارش داد احتمال نشت نفت در دریا وجود دارد. در این تصاویر که بین ۱۶ تا ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ توسط ماهواره‌های «کاپرنیکوس» ثبت شده، لکه‌ای خاکستری و سفید در آب‌های غرب این جزیره دیده می‌شود.

● لویی گودارد، از بنیان‌گذاران شرکت مشاوره‌ای «دیتا دسک»، که بر آب و هوا تمرکز دارد، موافق است که تصاویر احتمالاً یک لکه نفتی را نشان می‌دهند، که به گفته او احتمالاً بزرگترین لکه نفتی است که از زمان آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ۷۰ روز پیش تاکنون رویت شده است.

را پوشانده است. لویی گودارد، از بنیان‌گذاران شرکت مشاوره‌ای «دیتا دسک»، که بر آب و هوا تمرکز دارد، موافق است که تصاویر احتمالاً یک لکه نفتی را نشان می‌دهند، که به گفته او احتمالاً بزرگترین لکه نفتی است که از زمان آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ۷۰ روز پیش تاکنون رویت شده است.

مورلند با اشاره به اینکه تصاویر ۸ ماه مه (۱۸ اردیبهشت) هیچ نشانه‌ای از نشت‌های فعال اضافی نشان نمی‌دهد، افزود علت نشت احتمالی و نقطه شروع آن در حال حاضر ناشناخته است.

جزیره خارک، ترمینال صادرات ۹۰ درصد از نفت ایران است که بخش عمده‌ای از آن به چین می‌رود.

نیروی دریایی آمریکا در تلاش برای جلوگیری از ورود و خروج نفتکش‌های تهران، بنادر ایران را مسدود کرده است، در حالی که نیروهای آمریکایی و ایرانی طی روزهای اخیر در خلیج فارس با هم درگیر شده‌اند.

در واکنش به این خبر، نماینده بوشهر در مجلس شورای اسلامی ادعا کرده «لکه‌های مشاهده شده در تصاویر ماهواره‌ای در اطراف جزیره خارک مربوط به روغن و پسماند آب توازن نفتکش‌ها است که به زیان محیط زیست توسط نفتکش اروپایی به دریا ریخته شده است».

تحلیلگران حوزه انرژی هشدار داده‌اند جمهوری اسلامی با بحرانی جدی در صادرات و ذخیره‌سازی نفت روبه‌رو شده

وای‌نت: حکومت ایران مثل آلمان نازی است، تا شکست نخورد به جنگ و سرکوب ادامه می‌دهد

● وبسایت «وای‌نت» روز یکشنبه ۱۰ ماه مه (۲۰ اردیبهشت) در تحلیلی به قلم سور پلاکر سردبیر ارشد اقتصادی این روزنامه، با مقایسه وضعیت کنونی جمهوری اسلامی با روزهای آخر آلمان نازی، هشدار داد اگر ترامپ بخواهد با صبر و حوصله منتظر ماند تا حاکمان ایران از تعصب ایدئولوژیک خود دست بردارند، ممکن است روزی برسد که بفهمد کار بیهوده‌ای کرده است؛ تاریخ اروپا در ۸۱ سال پیش نشان داد دیکتاتوری آدولف هیتلر تا وقتی شکست به آن تحمیل نشد، جنگ را ادامه داد.

● فولکر اولریش مورخ در کتاب «هشت روز در ماه مه» می‌نویسد در ۲۴ ساعت پایانی آوریل ۱۹۴۵، ساعاتی پیش



رژه خیابانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از خودکشی هیتلر در پناهگاه مستحکم برلین، هواپیماهای آمریکایی بر فراز مونیخ اعلامیه‌های تبلیغاتی پخش کردند و از ساکنان خواستند به خیابان‌ها بیایند، حکومت نازی را سرنگون کنند و از خونریزی‌ای جلوگیری کنند که نتیجه‌اش از پیش معلوم بود.

● در پاسخ، گروه کوچکی از نیروهای لیبرال ضدنازی زیرزمینی در محل دست به شورش زدند و حتی توانستند کنترل یک ایستگاه رادیویی را به دست بگیرند. اما درخواست‌های آنان از مردان و زنان مونیخ برای پیوستن به قیام، بی‌پاسخ ماند. هیچ‌کس شورش نکرد.

● حکومت نازی تنها زمانی پایان یافت که ستون‌های ارتش آمریکا بدون مواجهه با هیچ مقاومتی وارد مرکز شهر شدند. پس از ورود آن‌ها، انبوهی از پرچم‌های سفید از بالکن‌ها و پنجره‌های مونیخ آویخته شد. ناگهان دیگر هیچ نازی‌ای در نازی‌ترین شهر آلمان باقی نمانده بود.



تصاویر ماهواره‌ای از خارک / رویترز

است؛ بحرانی که می‌تواند علاوه بر آسیب به صنعت نفت ایران، به آلودگی گسترده زیست‌محیطی در خلیج فارس منجر شود.

کارشناسان هشدار دادند، اگر ایران نتواند نفت خود را صادر کند یا ظرفیت ذخیره‌سازی جدیدی پیدا کند، ممکن است ناچار شود برخی چاه‌های نفت را تعطیل کند؛ اقدامی که می‌تواند آسیب‌های بلندمدتی به میادین نفتی وارد کند. همچنین احتمال نشت یا تخلیه نفت خام در خلیج فارس نگرانی‌های زیست‌محیطی را افزایش داده است.

کارشناسان می‌گویند ممکن است جمهوری اسلامی به دلیل فشار بر صادرات نفت، در حال تخلیه نفت در خلیج فارس باشد. همزمان شرکت «ویندوارد» اعلام کرده لکه نفتی مشاهده شده در نزدیکی جزیره خارک با سرعت حدود دو کیلومتر در ساعت به سمت جنوب شرق حرکت می‌کند و ممکن است طی روزهای آینده به آب‌های قطر و سپس امارات متحده عربی برسد.

رویترز با استناد به تصاویر ماهواره‌ای، در نزدیکی جزیره خارک، گزارش داد احتمال نشت نفت در دریا وجود دارد. در این تصاویر که بین ۱۶ تا ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ توسط ماهواره‌های «کاپرنیکوس» ثبت شده، لکه‌ای خاکستری و سفید در آب‌های غرب این جزیره دیده می‌شود.

پژوهشگر «رصدخانه منازعه و محیط زیست» گفته است که این لکه از نظر ظاهری با نفت مطابقت دارد و حدود ۴۵ کیلومتر مربع از سطح دریا را پوشش می‌دهد.

تصاویر ماهواره‌های «سنیتیل-۱»، «سنیتیل-۲» و «سنیتیل-۳» شرکت کوپرنیک در تاریخ ۶ تا ۸ ماه مه (۱۶ تا ۱۸ اردیبهشت) نشان داد که این نشت احتمالی -که در تصاویر به صورت یک لکه خاکستری و سفید دیده می‌شود- سطح آب را به طول ۸ کیلومتر (۵ مایل) پوشانده است. لئون مورلند، محقق «رصدخانه درگیری و محیط زیست»، گفت: «این لکه از نظر ظاهری با لکه نفتی مطابقت دارد.» او تخمین زد که این لکه مساحتی تقریباً ۴۵ کیلومتر مربع

حکم اعدام او به تازگی در دیوان عالی کشور تأیید شده بود. این زندانی سیاسی را چند روز پیش پس از ماه‌ها نگهداری در سلول انفرادی و اعترافات اجباری، به بهانه «ملاقات با ضابط» از بند خارج کردند و از زندان اوین به زندان قزلحصار منتقل شد. فعالان حقوق بشر هشدار داده بودند که انتقال او به زندان قزلحصار با توجه به تأیید حکم اعدام وی در دیوان عالی کشور، خطر اجرای قریب‌الوقوع حکم اعدام را در پی دارد.

عرفان شکورزاده پیشتر با ارسال یادداشتی از داخل زندان اعلام کرده که تحت شکنجه و ماه‌ها حبس انفرادی، مجبور به اعتراف اجباری بر علیه خود شده است.

سازمان حقوق بشر ایران به نقل از منابع آگاه گزارش داده روند رسیدگی به پرونده او در فضایی کاملاً امنیتی و غیرشفاف انجام شده و خانواده و افکار عمومی از جزئیات جلسات دادگاه، نحوه دفاع و مستندات اتهامات بی‌اطلاع بوده‌اند. عرفان دانشجوی نخبه رتبه اول کنکور ارشد مهندسی هوافضا، و هنگام بازداشت دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی هوافضا گرایش فناوری ماهواره دانشگاه علم و صنعت ایران بود.

خبرگزاری قوه قضاییه عرفان شکورزاده را «جاسوس مشترک سیا و مवाद» خوانده و مدعی شده بود که او «با سرویس‌های اطلاعاتی دشمن در سه مرحله اقدام به ارتباط‌گیری کرده که مرحله اول و سوم مربوط به مवाद و



مرحله دوم مربوط به سیا بوده است.» قوه قضاییه جمهوری اسلامی ادعا کرده که عرفان «به عنوان پروژه و با توجه به تخصصی که داشته، جذب یکی از سازمان‌های علمی کشور که در حوزه ماهواره فعالیت داشته، شده بود.»

قوه قضاییه جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا و از هفته دوم اسفندماه ۱۴۰۴ اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی و شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ را سرعت داده و دست‌کم ۲۹ زندانی سیاسی در این مدت اعدام شدند. اجرای احکام اعدام در حالی صورت می‌گیرد که در همه این پرونده‌ها متهمان با اتهامات واهی و پرونده‌سازی نهادهای امنیتی روبرو شده و برای اعتراف‌گیری اجباری تحت شکنجه‌های شدید جسمی و روحی قرار گرفته‌اند. همچنین مستندات کافی برای اثبات اتهام در پرونده وجود نداشته و متهم از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده است.

جمهوری اسلامی عرفان شکورزاده دانشجوی نخبه و زندانی سیاسی را «اعدام» کرد

● خبرگزاری «میزان»، رسانه قوه قضاییه جمهوری اسلامی، صبح دوشنبه، ۲۱ اردیبهشت از اجرای حکم اعدام عرفان شکورزاده، زندانی سیاسی، خبر داد.

● عرفان شکورزاده، متولد ۱۳۷۶ دانشجوی نخبه ۲۹ ساله، بهمن‌ماه ۱۴۰۳، توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) با اتهام «جاسوسی و همکاری با کشورهای متخاصم» بازداشت شد.

● او توسط دادگاه انقلاب استان تهران به اعدام محکوم شد و حکم اعدام او به تازگی در دیوان عالی کشور تأیید شده بود.

● قوه قضاییه جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا و از هفته دوم اسفندماه ۱۴۰۴ اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی و شهروندان بازداشت‌شده در

وبسایت «وای‌نت» روز یکشنبه ۱۰ ماه مه (۲۰ اردیبهشت) در تحلیلی به قلم سور پلاکر سردبیر ارشد اقتصادی این روزنامه، با مقایسه وضعیت کنونی جمهوری اسلامی با روزهای آخر آلمان نازی، هشدار داد اگر ترامپ بخواهد با صبر و حوصله منتظر بماند تا حاکمان ایران از تعصب ایدئولوژیک خود دست بردارند، ممکن است روزی برسد که بفهمد کار بیهوده‌ای کرده است؛ تاریخ اروپا در ۸۱ سال پیش نشان داد دیکتاتوری آدولف هیتلر تا وقتی شکست به آن تحمیل نشد، جنگ را ادامه داد.

به گفته کارشناسان، حکومت در ایران با شکاف و اختلاف میان دولتمردان و افراطی‌ها روبروست، اختلاف میان واقع‌گرایان و اسلام‌گرایان است. گروه دوم، که بسیاری از آنان فرماندهان سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی هستند و اکنون در جایگاه‌های عالی رهبری قرار گرفته‌اند، مانع توافق یا مصالحه با ایالات متحده می‌شوند.

به نوشته «وای‌نت» آن‌ها به‌طور فزاینده‌ای ویژگی‌های تعصب کور و افراطی را نشان می‌دهند که یادآور رژیم نازی در آلمان است؛ فاصله گرفتن از واقعیت، باور به معجزه، بی‌اعتنایی به وضعیت واقعی اقتصادی و اجتماعی مردم و ارتش کشورشان، و کشتار گسترده مخالفان حکومت. آنان حاضرند آینده ایران را قربانی کنند و نابودی آن را بپذیرند، همان‌گونه که رهبران نازی در مارس، آوریل و اوایل مه ۱۹۴۵ حاضر بودند آلمان را قربانی کنند و نابودش را بپذیرند. آن‌ها تا زمانی مقاومت کردند که سربازان متفقین با زور درهای مقرر فرماندهی‌شان را کوبیدند.

فولکر اولریش مورخ در کتاب «هشت روز در ماه مه» می‌نویسد در ۲۴ ساعت پایانی آوریل ۱۹۴۵، ساعاتی پیش از خودکشی هیتلر در پناهگاه مستحکم برلین، هواپیماهای آمریکایی بر فراز مونیخ اعلامیه‌های تبلیغاتی پخش کردند و از ساکنان خواستند به خیابان‌ها بیایند، حکومت نازی را سرنگون کنند و از خونریزی‌ای جلوگیری کنند که نتیجه‌اش از پیش معلوم بود.

در پاسخ، گروه کوچکی از نیروهای لیبرال ضدنازی زیرزمینی در محل دست به شورش زدند و حتی توانستند کنترل یک ایستگاه رادیویی را به دست بگیرند. اما درخواست‌های آنان از مردان و زنان مونیخ برای پیوستن به قیام، بی‌پاسخ ماند. هیچ‌کس شورش نکرد.

اولریش می‌نویسد: «ساکنان مونیخ و مناطق اطراف ترجیح دادند منتظر بمانند» و «نظم نازی در مدت کوتاهی دوباره برقرار شد.» شورشیان، آن‌هایی که نتوانستند فرار کنند، دستگیر و به طرزی بی‌رحمانه توسط اس‌اس کشته شدند.

حکومت نازی تنها زمانی پایان یافت که ستون‌های ارتش آمریکا بدون مواجهه با هیچ مقاومتی وارد مرکز شهر شدند. پس از ورود آن‌ها، انبوهی از پرچم‌های سفید بالکن‌ها و پنجره‌های مونیخ آویخته شد. ناگهان دیگر هیچ نازی‌ای در نازی‌ترین شهر آلمان باقی نمانده بود.

تعصب و وحشت نه‌تنها پیش از خودکشی هیتلر در ۳۰ آوریل ۱۹۴۵ بر آلمان نازی حاکم بود، بلکه پس از آن نیز ادامه یافت؛ زمانی که او به مردم آلمان دستور داده بود تسلیم نشوند و ارتش تا آخرین سرباز بجنگد. هیتلر در وصیت‌نامه خود دریاسالار کارل دونیتس، فرمانده نیروی دریایی و وفادار سرسخت به نازیسم، را به‌عنوان رئیس دولت آلمان منصوب کرد؛ کشوری که تقریباً به‌طور کامل اشغال شده بود.

اعتراضات دی ۴۰۴ را سرعت داده و دست‌کم ۲۹ زندانی سیاسی در این مدت اعدام شدند.

حکم اعدام عرفان شکورزاده دانشجوی نخبه و زندانی سیاسی سرگاه دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ در زندان قزلحصار اجرا شد. عرفان شکورزاده در سال ۱۴۰۳ با اتهام «جاسوسی و همکاری با کشورهای متخاصم» بازداشت و تحت شکنجه از او اعتراف اجباری گرفته شد.

خبرگزاری «میزان»، رسانه قوه قضاییه جمهوری اسلامی، صبح دوشنبه، ۲۱ اردیبهشت از اجرای حکم اعدام عرفان شکورزاده، زندانی سیاسی، خبر داد.

عرفان شکورزاده، متولد ۱۳۷۶ دانشجوی نخبه ۲۹ ساله، بهمن‌ماه ۱۴۰۳، توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) با اتهام «جاسوسی و همکاری با کشورهای متخاصم» بازداشت شد.

او توسط دادگاه انقلاب استان تهران به اعدام محکوم شد و

جمهوری اسلامی احسان افراشته، متخصص فناوری اطلاعات و شبکه، را اعدام کرد



احسان افراشته (افراشته)

به کارکنان، ساختار سازمانی و پروژه‌های محل فعالیت خود را به موساد منتقل کرده است. در این گزارش آمده که او در جریان سفر به نیال نیز آموزش‌هایی در حوزه ارتباط امن، رمزنگاری، جمع‌آوری اطلاعات و مستندسازی دریافت کرده بود. در ادامه ادعاهای قوه قضاییه آمده «محکوم در طول همکاری خود با موساد حداقل ماهانه ۴ الی ۵ پست الکترونیک فارغ از تماس‌های صوتی و ... با افسران اطلاعاتی موساد داشته و بیش از ۳۰۰ پیام بین آنها رد و بدل شده است.»

جمهوری اسلامی همزمان با آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا و از هفته دوم اسفند ۱۴۰۴ اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی در ایران را سرعت داده بطوریکه طی این مدت ۳۱ زندانی سیاسی را اعدام کرده است.

اجرای حکم اعدام این شمار زندانی سیاسی در این بازه زمانی پس از دهه کشتارهای قضایی دهه شصت، بی‌سابقه بوده است.

شماری ۱۳ تن از اعدام شدگان بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ بودند و دیگر زندانیان سیاسی اعدام شده نیز پیشتر بازداشت و به اعدام محکوم شده بودند و پس از جنگ روند اجرای حکم اعدام آنها در دستور کار قرار گرفت.

بر اساس گزارش منابع حقوق بشری در پرونده همه زندانیان سیاسی اعدام شده، این شهروندان با اتهامات واهی روبرو و در معرض اعتراف‌گیری اجباری زیر شکنجه قرار گرفتند. همچنین متهمان از دسترسی به وکیل انتخابی محروم بودند و در حالیکه در پرونده آنها اسناد کافی برای اثبات جرم قرار نداشت، در دادگاه به اعدام محکوم و این احکام در دیوان عالی کشور تأیید شد.

شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی به اتهام «جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی از طریق ارتباط و همکاری با عوامل سرویس اطلاعاتی موساد» صادر شد.

احسان افراشته در بند زندانیان سیاسی زندان اوین محبوس بود اما از آبان سال ۱۴۰۴ به بند ۲۴۱ زندان اوین، تحت نظارت وزارت اطلاعات، منتقل شد و از آن زنان به بعد اطلاع دقیقی از محل نگهداری او در دست نبوده است.

خبرگزاری «هرانا» پیشتر به نقل از یک منبع آگاه نوشته بود که احسان افراشته را به «جاسوسی برای اسرائیل» متهم و به اعدام محکوم کردند و از او اعترافات اجباری نیز ضبط شده است.

این منبع آگاه تأکید کرده بود که اعترافات مذکور ساختگی بوده و این زندانی اتهامات مطرح‌شده علیه خود را رد کرده است. همچنین، بخشی از دارایی‌های احسان افراشته (افراشته) و خانواده‌اش توقیف شده و خانواده وی نیز تحت فشار و تهدید نهادهای امنیتی قرار دارند.

مرکز رسانه قوه قضاییه امروز با انتشار خبر اعدام این جوان متخصص مدعی شده که او با سرویس اطلاعاتی موساد همکاری داشته و در ازای دریافت پول، اطلاعاتی را در اختیار این نهاد قرار داده است.

در گزارش خبرگزاری «میزان» همچنین ادعا شده است که وی پس از برقراری ارتباط اولیه با مأموران موساد در ترکیه، تحت آموزش‌های امنیتی و اطلاعاتی قرار گرفته و همکاری خود را ادامه داده بود.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بدون ارائه جزئیات شفاف ادعا کرده احسان افراشته (افراشته) پس از استخدام در یک شرکت وابسته به نهادهای نظامی، اطلاعات مربوط

● حکم اعدام احسان افراشته (افراشته) زندانی سیاسی ۳۲ ساله در سحرگاه روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ به اتهام «جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی از طریق ارتباط و همکاری با عوامل سرویس اطلاعاتی موساد» اجرا شد.

● احسان افراشته (افراشته)، متولد ۱۳۷۳، دانش‌آموخته مهندسی عمران و دارای مدرک کارشناسی ارشد، متخصص شبکه و فناوری اطلاعات، اهل اصفهان و ساکن تهران بود. او اوایل سال ۱۴۰۳، پس از بازگشت از ترکیه به ایران بازداشت شد و خردادماه سال گذشته در دادگاه انقلاب تهران به اعدام محکوم شد.

● یک منبع آگاه به خبرگزاری «هرانا» اعلام کرده بود که احسان افراشته (افراشته) تحت اعتراف‌گیری اجباری قرار داشته و اتهامات مطرح‌شده علیه خود را رد کرده است. همچنین، بخشی از دارایی‌های او و خانواده‌اش توقیف شده و خانواده وی نیز تحت فشار و تهدید نهادهای امنیتی قرار دارند.

● دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بدون ارائه جزئیات شفاف ادعا کرده احسان افراشته (افراشته) پس از استخدام در یک شرکت وابسته به نهادهای نظامی، اطلاعات مربوط به کارکنان، ساختار سازمانی و پروژه‌های محل فعالیت خود را به موساد منتقل کرده است.

● قوه قضاییه جمهوری اسلامی ادعا کرده او در جریان سفر به نیال نیز آموزش‌هایی در حوزه ارتباط امن، رمزنگاری، جمع‌آوری اطلاعات و مستندسازی دریافت کرده بود.

● در این گزارش آمده که او در جریان سفر به نیال نیز آموزش‌هایی در حوزه ارتباط امن، رمزنگاری، جمع‌آوری اطلاعات و مستندسازی دریافت کرده بود.

● جمهوری اسلامی همزمان با آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا و از هفته دوم اسفند ۱۴۰۴ اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی در ایران را سرعت داده بطوریکه طی این مدت ۳۱ زندانی سیاسی را اعدام کرده است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ از اجرای حکم اعدام احسان افراشته (افراشته)، دانش‌آموخته مهندسی عمران در مقطع کارشناسی ارشد و متخصص شبکه و فناوری اطلاعات، خبر داد. این متخصص فناوری اطلاعات به اتهام «جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی از طریق ارتباط و همکاری با عوامل سرویس اطلاعاتی موساد» به اعدام محکوم شده بود.

خبرگزاری «میزان»، مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضاییه، از اجرای حکم اعدام احسان افراشته (افراشته) زندانی سیاسی ۳۲ ساله در سحرگاه روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ به اتهام «جاسوسی» خبر داد. در این خبر به محل اجرای حکم اعدام احسان افراشته اشاره نشده است.

احسان افراشته (افراشته)، متولد ۱۳۷۳، دانش‌آموخته مهندسی عمران و دارای مدرک کارشناسی ارشد، متخصص شبکه و فناوری اطلاعات، اهل اصفهان و ساکن تهران بود. او اوایل سال ۱۴۰۳، پس از بازگشت از ترکیه به ایران بازداشت شد. بعد از گذشت بیش از یک سال، در خردادماه سال ۱۴۰۴ حکم اعدام احسان افراشته در

محمد عباسی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ «اعدام» شد



محمد عباسی

شنبه، همکار وی برای اعلام وکالت در پرونده در مرحله فرجام‌خواهی به شعبه ۳۹ مراجعه داشته که به وی گفته شده که به استناد تبصره ماده ۴۸ آئین دادرسی کیفری، امکان اعلام وکالت در پرونده را ندارید!

این وکیل دادگستری با اعلام وجود شبهات فراوان در این پرونده گفته بود شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور با استناد به تبصره ماده ۴۸ آئین دادرسی کیفری از پذیرش وکالت او و یکی دیگر از همکارانش در پیگیری این پرونده جلوگیری کرده است.

محمد عباسی در حالی امروز اعدام شد که دخترش فاطمه در بند زنان زندان اوین محبوس است.

جمهوری اسلامی همزمان با آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا و از هفته دوم اسفند ۱۴۰۴ اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی در ایران را سرعت داده بطوریکه محمد عباسی سی‌ودومین زندانی سیاسی است که در این فاصله اعدام شده است. اجرای حکم اعدام این شمار زندانی سیاسی در این بازه زمانی پس از دهه کشتارهای قضایی دهه شصت، بی‌سابقه بوده است.

۱۴ تن از زندانیان سیاسی اعدام شده از هفته دوم اسفند تا کنون، بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ بودند و دیگر زندانیان سیاسی اعدام شده نیز پیشتر بازداشت و به اعدام محکوم شده بودند و پس از جنگ روند اجرای حکم اعدام آنها در دستور کار قرار گرفت.

بر اساس گزارش منابع حقوق بشری در پرونده همه زندانیان سیاسی اعدام شده، این شهروندان با اتهامات واهی روبرو و در معرض اعتراف‌گیری اجباری زیر شکنجه قرار گرفتند. همچنین متهمان از دسترسی به وکیل انتخابی محروم بودند و در حالیکه در پرونده آنها اسناد کافی برای اثبات جرم قرار نداشت، در دادگاه به اعدام محکوم و این احکام در دیوان عالی کشور تأیید شد.

محمد عباسی ۵۵ ساله به اتهام «مباشرت و همکاری با اسرائیل، آمریکا و قتل یک مأمور نیروی انتظامی» در جریان اعتراضات سراسری دی ماه ۱۴۰۴ در ملارد بازداشت شد. فاطمه عباسی، ۳۴ ساله و مادر یک دختر ۱۳ ساله، به همراه پدرش بازداشت و به‌عنوان متهم ردیف دوم به اتهام «معاونت در قتل» محاکمه شد.

محمد عباسی و دخترش در نتیجه پرونده‌سازی و سناریونویسی از سوی دادستانی متهم شدند که در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۴۰۴ و در جریان اعتراضات در ملارد به یک سرهنگ نیروی انتظامی به نام شاهین دهقانی کاکاوندی حمله کرده و او را به قتل رساندند.

این دو شهروند در جریان تحقیقات مقدماتی و برگزاری دادگاه از دسترسی به وکیل محروم بودند و شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران اجازه ورود وکیل انتخابی خانواده عباسی به پرونده را نداد.

مأموران برای اخذ اعترافات اجباری از محمد عباسی او را از طریق تهدید جنسی نسبت به دخترش و اعمال شکنجه‌های جسمی وادار به اعتراف اجباری کردند.

حکم اعدام محمد عباسی و ۲۵ سال حبس دخترش اوایل اردیبهشت‌ماه جاری توسط شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تأیید شد. پس از تأیید این حکم در دیوان عالی کشور فعالان حقوق بشر درباره احتمال اجرای قریب‌الوقوع حکم اعدام محمد عباسی هشدار داده بودند.

منابع حقوق بشری پیشتر گزارش داده بودند که این پدر و دختر، در مرگ مأمور نیروی انتظامی مورد اشاره هیچ نقشی نداشته‌اند و حتی در ویدئوی منتشرشده در دادگاه نیز از این پدر و دختر در صحنه قتل این مأمور هیچ اثری وجود نداشته است.

علی شریف‌زاده اردکانی، وکیل دادگستری نیز چهارم اسفندماه ۱۴۰۴ به وبسایت «امتداد» گفته بود: «روز

حکم اعدام محمد عباسی شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ سحرگاه روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ اجرا شده است.

خبرگزاری «هرانا» به نقل از یک منبع آگاه نوشته «مسئولان زندان قزلحصار کرج از خانواده محمد عباسی خواستند که برای ملاقات با وی به زندان مراجعه کنند. اما پس از حضور خانواده در زندان، این امکان از نزدیکان او سلب شد. پس از خروج خانواده عباسی از زندان، آنها در تماسی تلفنی از اجرای حکم اعدام محمد عباسی مطلع شدند.»

محمد عباسی ۵۵ ساله به اتهام «مباشرت و همکاری با اسرائیل، آمریکا و قتل یک مأمور نیروی انتظامی» در جریان اعتراضات سراسری دی ماه ۱۴۰۴ در ملارد بازداشت شد. فاطمه عباسی، ۳۴ ساله و مادر یک دختر ۱۳ ساله، به همراه پدرش بازداشت و به‌عنوان متهم ردیف دوم به اتهام «معاونت در قتل» محاکمه شد.

محمد عباسی و دخترش در نتیجه پرونده‌سازی و سناریونویسی از سوی دادستانی متهم شدند که در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۴۰۴ و در جریان اعتراضات در ملارد به یک سرهنگ نیروی انتظامی به نام شاهین دهقانی کاکاوندی حمله کرده و او را به قتل رساندند.

مأموران برای اخذ اعترافات اجباری از محمد عباسی او را از طریق تهدید جنسی نسبت به دخترش و اعمال شکنجه‌های جسمی وادار به اعتراف اجباری کردند.

منابع حقوق بشری پیشتر گزارش داده بودند که این پدر و دختر، در مرگ مأمور نیروی انتظامی مورد اشاره هیچ نقشی نداشته‌اند و حتی در ویدئوی منتشرشده در دادگاه نیز از این پدر و دختر در صحنه قتل این مأمور هیچ اثری وجود ندارد.

جمهوری اسلامی همزمان با آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا و از هفته دوم اسفند ۱۴۰۴ اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی در ایران را سرعت داده بطوریکه محمد عباسی سی‌ودومین زندانی سیاسی است که در این فاصله اعدام شده است.

خبرگزاری «هرانا» از اجرای حکم اعدام محمد عباسی شهروند ۵۵ ساله در زندان قزلحصار خبر داده است. محمد عباسی به همراه دخترش فاطمه در اعتراضات دی ۴۰۴ در ملارد بازداشت شد. با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی و اخذ اعترافات اجباری زیر شکنجه جسمی و روحی، او به اعدام و دخترش به ۲۵ سال زندان محکوم شد.

خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش داده حکم اعدام محمد عباسی شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ سحرگاه روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ اجرا شده است.

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این زندانی سیاسی، درباره اجرای حکم اعدام محمد عباسی به خبرگزاری «هرانا» گفته «مسئولان زندان قزلحصار کرج از خانواده محمد عباسی خواستند که برای ملاقات با وی به زندان مراجعه کنند. اما پس از حضور خانواده در زندان، این امکان از نزدیکان او سلب شد. پس از خروج خانواده عباسی از زندان، آنها در تماسی تلفنی از اجرای حکم اعدام محمد عباسی مطلع شدند.»

از اینستاگرام به حاشیه خیابان؛ افزایش دستفروشی در ایران به علت قطع سراسری اینترنت

● یکی از بخش‌هایی که از قطع اینترنت آسیب بسیار جدی دید کسب‌وکارهای کوچک بخش اقتصاد دیجیتال ایران بودند که از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و پیام‌رسان‌هایی مانند تلگرام به بازاریابی و فروش و ارتباط با مشتری مشغول بودند.

● به‌علت قطع اینترنت بسیاری از صاحبان فروشگاه‌های اینترنتی ناچار شدند طی هفته‌های گذشته با چیدن بساط کنار خیابان و دستفروشی از قطع کامل درآمد خود جلوگیری کنند.

● کسانی که این روزها به دستفروشی روی آورده‌اند صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی نیستند و برخی نیز افرادی هستند که در موج اخراج نیروی کار در پی رکود ناشی از قطع اینترنت و جنگ، برای داشتن اندک درآمدی ناچار به دستفروشی هستند.

● یکی از افرادی که یک فروشگاه اینترنتی داشته در شبکه «ایکس» نوشته «تو عید دو شب مجبور شدم برم دستفروشی. نه که کار بدی باشه قبلا هم بارها همینجا گفتم یکی از کارایی که خیلی دلم می‌خواد تجربه‌اش کنم ولی اینکه بخاطر قطعی اینترنت مجبور بودم برم خیلی سخت بود. خیلی.»

● یک شهروند جوان با اشاره به اینکه دیگر به‌عنوان برنامه‌نویس کاری برای او نیست، نوشته سیستم کامپیوترش را برای فروش گذاشته تا دستفروشی را آغاز کند.

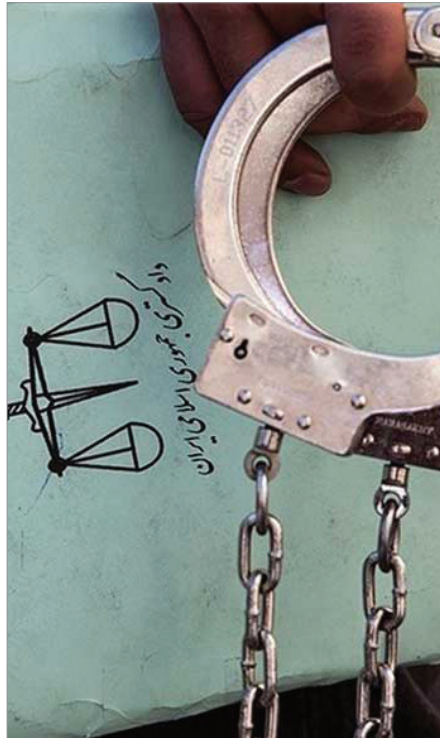
● کارشناسان معتقدند خسارت مستقیم قطعی اینترنت روزانه ۳ تا ۴۰ میلیون دلار و غیرمستقیم ۷۰ تا ۸۰ میلیون دلار است که طی ۶۰ روز به بیش از ۴ میلیارد دلار رسیده است.

قطع سراسری اینترنت جهانی در ایران که از نهم اسفندماه و همزمان با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا اجرا شده است سبب تعطیلی هزاران کسب‌وکاری شده که از طریق شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها به تبلیغ، ثبت سفارش و فروش کالا و خدمات مشغول بودند. گزارش‌ها حاکی از آنست که بسیاری از صاحبان فروشگاه‌های اینترنتی ناچار شدند طی هفته‌های گذشته با چیدن بساط کنار خیابان و دستفروشی از قطع کامل درآمد خود جلوگیری کنند.

قطع اینترنت در ایران وارد دوازدهمین هفته شده است و شهروندان ایران بیش از ساعت از دسترسی به اینترنت جهانی محروم بودند. اگر چه در هفته‌های گذشته کانفیگ و فیلترشکن‌هایی توسط شرکت‌های متصل به مافیاهای حکومتی فروخته می‌شود که به شهروندان امکان

و امنیتی با نویسندگان پس از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی اشاره کرده و نوشته بعد از جنگ هم نویسندگان و هم صداهای مخالف که مدت‌ها تحت آزار و اذیت بودند دوباره تحت ستم رژیم ایران قرار گرفته‌اند.

کارین دویچ کارلکار، مدیر برنامه «نویسندگان در معرض خطر» در «انجمن قلم آمریکا اعلام کرده که «در سالی که دستگیری نویسندگان در سراسر جهان رو به افزایش است، مقامات رژیم ایران مبارزه علیه صداهای مستقل را شدت



بخشیده‌اند.»

او افزود جمهوری اسلامی برای خاموش کردن هرگونه انتقاد و مخالفت تلاش می‌کند و شاعران، مترجمان، پژوهشگران، ترانه‌سرایان، تحلیلگران آنلاین، مدافعان حقوق بشر و ستون‌نویسان در ایران همگی هدف بازداشت و سرکوب قرار گرفته‌اند.

بر اساس گزارش «انجمن قلم آمریکا»، طی هفت سال گذشته شمار نویسندگان زندانی در جهان ۶۸ درصد افزایش یافته و این روند نشان‌دهنده تشدید مداوم سرکوب آزادی بیان و خاموش کردن صداهای منتقد در کشورهای مختلف است. جزئیات این گزارش افزوده تعداد نویسندگان زندانی جهان از سال ۲۰۱۹ به این سو، هر ساله افزایش یافته است به طوری که این شمار از ۲۳۸ نفر در سال ۲۰۱۹، به ۳۷۵ نفر در سال ۲۰۲۴ و در نهایت به ۴۰۱ نفر در سال ۲۰۲۵ رسیده است.

پس از چین و ایران، کشورهای عربستان سعودی، ویتنام، ترکیه، اسرائیل، روسیه، بلاروس، مصر و میانمار در رده‌های بعدی زندانبانان نویسندگان قرار دارند.

«انجمن قلم آمریکا» سه هفته پیش جایزه آزادی نوشتار ۲۰۲۴ خود را به دو ایرانی، گلرخ ایرایی شاعر، فعال مدنی و سیاسی، و علی اسداللهی شاعر و فعال مدنی اهدا کرد. سامر لویز، از مدیران انجمن قلم آمریکا گفت که اهدای جایزه به این دو شاعر «توجه‌ها را به آن‌ها جلب می‌کند. این دو نمادی از دور تازه سرکوب حکومت سرکوبگر، و تعقیب و محاکمه نویسندگان و فعالان اجتماعی در ایران هستند» و «این دو شجاعت و خلاقیتی را معنا می‌کنند که برای بیان آزادانه عقایدشان در برابر آزار و اذیت بی‌امان لازم داریم.»

جمهوری اسلامی؛ دومین زندان بزرگ نویسندگان در جهان

● «انجمن قلم آمریکا» با انتشار گزارش «شاخص آزادی نوشتن» اعلام کرد شمار نویسندگان زندانی در جهان برای نخستین بار از ۴۰۰ نفر عبور کرده است.

● بر اساس این گزارش ایران پس از چین و پیش از عربستان سعودی، دومین زندان نویسندگان در جهان است و تعداد زنان اهل قلم زندانی در این کشور دو برابر میانگین جهانی است.

● «انجمن قلم آمریکا» افزوده طی یک سال گذشته شمار نویسندگان زندانی در ایران از ۴۳ به ۵۳ نفر افزایش یافته است. ۳۲ درصد از نویسندگان زندانی در ایران زن هستند که رقمی معادل دو برابر میانگین جهانی است.

● کارین دویچ کارلکار، مدیر برنامه «نویسندگان در معرض خطر» در «انجمن قلم آمریکا اعلام کرده جمهوری اسلامی برای خاموش کردن هرگونه انتقاد و مخالفت تلاش می‌کند و شاعران، مترجمان، پژوهشگران، ترانه‌سرایان، تحلیلگران آنلاین، مدافعان حقوق بشر و ستون‌نویسان در ایران همگی هدف بازداشت و سرکوب قرار گرفته‌اند.

«انجمن قلم آمریکا» با انتشار گزارش «شاخص آزادی نوشتن» اعلام کرد شمار نویسندگان زندانی در جهان برای نخستین بار از ۴۰۰ نفر عبور کرده است. بر اساس این گزارش ایران پس از چین و پیش از عربستان سعودی، دومین زندان نویسندگان در جهان است و تعداد زنان اهل قلم زندانی در این کشور دو برابر میانگین جهانی است.

«انجمن قلم آمریکا» روز سه‌شنبه ۱۲ مه ۲۰۲۴ برابر با ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ در جدیدترین گزارش «شاخص آزادی نوشتن» رتبه‌بندی کشورها بر اساس این شاخص را منتشر کرد. بر اساس این گزارش چین با ۱۱۹ مورد نویسنده زندانی بزرگترین زندان نویسندگان در جهان است.

ایران در رتبه دوم این رده‌بندی قرار دارد. «انجمن قلم آمریکا» در بخشی از این گزارش با ابراز نگرانی شدید از سرکوب فزاینده نویسندگان و اهالی قلم توسط جمهوری اسلامی در یک سال گذشته اعلام کرده در این مدت شمار نویسندگان زندانی در ایران از ۴۳ به ۵۳ نفر افزایش یافته است. ۳۲ درصد از نویسندگان زندانی در ایران زن هستند که رقمی معادل دو برابر میانگین جهانی است.

حسین رونقی، پرویز صداقت، محمد مالجو، مهسا اسدالله‌نژاد، شیرین کریمی، نرگس محمدی، و سپیده قلیان از جمله افرادی هستند که در این گزارش به عنوان اهل قلم زندانی در ایران از آنها نام برده شده است.

این گزارش همچنین به تشدید برخوردهای قضایی

کاهش هزینه در بخش دستمزد است. یک کاربر «ایکس» با توضیح شرایط نوشته «صبحونه امروز رو دیشب شام خوردم، شوینده گران شده باید با لباس برم کثیف سرکار. پول خوشبو کننده ندارم، مردم در سرتاسر شهر به دستفروشی رو آوردن و با قطعی اینترنت وحشتناک شده. اگر امروز تعدیل نشم، تو راه برگشت باید با پانصد هزار تومن برای تا آخر هفته خرید کنم تا پول برای دارو ذخیره کنم.»

فعال در بستر اینترنت از دست رفتند و مشاغل بی‌کیفیت جایگزین مشاغل پایدار شدند. اکنون بر اساس گزارش خیرگزاری دولتی «ایرنا» اگر حوالی ساعت ۸ شب از بلوار کشاورز به سمت کارگر و از آنجا به سمت شمال خیابان حرکت کنید، با پدیده پرزنگ فروشندگان خیابانی روبرو می‌شوید که گرچه از قبل وجود داشته، اما حالا با دشواری فروش مجازی و مدارای شهرداری پرزنگ‌تر شده و نقاط مختلفی از تهران را تبدیل به به

اتصال به اینترنت جهانی را می‌دهد اما هزینه بسیار بالای این فیلترشکن‌ها همچنان ده‌ها میلیون شهروند ایران را از دسترسی به اینترنت جهانی محروم کرده است. خسارت اقتصادی ناشی از قطع اینترنت همچنان رو به افزایش است و روزانه میلیاردها تومان زیان در اقتصاد ایران ثبت می‌شود. کارشناسان معتقدند خسارت مستقیم قطعی اینترنت روزانه ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار و غیرمستقیم ۷۰ تا ۸۰ میلیون دلار است که طی ۶۰ روز به بیش از ۴ میلیارد دلار



الهام مراد، تسهیلگر و پژوهشگر توسعه محلی نیز نوشته «فکر می‌کنم اگر از تهران این روزها ننویسم، چیزهای مهمی را ناگفته گذاشته‌ام. این روزها و شب‌ها پیاده‌روی در مسیرهای بسیار طولانی مرکز شهر، جزئی از روتین زندگی من و توحید شده. گاهی باهم گاه یکی از ما تنها. آنقدر راه می‌رویم که وقتی رسیدیم خانه از خستگی بیهوش شویم. این هم شاید روشی برای تسکین اضطراب و نگرانی‌های این روزهاست. اما فقط خود پیاده‌روی نیست که اضطراب و نگرانی را تسکین می‌دهد. دیدن مردم. مردم به معنای عام کلمه. آن‌هایی که می‌دانی فکشان چیست، موضع سیاسی‌شان چیست، از این لحظه خوشحالند یا ناراحت، فقط تماشاگر تقلای روزمره‌شان برای زندگی کردن هستی.» این فعال اجتماعی نوشته «این روزها و بخصوص شب‌ها، به شکل قابل توجهی، دست‌فروش‌ها در شهر زیاد شده‌اند. در مسیرهای پیاده‌روی ما تقریباً تمام پیاده‌روها پر از دستفروش است. بسیاری از آن‌ها نشانه‌هایی را بروز می‌دهند که می‌توانی بفهمی هیچ وقت قبل از این دست‌فروشی نکرده‌اند و نهایت تجربه‌شان حضور در نمایشگاه‌ها یا بازارچه‌هایی بوده که شرایط معینی داشته است.»

او افزوده «عمده دست‌فروش‌های اضافه شده به این مسیر به نظر می‌رسد تولید کننده باشند یا حداقل همکار مستقیم یک تولیدکننده. دست‌فروش‌هایی که به شهر اضافه شده‌اند، اجناس بسیار با کیفیت، بعضاً با اسم و برند مشخص می‌فروشند. حدس ما این است که این روزها خیابان‌های شهر تبدیل به شعبه‌ای حضوری از اینستاگرام شده است.»

ویتزین بساط‌گرانی کرده که از اینستاگرام به خیابان کوچ اجباری کرده‌اند. یکی از افرادی که یک فروشگاه اینترنتی داشته و محصولاتش را به شهرهای مختلف کشور ارسال می‌کرده در شبهای پیش از نوروز ناچار به دستفروشی در شهر محل سکونت‌اش، آمل، شده است. او با انتشار عکسی در شبکه «ایکس» نوشته «تو عید دو شب مجبور شدم برم دستفروشی. نه که کار بدی باشه قبلاً هم بارها همینجا گفتم یکی از کارایی که خیلی دلم می‌خواد تجربه‌اش کنم ولی اینکه بخاطر قطعی اینترنت مجبور بودم برم خیلی سخت بود. خیلی.»

البته همه کسانی که این روزها به دستفروشی روی آورده‌اند صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی نیستند و برخی نیز افرادی هستند که در موج اخراج نیروی کار در پی رکود ناشی از قطع اینترنت و جنگ، برای داشتن اندک درآمدی ناچار به دستفروشی هستند.

برای نمونه یک شهروند جوان با اشاره به اینکه دیگر به‌عنوان برنامه‌نویس کاری برای او نیست، نوشته سیستم کامپیوترش را برای فروش گذاشته تا دستفروشی را آغاز کند. بر اساس گزارش‌ها آمار بیکارشدگان و اخراج‌شدگان پس از جنگ به ۴/۵ میلیون نفر رسیده است. این آمار شامل کارگران ساده تا حرفه‌ای، کارمندان، مهندسان و متخصصان فنی و حتی مدیران میانی در شرکت‌ها می‌شود. افزایش هزینه‌ها در کنار کاهش تولید و سفارش سبب شده شرکت‌ها برای دوام آوردن در این شرایط هزینه‌ها را کاهش دهند و اخراج نیروی کار یکی از نخستین اقدامات برای

رسیده است. یکی از بخش‌هایی که از قطع اینترنت آسیب بسیار جدی دید کسب‌وکارهای کوچک بخش اقتصاد دیجیتال ایران بودند که از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و پیام‌رسان‌هایی مانند تلگرام به بازاریابی و فروش و ارتباط با مشتری مشغول بودند.

رضا الفت‌نسب رئیس اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی با هشدار نسبت به تبعات تداوم قطعی اینترنت می‌گوید فروش آنلاین در برخی کسب‌وکارها تا ۷۰ درصد کاهش یافته و حدود ۲۰۰۰ شرکت تنها یک تا دو ماه تاب‌آوری دارند؛ وضعیتی که اقتصاد دیجیتال را وارد دوره‌ای از «بی‌ثباتی ساختاری» کرده است.

بخشی از این صاحبان این کسب‌وکارها که همه درآمد و معیشت‌شان وابسته به کسب‌وکارشان بوده در هفته‌های گذشته به دستفروشی محصولات و کالاهای خود در کنار خیابان روی آورده‌اند.

خیرگزاری دولتی «ایرنا» گزارش داده در حالی که بیش از دو ماه قطعی اینترنت بین‌الملل، کسب و کار بسیاری از فروشگاه‌های مجازی را به مرز تعطیلی کشانده، مشاهدات از افزایش دستفروشی و انتقال برخی فروشگاه‌ها از اینستاگرام به پیاده‌روهای تهران حکایت دارد.

ایجاد مشاغل کاذب به‌علت قطع سراسری اینترنت جهانی پیشتر از سوی یک اقتصاددان نیز مطرح شده بود. محمدرضا عبدالمهی، تحلیلگر اقتصاد کلان تأکید کرده که از دی‌ماه امسال که در جریان اعتراضات اینترنت قطع شد و بار دیگر از نهم اسفند تا کنون اینترنت قطع شده است مشاغل

چند پرسش و پاسخ دوستانه با رفقای پیشین چپ



امنیت و منافع عمومی شهروندان تعریف شده است. در ایدئولوژی مذهب محور گروه حاکم، امت ابزاری برای گسترش آرمان‌های مذهبی واپسگرا در داخل و بیرون از ایران است. مسئله عمده اجتماعی گذار از این حکومت ضدانسانی و جلوگیری از سقوط ماندگار ایران به دوران قرون وسطانی است که اقتدارگرایی سیاسی یکی از مظاهر آن است. در این رابطه باید به تفاوت میان استبداد سیاسی، که برخی از نیروهای چپ از خطر بازگشت آن صحبت می‌کنند و ایدئولوژی حاکم دقت کرد. استبداد در جوامع مدرن با محوریت انسان و ارزش‌های اومانیستی در تضاد نیست. حکومت‌های استبدادی مدرن مدعی تضمین امنیت و توسعه اجتماعی شهروندان از طریق اعمال قدرت سیاسی توسط اقلیت حاکم می‌باشند؛ در صورتی که ایدئولوژی گروه حاکم در ایران با فرهنگ انسان محور در تضاد است و درصد گسترش فرهنگ مذهب‌محور به تمامی شئون زندگی اجتماعی است.

با درک این تفاوت اساسی می‌توان نتیجه گرفت آنچه که اکنون بر جامعه ایران سایه افکنده و حاکم شده است بسیار ژرفتر و زیربنایی‌تر از استبداد سیاسی است. در بحث و جدلهای سیاسی بنابراین خطر بازگشت استبداد را نباید به‌عنوان مسئله عمده تعریف کرد. جریان‌ات سیاسی که از نظر فرهنگی و تمدنی با این رژیم در تضادند باید به‌عنوان گرایش‌های همگرا در نظر گرفته شوند و نه دشمن. توان تغییر در جامعه را نباید صرف رقابت‌های به‌دور از واقعیت کرد و به‌هدر داد. همه نیروها را باید متمرکز به براندازی رژیم ضدتاریخی جمهوری اسلامی و مسئله عمده ایران درحال حاضر کرد.

پرسش ۳: تا چه مدت زمان برای گذار از جمهوری اسلای و نجات ایران وقت باقی است؟

اجتماعی خمینی را تشکیل می‌داد از او حمایت کردند. همانطور که در پائین توضیح داده خواهد شد همین اشتباه را در موضع‌گیریهای خود، این‌بار در مورد جریان‌ات مخالف، تکرار می‌کنند شاید به‌این تصور که از اشتباه ۵۷ اجتناب کنند.

در سال ۵۷ ایران در حال گذار از جامعه ای اکثر روستائی به شهری بود. طیف گسترده ای از جمعیت ایران را مهاجرین روستائی به شهر ها تشکیل می دادند. این طیف، به دلایل گوناگون، پایه های اجتماعی ایدئولوژی مذهبی و ارتجاعی خمینی را می ساختند. محدودیت وسائل ارتباطات جمعی از سوی دیگر، نهادهای مذهبی نظیر مساجد را به نیروی بی رقیبی در گسترش نفوذ روابط اجتماعی خمینی تبدیل کرده بود. اکنون این شرایط کاملا تغییر کرده است. جمعیت ایران بیشتر شهرنشین شده و ارتباطات اجتماعی با تکنولوژی‌های جدید نظیر اینترنت دگرگون شده است. سنجش‌های میدانی نشان‌دهنده دوری‌گرفت اکثریت ایرانیان از گرایش‌های مذهبی سیاسی و خواهان حکومتی سکولار است. جمعیت تحصیلکرده در ایران جهش کم قابل توجهی داشته و جامعه ۴۷ سال تجربه مبارزه علیه استبداد دینی را پشت سر گذاشته است؛ اینها تنها جنبه‌های محدودی از تغییرات اجتماعی در ایران است که بدون توجه به آن ارزیابی از گرایش‌های سیاسی و موضعگیری درباره آنها، اشتباهی نظیر حمایت از خمینی در ۵۷ خواهد بود.

پرسش ۲: مسئله عمده ایران چیست؟ گذار از قرون وسطائی گروه حاکم یا خطر استبداد؟

مسئله عمده در ایران و مهمترین و حیاتی‌ترین مشکل اجتماعی، جدال سرنوشت‌ساز بین تمدن مدرن و ایدئولوژی مذهبی ماقبل مدرن گروه حاکم است. اساس تمدن مدرن، انسان‌محوری است و حکومت سیاسی ابزاری برای تضمین

داورپزند - نگارنده این نوشته، سالیان درازی در طیف گروه‌های چپ زندگی و فعالیت سیاسی تشکیلاتی داشته است. به دلیل این پیشینه و آشنائی با بسیاری از افراد چپ که آنها را علیرغم اشتباهات تاریخی، که خود من هم در آن سهمیم بوده‌ام، افرادی آزادخواه و میهن‌دوست می‌شناسم خود را در جایگاهی می‌بینم که بتوانم سخنی چند با آنها در شرایط سرنوشت ساز کنونی درمیان بگذارم. ضمنا باید توضیح دهم که تنها انگیزه من کمک در راه نجات ایران است و نه به گروه یا جریان سیاسی وابسته‌ام و نه دنبال جاه‌طلبی سیاسی در آینده می‌باشم.

پرسش ۱: چگونه نیروهای چپ می‌توانند اشتباه ۵۷ را تکرار نکنند؟

نیروهای چپ و مترقی در حمایت از خمینی اشتباهی بزرگ مرتکب شدند که به استقرار جمهوری اسلامی کمک بسیاری کرد. این حمایت عمدتا بر پایه مواضع سیاسی که خمینی در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها ایراد می‌کرد توجیه شد. خمینی به‌ویژه بعد از اقامت در پاریس مواضعی را در مورد آینده سیاسی ایران اظهار می‌کرد که به نظر مدرن و دموکراتیک می‌آمد. بعد از انقلاب، او تمام وعده‌های خود را زیرپا گذاشت و معلوم شد «تقیه» کرده و همه را فریب داده است!

آیا واقعا نیروهای چپ هم فریب خوردند؟ حقیقت این است که آنها فراموش کرده بودند که از دیدگاه چپ در ارزیابی سیاسی نباید به مواضع افراد اکتفا کرد. همانطور که مارکس می‌گوید «یک فرد را نباید با آنچه که درباره خود می‌گوید قضاوت کرد.» و ادامه می‌دهد: «فهم انسانها نیست که هستی آنها را تعیین می‌کند بلکه هستی اجتماعی آنهاست که فهم آنها را تعیین می‌کند.» [۱] نیروهای چپ بدون بررسی پایه‌ها و نیروهای عمده اجتماعی، که هستی

→ اهمیت این پرسش از آنجاست که برخی از افراد و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، از جمله گروه‌های چپ، دورغای درازمدتی برای تغییر و براندازی رژیم مطرح می‌کنند که برآوردن آن نیازمند چند سال زمان است. پرسش این است که آیا با ماندگاری این رژیم برای چندین سال، ایران در معرض نابودی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی قرار نخواهد گرفت؟ تا چه مدت رژیم با ادامه سیاست‌های خارجی خود، که با هویت و دوام آن گره خورده، ایران را گرفتار جنگ‌های ویرانگر نخواهد کرد؟ اقتصاد ایران در نتیجه ناکارآمدی، تحریم‌ها، فساد و ریخت‌وپاش‌های مالی و بودجه نظامی تا کی دوام آورده و دچار ورشکستگی کامل نخواهد شد؟ تا کی مردم می‌توانند فقر زاینده، بیکاری، اختناق فرهنگی و سیاسی نظیر قطع اینترنت را تحمل کنند بدون اینکه دوباره قیامی خونین در ایران رخ دهد؟

اگر صاحب‌نظران چپ در اپوزیسیون فکر می‌کنند هنوز مدت زمانی طولانی برای گذار از جمهوری اسلامی وقت است، شاید نیازی نبینند که در مواضع خود تجدید نظر کنند و نخواهند مسیر جدیدی که مناسب شرایط اضطراری امروز است، درپیش گیرند؛ ولی اگر باور دارند وقت زیادی برای نجات ایران از وضعیت کنونی باقی نیست دیگر سخن گفتن از برنامه‌های درازمدت، عقلانی نیست. به‌ویژه تکرار سیاست‌هایی که چندین دهه شکست آنها تجربه شده است و اکنون برخی در اپوزیسیون مطرح می‌کنند، نظیر ائتلاف‌های به‌اصطلاح کثرت‌گرا و رقابت و ضدیت با جریان‌های دیگر در خارج از کشور، به‌مثابه آورده‌ها را آزمودن است و خطاست. پس باید واقع‌گرائی را نفی نکرد و سیاست‌هایی اتخاذ کرد که متناسب با شرایط امروز باشد. امید بستن به اصلاحات سیاسی رژیم از طریق مبارزات مدنی و سازشکارانه نیز دور از واقعیت است. پتانسیل انقلابی در ایران به‌حدی رسیده است که حتی اندکی کاهش در سیاست سرکوب، دیوار حایل که حکومت بین خود و اکثریت مردم برافراخته است را متلاشی خواهد کرد، چه رسد به تغییراتی اساسی نظیر اصلاح انتخابات استصوابی.

پرسش ۴: برای گذار از جمهوری اسلامی چه باید کرد؟

در شرایط کنونی مهمترین پرسش این است که چگونه می‌توان جمهوری اسلامی را برانداخت و راه‌حل‌های عملی آن کدامند؟ مهمترین عوامل در براندازی رژیم برانگیختن توان ملی و جلب پشتیبانی بین‌المللی است. باتوجه به تجربیات چند دهه می‌توان گفت که برای مقابله با رژیمی که در استفاده از هیچ ابزاری برای سرکوب مردم ابا ندارد ما به آلت‌ناتیو یا بدیلی نیاز داریم که توان جلب اعتماد و پشتیبانی حداکثر مردمی و بین‌المللی را داشته باشد. بدون شک ایجاد ائتلافی با شرکت جریان‌های آزادی‌خواه مخالف رژیم و متکی به تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری جمعی از نظر آرمانی بهترین گزینه است. ولی این آلت‌ناتیو را نباید بر مبنای معیارهای آرمانی تعریف کرد. اگر به تجربه براندازی رژیم‌های دیکتاتوری در جهان نگاه کنیم خواهیم دید که این امر متناسب با شرایط موجود به اشکال مختلف صورت گرفته است. در برخی نقش احزاب و ائتلاف‌های سیاسی نقش تعیین‌کننده داشته است و در برخی دیگر شخصیت‌ها نقش مهمی داشته‌اند و در برخی دیگر هر دوی این عوامل مؤثر بوده‌اند. همچنین در مورد نقش کمک‌های خارجی، ما شاهد تجارب مختلفی هستیم. از این‌رو به‌عنوان اصل، نفی نقش شخصیت‌ها و کمک‌های خارجی با تجربه‌های تاریخی منافات دارد. عامل مهم، مشخصات ویژه هر ملت و شرایط زمانی در تغییر رژیم است. هدفی که می‌تواند پشتیبانی اکثریت مردم و جریان‌های

سیاسی را جلب کند، هدف انتخاب آزاد آینده‌ی سیاسی کشور و تضمین شرایط لازم آن است. تا زمانی که این هدف برآمده نشده سخن گفتن از اهداف دیگر انحرافی و تفرقه‌انگیز است.

در دورانی که هنوز امکان انتخاب آزاد برای مردم وجود ندارد پیشنهاد اهدافی نظیر ساختار و شکل مشخص سیاسی نظام آینده کشور، پادشاهی یا جمهوری و یا شکل فدرالی اداره کشور، نه تنها غیردموکراتیک بلکه موجب پراکندگی صفوف اپوزیسیون و مانع تحقق گسترده‌ترین همگرایی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. به عنوان مثال تا زمانی که اقوام ایرانی امکان انتخاب آزادانه نمایندگان و خواسته‌های واقعی خود را ندارند پیشنهاد اداری فدرالی کشور با آزادی انتخاب شهروندان در تضاد است و پی‌آمد آن دامن زدن به سوءتفاهم و نگرانی در میان طیف‌های اپوزیسیون خواهد بود.

پرسش ۵: حمایت مردمی از آلت‌ناتیو را چگونه باید سنجید؟

پرسش مهم در راستای ایجاد آلت‌ناتیو این است که کدام نیروهای سیاسی مخالف رژیم از پشتیبانی بالقوه و بالفعل مردمی برخوردارند. تشخیص این که چه جریانی دارای این ویژگی است بدون شک در شرایط اختناق و سرکوب با برگزاری انتخابات آزاد و یا حتی نظرسنجی ممکن نیست. در نبود این امکان این تشخیص را می‌توان از دو طریق انجام داد: اول از طریق بررسی محتوایی و دوم توجه به شواهد عینی.

برای بررسی محتوایی باید ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی جریانات مختلف در اپوزیسیون را در نظر گرفت و تشخیص داد کدامیک از آنها توان بالقوه جلب اعتماد مردمی و نفوذ در جامعه را دارند. در این مورد می‌توان از تجربه دموکراسی‌های غربی بهره برد. در این جوامع با وجود امکان وسیع برای سازماندهی و تبلیغات و رقابت سیاسی، عموم مردم عمدتاً به احزاب سنتی گرایش دارند. به‌عنوان مثال در انگلستان دو حزب کارگر و محافظه‌کار، در آمریکا احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه، در کانادا احزاب لیبرال، محافظه‌کار و دموکرات‌نو به‌طور سنتی از پشتیبانی مردمی برخوردارند و به‌ندرت اتفاق می‌افتد که حزب یا گروه جدیدی بتواند پشتیبانی سیاسی قابل توجهی کسب کند. نمونه‌های استثنائی هم در شرایطی که امکان فعالیت سیاسی آزاد برای سازماندهی و تبلیغات وجود دارد، می‌تواند رخ دهد. در دموکراسی‌های غربی طرفداری مردم از احزاب سنتی با توجه به سابقه‌ی حکومت آنها صورت می‌گیرد. مردم با توجه به دست‌آوردهای احزاب سنتی در حکومت، از آنها پشتیبانی می‌کنند.

در تاریخ معاصر ایران آزادی احزاب و فعالیت سیاسی و انتخابات آزاد تنها در دوران کوتاهی وجود داشته و در نتیجه احزابی باسابقه حکومت در ایران شکل نگرفته است. تنها پیشینه حکومت‌داری، بجز جمهوری اسلامی، که مردم از آن حافظه‌ی تاریخی دارند، تجربه حکومت خاندان پهلوی است. بدون شک این حکومت بیشترین خدمت را در تاریخ معاصر به توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی ایران کرده است. حافظه تاریخی حکومت پهلوی که نسل به نسل منتقل شده، یادآور آزادی‌های اجتماعی و پیشرفت‌های اقتصادی و امنیت در این دوران است؛ این حافظه تاریخی امید به آینده‌ای بهتر بعد از جمهوری اسلامی را جلوه‌ای واقعی و ملموس می‌بخشد. جریانی که از طرف شاهزاده رضا پهلوی رهبری می‌شود متکی به این تجربه‌ی تاریخی است و به‌طور عینی توان بالقوه جلب اعتماد و پشتیبانی مردم را دارد.

در مورد شواهد عینی آن‌چه مورد انکار و تردید مخالفین شاهزاده است کمیت و پایداری پشتیبانی مردمی است. برخی معتقدند این پشتیبانی می‌تواند گذرا باشد و مردم ممکن است در آینده کسان دیگری را صدا کنند. افرادی هم پشتیبانی مردمی از شاهزاده را به‌دلیل امکانات مالی و رسانه‌ای می‌دانند. بعضی‌ها هم معتقدند شاهزاده آنچنان که برخی رسانه‌ها تبلیغ می‌کنند طرفدار زیادی ندارد. اگر این ادعاها درست است معلوم نیست که این همه سر و صدا علیه این جریان سیاسی و دلیل مخالفت با جریانی که فاقد طرفدار قابل توجه و پایداری است، برای چیست؟ آیا نباید ادعان داشت این سرو صداها برای این است که شاهزاده پایه‌های اجتماعی قوی دارد و طرفداران او نیروی سیاسی قابل توجهی را تشکیل می‌دهد؟

از این مهمتر، احزاب و سازمانهای دیگر به‌علت عدم وجود آزادی فعالیت برای سازماندهی و تبلیغات، امکان این که مردم حتی از وجود آنها در کوتاه‌مدت مطلع شوند و اعتماد و پشتیبانی مردم را جلب کنند را ندارند. جایگاه احزاب، به‌معنی تشکیلات سیاسی، به‌گفته ماکس وبر، در سرای قدرت است. این قدرت زمانی به‌دست می‌آید که آنها بتوانند خواسته‌های قشر، طبقه، صنف یا حتی تعداد قابل توجهی از مردم را در ایران نمایندگی کنند. دورنمای سیاسی طیف چپ ارتباط تجربی و تاریخی با مردم ندارد و تنها می‌تواند اعتماد و پشتیبانی کسانی را جلب کند که خواسته‌های آنها آرمانی و ذهنی‌گرایانه است.

بهرحال با وجود انکارها و اتهامات نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد که آلت‌ناتیو سیاسی به رهبری شاهزاده تنها آلت‌ناتیوی است که از حمایت مردم، حتی به ادعای مخالفین تعداد نه چندانی، برخوردار است؛ در شرایط اضطراری کنونی، انتخاب ممکن بین رژیم و آلت‌ناتیو به رهبری شاهزاده است. آنهایی که جمهوری اسلامی را ترجیح نمی‌دهند عقل و درایت حکم می‌کند این آلت‌ناتیو را تقویت کنند.

ضدیت افراد و گروه‌های سیاسی چپ با شاهزاده رضا پهلوی به این علت نیست که آنها راه‌حل بهتر و عملی‌تری در نظر دارند. پشتیبانی از یک نظریه‌ی سیاسی که ناکارآمد است، خردمندانه نیست. به گفته مارکس در تزه‌ای درباره فویرباخ پرسش «حقیقت عینی... پرسشی تئوریک نیست بلکه پرسشی عملی است و مجادله در این باره که مجزا از عمل باشد صرفاً پرسشی سکولاستیک است.» (ت ۲) از این گفته مارکس نتیجه می‌گیرد که «فلاسفه تنها دنیا را، به‌اشکال گوناگون، تفسیر کرده‌اند ولی موضوع (مهم) تغییر آن است (ت ۱۱). متأسفانه اکثر افراد و گروه‌های چپ به نظریه‌پردازان سیاسی از نوع فلاسفه قرون وسطی بدل شده‌اند؛ فقط به بحث‌های نظری ملاطقی دلخوشند و کاری در عمل انجام نمی‌دهند. عملکرد آنها بیشتر محدود به لفاظی و نظریه‌پردازی‌های غالباً تکراری و یا متمرکز به انتقاد از دیگران شده است.

پرسش ۶: مبانی مخالفت طیف چپ با شاهزاده چیست؟

در ضدیت و مخالفت با شاهزاده نیروهای چپ همان روش نادرست در حمایت از خمینی را به‌کار می‌برند. همانطور که با اکتفا به چند نقل‌قول از خمینی حمایت کردند، اکنون نیز با تکرار چند نقل قول از اطرافیان و طرفداران، با شاهزاده مخالفت می‌کنند و نمی‌کشند از طریق تحلیلی جدی از شرایط اجتماعی ایران تشخیصی واقع‌گرایانه و زیربنائی از جریان سیاسی طرفدار شاهزاده داشته باشند.

گذشته از این که باتوجه به مواضع رسمی، حمایت ←

آلترناتیو مؤثری برای براندازی رژیم، حداقل در کوتاه مدت، ندارد. آنها تنها می‌توانند با پیوستن به آلترناتیو به رهبری شاهزاده سهم مؤثری در دوران گذار به هدف دستیابی به تأمین شرایط لازم برای انتخاب آزاد مردم ایران داشته باشند. در عین حال در این پیوند است که می‌توانند در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری‌های اپوزیسیون نقش مؤثری ایفا کنند.

اگر آنها می‌خواهند از گرایش‌هایی که به نظر آنها این آلترناتیو را از اهداف آزادیخواهانه و تکثرگرا می‌تواند منحرف کند با پیوستن به آن امکان بیشتری برای پیشگیری دارند. طیف چپ در ضدیت با این آلترناتیو نه می‌تواند کمکی به گذار از جمهوری اسلامی بکند و نه می‌تواند نفوذ مؤثر و مثبتی در سیاستگذاری‌های آن داشته باشد. امید است که طیف چپ در ایران راهی را انتخاب کند که بر پایه‌ی پیش‌دوری‌های غیرعقلانی نباشد، بلکه با در نظر گرفتن صفت‌بندی واقعی اپوزیسیون موجود راهی باشد که ایران را به سوی گذار عملی و ممکن از رژیم قرون وسطائی حاکم هدایت کند.

[i] Contribution to the Critique of Political Economy

در ایران منجر شد. امیدوارم با یادگرفتن این تجربه تلخ تاریخی جریان چپ دوباره دست به خودکشی عملی نزنند.

نتیجه‌گیری:

ایجاد آلترناتیوی قوی تأثیر تعیین‌کننده‌ای در آینده ایران دارد. این تأثیر در صحنه بین‌المللی به روشنی قابل مشاهده است. در شرایط جنگی و سرنوشت‌ساز کنونی اپوزیسیون متحد و توانمند می‌تواند اعتبار خود را به‌عنوان نیروی جایگزین اثبات کند و یکی از بازیگران اصلی در تصمیم‌گیری‌ها و روابط جهانی در مورد ایران به‌شمار بیاید. درحال حاضر نبود اپوزیسیون متحد و پرقدرت سبب شده است که در گفت‌وگوها و سیاسی‌گذاری‌های جهانی، مخالفین جمهوری اسلامی نتوانند نقش مؤثری ایفا کنند. برای گفت‌وگو و مشورت با اپوزیسیون ایران نهادها و مقام‌های جهانی از ده‌ها فرد و گروه ایرانی دعوت می‌کنند. این افراد نیز هرکدام سازخود را می‌زنند و در واقع وضع اسفبار پراکندگی و ضعف اپوزیسیون را به‌نمایش می‌گذارند. اگر نیروهای چپ بر این باور باشند که انتخاب سیاسی را باید بر اساس تجربه‌ی ۴۷ سال اخیر و واقعیت عینی اوضاع ایران اتخاذ کرد، باید بپذیرند که طیف چپ امکان ایجاد

→ از رهبری شاهزاده در دوران گذار به‌معنی حمایت از نظام پادشاهی نیست در ردّ نظام پادشاهی نیز باید بین پادشاهی‌مشروطه و سلطنت تمایز قایل شد. همچنین درباره‌ی انتقاد به انتخابی‌نبودن مقام پادشاهی باید توجه کرد که انتخاب نظام آینده در وهله‌ی اول از طریق انتخاب مردم از طرف مجلس مؤسسان و یا فرآیندوم صورت خواهد گرفت. انتخاب نظام پادشاهی مشروطه الزاما نباید مادام‌العمر باشد. امکان برگزاری فرآیند برای گذار می‌تواند از جمله شرایط گزینش پادشاهی‌مشروطه در ایران باشد. تاکنون در ۲۴ کشور در جهان فرآیند برای گذار از پادشاهی انجام یافته که ۵۰ درصد آن نیز موفق بوده است.

از سوی دیگر انتخابی‌بودن قدرت حاکمه از دیدگاه سنتی چپ برای تحقق دموکراسی نقش تعیین‌کننده ندارد. جریان چپ همواره ماهیت دموکراتیک انتخابات در جوامع لیبرال دموکراتیک را انتقاد و نفی کرده است. از دیدگاه انتقادی چپ، در این انتخابات قدرت مالی و رسانه‌ای و فرهنگی اقلیتی محدود، از جمله در انتخابات ریاست جمهوری، نقش تعیین‌کننده دارد. بنابراین آنچه مهم است شرایط زیربنائی جامعه و وجود تضمین‌های لازم برای پیشبرد دموکراسی، از جمله آزادی تشکیل احزاب سیاسی، سندیکاها و نهادهای مدنی در جامعه است. از دیدگاه چپ، هدف تغییرات اساسی و زیربنائی، گسترش عدالت اجتماعی و همچنین پرتوان کردن مردم در تعیین سرنوشت خود است. این هدف از طریق تقویت نهادهای مدنی نظیر سندیکاها و احزاب می‌تواند صورت گیرد. از این منظر، امر مهم تغییر زیربنائی جامعه و پشتیبانی از امکانات عملی براندازی رژیم موجود و سد راه این تغییر است.

برحسب تئوری جامعه‌شناسی، نهاد اجتماعی تا زمانی که نقش مؤثر در ثبات اجتماعی دارد، ماندگار خواهد بود. نهاد پادشاهی در گذشته نقش مؤثری در همبستگی اجتماعی و ثبات جامعه در ایران داشته است و زمانی این نقش را از دست خواهد داد که نهادی جایگزین این نقش را بهتر و مؤثرتر انجام دهد. فراهم کردن این جایگزینی باتوجه به شرایط کنونی و کمبود پیشینه تاریخی مردم سالاری در ایران، نیازمند روندی درازمدت است که بدون شک در دوران گذار از جمهوری اسلامی تحقق نخواهد یافت.

به آن افراد و گروه‌های چپ که در حمایت از رهبری شاهزاده تردید دارند و فکر می‌کنند از موضع چپ علی‌الاصول در هیچ شرایطی نباید به این حمایت رو آورد شاید یادآوری تجربه اسپانیا در گذار از دیکتاتوری به دموکراسی مفید باشد. در اسپانیا رهبران احزاب چپ از خوان کارلوس پادشاه اسپانیا در گذار به دموکراسی حمایت کردند چون آن‌را تنها راه ممکن تشخیص دادند. کاریلو رهبر حزب کمونیست اسپانیا که به‌رسمیت دادن سلطنت مشروطه در قانون اساسی اسپانیا رأی مثبت داد بعداً در توضیح موضع خود گفت که «انتخاب بین جمهوری و سلطنت نبود بلکه بین دیکتاتوری و دموکراسی بود». کلادیو سانچز البورنز، تاریخ‌دان و رهبر سابق دولت جمهوری خواه در تبعید اذعان کرد که «اگر کسی اسپانیایی وطن‌پرست است باید سلطنت طلب باشد». دان کارلوس پادشاه اسپانیا که کمک شایانی به گذار اسپانیا به دموکراسی انجام داده بود، به‌دنبال اتهامات فساد مالی از جمله دریافت رشوه از مقام خود در سال ۲۰۱۴ استعفا داد. در انقلاب مشروطه آزادیخواهان و حتی جریان‌های چپ‌گرا با تشخیص موقعیت و شرایط اجتماعی ایران نه تنها سلطنت مشروطه را برگزیدند بلکه حتی به محدودکردن آن در چهارچوب مذهب تن در دادند. عدم تشخیص این شرایط متأسفانه به تراژدی ۵۷ و نابودی کلیه جریان‌های مدرن سیاسی از جمله جریان چپ

چیزهایی که داریم و چیزهایی که نداریم



نمایش «زال و سیمرغ» در پاریس



داریوش فائزی و افسانه صرفه‌جو

در چند جشنواره‌ی بین‌المللی از جمله جشنواره‌ی Fringe در شهر نیویورک در سال ۲۰۱۶ در نمایش «در» The door به روی صحنه رفت. او همچنین به در مقام کارگردان چهار نمایش را تا امروز به روی صحنه برده است.

افسانه صرفه‌جو، دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ادبیات دراماتیک و کارشناسی ارشد کارگردانی است. او بیشتر به واسطه‌ی طراحی صحنه و لباس در سینما و تئاتر ایران شناخته می‌شود. افسانه صرفه‌جو اولین اثر خود را در مقام نویسنده و کارگردان در سال ۱۳۸۶ به روی صحنه برد و تا امروز چندین اثر با نویسندگی و کارگردانی او در ایران و فستیوال‌های مختلف در خارج از ایران به روی صحنه رفته است.

داریوش فائزی، نمایشنامه‌نویس، کارگردان و بازیگر است. او دارای مدرک کارشناسی تئاتر و دکترای مدیریت بوده و فعالیت حرفه‌ای خود را از اوایل دهه ۹۰ میلادی آغاز کرده است. داریوش فائزی در کارنامه خود بیش از ۴۴ اثر نمایشی و همچنین جایزه Phoenix از Actors Space بارسلونا اسپانیا دارد.

صالح علوی‌زاده، نویسنده، کارگردان و بازیگر، دانش‌آموخته رشته ادبیات نمایشی در ایران است. او ۱۰ سال در حوزه تئاتر و سینما فعالیت کرده و پنج فیلم کوتاه و یک فیلم بلند در کارنامه خود دارد.

مهدیه صدرنژاد، دانش‌آموخته‌ی کارگردانی تئاتر از دانشگاه هنر تهران است و سابقه‌ی تدریس هنر و نمایش در مدارس دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی در ایران را در کارنامه خود دارد.

این هنرمندان همگی ساکن پاریس هستند. نمایش زال و سیمرغ در روز ۱۰ ماه می ۲۰۲۶ در کتابفروشی ناکجا به روی صحنه رفت و با استقبال فراوان کودکان و همچنین بزرگسالان روبرو شد.

تربیت فرزندانشان قرار داده‌اند، به ویژه زوج‌هایی که همسرانی غیر ایرانی دارند، از طریق آموزش زبان فارسی راهی پیدا کرده‌اند تا تاریخ و تمدن سرزمینی که از آن رانده شده‌اند را به فرزندان خود بیاموزند.

کتابفروشی «ناکجا» در پاریس کارگاه زبان فارسی برای کودکان برپا کرده است. کودکان در این کارگاه زبان فارسی را باقصه و بازی می‌آموزند. مربیان این کارگاه با خلاقیت متون کهن را ساده‌سازی کرده‌اند تا کودکان در کنار زبان فارسی با تاریخ ایران نیز آشنا شوند.

روز یکشنبه ۱۰ مه ۲۰۲۶ نمایش عروسکی «زال و سیمرغ» در کتابفروشی «ناکجا» برای کودکان به روی صحنه رفت.

بازیگران و بازی‌دهندگان عروسک در این نمایش، افسانه صرفه‌جو، داریوش فائزی، صالح علوی‌زاده و مهدیه صدرنژاد به همراه علیرضا بنایی نوازنده تمبک بودند. ساخت عروسک‌ها را جهان نور مهربخش انجام داده بود و نویسندگی و کارگردانی نمایش به عهده شیوا ابراهیمی بود.

شیوا ابراهیمی نویسنده و کارگردان این نمایش می‌گوید: «قصه‌های شاهنامه برای کودکان سنگین و خشن است، از این رو ما تصمیم گرفتیم در قصه‌گویی از شیوه‌هایی استفاده کنیم تا داستان را ساده کنیم و دلیل اتفاقات را تا حدودی برای کودکان توضیح دهیم. مثلا در قصه زال و سیمرغ، پدری کودکش را در کوه می‌گذارد و می‌رود و ما باید برای کودکان توضیح دهیم که دلیل اینکار چیست. شیوا ابراهیمی دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی تئاتر در دانشکده‌ی سینما تئاتر دانشگاه هنر تهران است. او فعالیت بازیگری خود را با تئاتر دانشجویی آغاز کرد و رفته رفته به صحنه‌ی تئاتر حرفه‌ای راه پیدا کرد. شیوا ابراهیمی در طول بیست و شش سال فعالیت حرفه‌ای خود به عنوان بازیگر در نمایش‌های متعددی ایفای نقش کرده و بجز صحنه تئاتر در سینما و تلویزیون نیز فعالیت مستمر داشته است. او

● روز یکشنبه ۱۰ مه ۲۰۲۶ نمایش عروسکی «زال و سیمرغ» در کتابفروشی «ناکجا» برای کودکان به روی صحنه رفت.

● بازیگران و بازی‌دهندگان عروسک در این نمایش، افسانه صرفه‌جو، داریوش فائزی، صالح علوی‌زاده و مهدیه صدرنژاد به همراه علیرضا بنایی نوازنده تمبک بودند. ساخت عروسک‌ها را جهان نور مهربخش انجام داده بود و نویسندگی و کارگردانی نمایش به عهده شیوا ابراهیمی بود.

● کتابفروشی «ناکجا» در پاریس کارگاه زبان فارسی برای کودکان برپا کرده است. کودکان در این کارگاه زبان فارسی را باقصه و بازی می‌آموزند. مربیان این کارگاه با خلاقیت متون کهن را ساده‌سازی کرده‌اند تا کودکان در کنار زبان فارسی با تاریخ ایران نیز آشنا شوند. -

کتابیون حلاجان

«گرت هیچ سختی به‌روی آورند
 وَر از نیک و بد گفت و گوی آورند
 برآتش برافگن یکی پر من
 ببینی هم اندر زمان فر من»

قرن‌ها گذشت از زمانی که فردوسی نوشت «بناهای آباد گردد خراب ز باران و ز تابش آفتاب، پی افکنم از نظم کاخی بلند که از باد و بارانش نیاید گزند». امروز می‌بینیم که شاهنامه فردوسی در گذر زمان چگونه بر دل تاریخ ایران نشست است و فارسی‌زبانان در هر جای دنیا که هستند داستان‌های آن را از دل و جان می‌خوانند و بازگو می‌کنند.

در قصه شاهنامه زمانی که زال می‌خواست از سیمرغ خداحافظی کند، سیمرغ یکی از پره‌های خود را به زال می‌دهد و می‌گوید: هر وقت در تنگنای زندگی قرار گرفتی پر را آتش بزنی تا من به یاری‌ات بشتابم.

زمانی که زال همسرش رودابه را در بستر مرگ دید، پر را به آتش کشید تا سیمرغ به کمک اش بشتابد. سیمرغ پس از آن پر دیگری به او داد که زال آن را به رستم سپرد. رستم در جنگ با اسفندیار پر دوم را آتش زد و گویا پر سوم را دریافت کرد. راویان می‌گویند سرنوشت آن پر سوم در شاهنامه نامعلوم است و اشاره‌ای به آن نشده است.

ایرانیان در راستای آتش زدن این پر سوم، افسانه‌ها ساخته‌اند تا جایی که شاعر ایرانی هوشنگ ابتهاج می‌گوید: تاریخ گواه این مدعاست. ایران خانه‌ی سیمرغ است و ما نوادگان رستم و زالیم... سومین پر سیمرغ را به آتش خواهیم کشید، تا سیمرغ خرد، شادی و سعادت‌مندی، از پس این ظلام وحشت و تیره روزی بر فلات ایران لبخند بزند. ما وارثان پر سوم سیمرغ هستیم.

یادآوری و خوانش متون کهن و لزوم تکرار آن برای نسل‌های آینده در اکثر فرهنگ‌ها رایج است، زیرا تاریخ و تمدن هر سرزمینی را در آثار به جای مانده از آن می‌توان بازشناخت.

نزدیک به ۴۸ سال است که ایرانیان بی‌شماری مجبور به مهاجرت از سرزمینشان شده‌اند و در کشورهای مختلف زندگی خود را از نو ساخته‌اند. اکثراً مهاجران به خصوص نسل‌های جدید، با وسواس یادگیری زبان فارسی را در الویت

بیماران در ایران، سرگردان میان گرانی و کمبود دارو



حدود دو-سه ماه پیش نزدیک به ۱۷ میلیون تومان قیمت داشت، حالا به حدود ۴۸ تا ۴۹ میلیون تومان رسیده است. در مورد دارویی مثل «مایفورتیک» برای بیماران پیوند کلیه، افزایش قیمت تا چند برابر بوده و در بسیاری از موارد، بیمه‌های پایه این هزینه‌ها را پوشش نمی‌دهند.»

او افزوده «این مشکل حتی به داروهای پرمصرف نیز رسیده است، از جمله انسولین؛ که در ماه‌های اخیر شاهد افزایش هزینه برای بیماران بوده‌ایم، در حالی که پوشش بیمه‌ای با تأخیر اعمال شده است.»

همچنین فاطمه پوررضاقلی، دبیر انجمن پیوند کلیه ایران، اعلام کرده «در حوزه آنتی‌بیوتیک‌ها با مشکلاتی مواجه هستیم و برخی از این داروها بسیار نایاب شده‌اند.»

دبیر انجمن پیوند کلیه ایران با بیان اینکه «در حال حاضر نیز کمبود برخی داروهای عمومی و در دسترس، به تدریج محسوس شده» گفته «بخشی از ذخایر دارویی و بیمارستانی طی ماه‌های گذشته مصرف شده و اگر گشایشی در روند تأمین دارو ایجاد نشود، احتمال بروز مشکلات جدی در آینده وجود دارد.»

مهدی زحمتکش، رئیس انجمن داروسازان خراسان «رضوی» هم اعلام کرده پس از جنگ قیمت برخی اقلام دارویی تا ۴۰۰ درصد افزایش یافته است: «با کمبود داروی بیماران خاص و صعب‌العلاج، اعصاب، قلبی و تنفسی مواجهیم و قیمت برخی داروها بین ۲۰ تا ۴۰۰ درصد افزایش یافته است.»

رئیس انجمن داروسازان خراسان «رضوی» افزوده که «در حال حاضر مشکل عمده در کمبود دارو، مربوط به داروخانه‌های خاص است که در کار تأمین داروهای حیاتی و خاص بیماران سخت‌درمان [صعب‌العلاج] هستند.»

سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، نیز با اشاره به کمبود اقلام دارویی در ایران گفته «اگر مدیریت صحیح در حوزه دارو صورت نگیرد، کشور با بحران جدی در برخی اقلام دارویی مواجه خواهد شد و احتمال شکل‌گیری بازار سیاه وجود دارد و لازم است داروها به صورت برنامه‌ریزی شده، طبقه‌بندی شده و بهینه توزیع و مصرف شوند.»

ورق پیدا کنند. سمت شمال تهران هم یک نفر وعده داد با قیمت زیاد شاید بتواند یک ورق برایم تهیه کند. همین مقدار هنوز به دستم نرسیده است اما می‌تواند کمک کند از دکتر وقت بگیرم و درخواست کنم دارویی را که حالا در دسترس قرار دارد برایم تجویز کند. داروی فشار خون داروی، روزمره من و خیلی‌های دیگر است؛ یعنی اگر روزی دپرتو مصرف کنم یا اگر نداشته باشم آن روز دیگر یک آدم عادی نیستم مستأصل و ناکارآمد هستم.»

کمبود این داروها در حالی با سلامت و جان بیماران بازی می‌کند که محمد هاشمی سخنگوی سازمان غذا و دارو در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته «داروهایی مانند متی‌مازول، متوپرولول، وارفارین، مایفورتیک، انسولین و متفورمین که بیماران به‌صورت مادام‌العمر به آنها وابسته‌اند، در گروه اولویت‌های تخصیص ارز ترجیحی قرار دارند.»

سخنگوی سازمان غذا و دارو در توضیح به «شرق» گفته «آنچه گاهی به عنوان کمبود در سطح داروخانه‌ها گزارش می‌شود، بیشتر ناشی از نوسانات موقت در زنجیره توزیع یا افزایش تقاضای منطقه‌ای است.»

این در حالیست که اکنون هفته‌ها از آتش‌پس پس از جنگ ۴۰ روزه گذشته و به قاعده باید زنجیره توزیع به حالت عادی بازگشته باشد. از سوی دیگر سخنگوی سازمان غذا و دارو توضیح نداده چرا تقاضای منطقه‌ای افزایش یافته و چرا بیشتر تقاضای منطقه‌ای مشکل ایجاد می‌کند.

داروسازان و فعالان صنعت دارو اما معتقدند مشکل اساسی در عدم تأمین ارز مورد نیاز دارو است. در همین رابطه محمد طاهری، داروساز، در گفتگو با وبسایت «رویداد ۲۴» گفته «در گام‌های نخست، داروهای عمومی و بدون نسخه از شمول ارز ترجیحی خارج شدند، اما به تدریج این سیاست به داروهایی که تولید داخلی داشتند هم رسید؛ یعنی نمونه‌های خارجی آن‌ها دیگر مشمول حمایت نشدند. در ماه‌های اخیر حتی برخی داروهای خارجی هم از شمول حمایت خارج شده‌اند و این موضوع افزایش ناگهانی قیمت‌ها را در داروخانه‌ها رقم زده است.»

این داروساز توضیح داده «دارویی مانند «اکسجوا» که

● «انسولین» که با قیمت دولتی زیر ۲۰ هزار تومان فروخته می‌شد، در روزهای اخیر به بالاتر از ۳۰۰ هزار تومان رسیده است. برخی از این انسولین‌ها مانند «رایزودگ» هم هیچ مشابه داخلی ندارند. هر بسته قرص «متفورمین» نیز که جزو رایج‌ترین قرص‌های بیماران دیابتی محسوب می‌شود، از ۱۷۰ هزار تومان به مرز ۵۰۰ هزار تومان رسیده است.

● بسیاری از بیماران مدتها برای یافتن دارو سرگردان هستند و حتی شبکه‌ای از دوست و آشنا برای یافتن دارو همکاری و تلاش می‌کنند.

● یک مادر باردار که به پرکاری تیروئید مبتلاست گفته دکتر برای او متی‌مازول تجویز کرده و یک‌ماه‌ونیم اول مشکل چندانی برای خرید دارو نداشته اما به مرور اوضاع سخت شد تا فروردین امسال که دیگر نایاب شد. او گفته خودش و همسرش به شدت نگران هستند، چون مصرف این دارو برای او و جنین بسیار مهم و حیاتی است.

در ادامه افزایش قیمت دارو در ایران قیمت «انسولین» از ۲۰ هزار تومان به ۳۰۰ هزار و هر بسته قرص «متفورمین» از ۱۷۰ هزار تومان به مرز ۵۰۰ هزار تومان رسیده است.

روزنامه «شرق» چاپ تهران در گزارشی به کمبود دارو و مشکل بیماران، به‌ویژه بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص، برای یافتن داروهایی که غیر از کیمیا و نایاب شدن با افزایش قیمت هم روبرو هستند پرداخته است.

در این گزارش آمده «انسولین» که با قیمت دولتی زیر ۲۰ هزار تومان فروخته می‌شد، در روزهای اخیر به بالاتر از ۳۰۰ هزار تومان رسیده است. برخی از این انسولین‌ها مانند «رایزودگ» هم هیچ مشابه داخلی ندارند. هر بسته قرص «متفورمین» نیز که جزو رایج‌ترین قرص‌های بیماران دیابتی محسوب می‌شود، از ۱۷۰ هزار تومان به مرز ۵۰۰ هزار تومان رسیده است.

«مریم» زن باردار، به پرکاری تیروئید در طول بارداری مبتلا شده است و به همین دلیل از دو ماه پیش، پزشک برایش متی‌مازول تجویز کرده است؛ دارویی که از میانه فروردین تا امروز به دشواری پیدا شده است: «من با علائم کاهش وزن، ضربان قلب بالا، تعریق زیاد و اضطراب فراوان به دکتر مراجعه کردم. اوایل تصور این بود که به خاطر بارداری است و نباید موضوع خاصی باشد اما با چند آزمایش مشخص شد مبتلا به تیروئید پرکار دوران بارداری شده‌ام.

دکتر برای ماه‌های دوم و سوم داروی «پروپیل تیوراسیل» را نوشت، اما از آغاز ماه چهارم قرار شد متی‌مازول بخورم. یک‌ماه‌ونیم اول مشکل چندانی نداشتیم اما به مرور اوضاع سخت شد تا فروردین امسال که دیگر نایاب شد. من و همسر به شدت نگران هستیم، چون مصرف این دارو برای خودم و جنین بسیار مهم و حیاتی است.»

بسیاری از بیماران مدتها برای یافتن دارو سرگردان هستند و حتی شبکه‌ای از دوست و آشنا برای یافتن دارو همکاری و تلاش می‌کنند. در همین رابطه روزنامه «شرق» به نقل از یک زن ۵۳ ساله مبتلا به فشار خون که داروی «متوپرولول» مصرف می‌کند نوشته «وقتی دیدم فقط یک ورق از قرص مانده است، به سراغ داروخانه رفتم تا به‌سرعت یکی، دو بسته تهیه کنم که تیرم به سنگ خورد؛ بنابراین گروه جست‌وجو تشکیل دادم. خواهر پزشکم از دوستان داروسازش در غرب تهران پرسید و جواب منفی گرفت. دوست وکیل‌م اما خوش‌شانس‌تر بود و آشناها در حوالی تهرانپارس توانستند یک

قیمت دارو در ایران پس از جنگ ۴۰ روزه تا ۳۰۰ درصد افزایش یافت



● برخی اقلام دارویی در ایران طی دو ماه و نیم گذشته و پس از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی بین ۳۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته و بیماران خاص، به‌ویژه بیماران سرطانی، با فشار سنگین هزینه درمان روبرو هستند.

● روزنامه «اعتماد» چاپ تهران گزارش داده اختلال در تنگه هرمز و مسیرهای هوایی، توقف محموله‌ها در ترکیه، جهش ارز نیمايي و فشار بر بیمه‌ها، زنجیره تأمین دارو را از چند جهت تحت فشار گذاشته است.

● بر اساس این گزارش روایت‌های بیماران از نبود کیت آزمایش، کمیابی انسولین، افزایش چندبرابری قیمت داروهای حیاتی و توقف واردات برخی داروهای سرطان، سبب سرگردانی بیماران شده و نشان از وضعیت بحرانی درمان در ایران دارد.

● مهدی پیرصالحی، معاون وزیر بهداشت و رئیس سازمان غذا و دارو، گفته هزینه تولید دارو تحت تأثیر افزایش قیمت مواد اولیه، بسته‌بندی و نهادهای صنعتی به‌شدت بالا رفته و برای حفظ زنجیره تأمین، افزایش قیمت‌ها «ضروری» بوده است.

شده‌اند و بخشی از واحدهای تولیدی به دلیل آسیب‌های زیرساختی و مشکلات تأمین مواد اولیه، موقتاً یا دائماً از چرخه تولید خارج شده‌اند.

در همین حال، دبیر انجمن صنعت پخش دارو اعلام کرده حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد داروها با افزایش قیمت مواجه شده‌اند و تغییر سیاست‌های ارزی، از جمله جایگزینی ارز توافقی به‌جای ارز ترجیحی برای مواد اولیه، فشار هزینه‌ها را افزایش داده است.

سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، با اشاره به کمبود اقلام دارویی در ایران گفته «اگر مدیریت صحیح در حوزه دارو صورت نگیرد، کشور با بحران جدی در برخی اقلام دارویی مواجه خواهد شد و احتمال شکل‌گیری بازار سیاه وجود دارد و لازم است داروها به صورت برنامه‌ریزی شده، طبقه‌بندی شده و بهینه توزیع و مصرف شوند.»

محمد جمالیان عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی معتقد است افزایش هزینه واردات و تولید عامل افزایش قیمت دارو است و افزود «باید میان «گرانی دارو» و «نبود دارو» یکی را انتخاب کنیم و چاره‌ای جز افزایش قیمت نداریم.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «افزایش قیمت دارو اجتناب‌ناپذیر است و اگر بخواهیم از طریق فشار مهار کنیم، یقیناً تولید متوقف شده و ناچار به واردات با قیمت بسیار بالاتر خواهیم شد. پیشنهاد ما این بود که مجوز افزایش قیمت دارو به سرعت صادر گردد، اما همزمان تحت پوشش بیمه‌ها قرار گیرد و از جیب مردم پرداخت نشود.»

محمد جمالیان تأکید کرده «مهم‌ترین نکته این است که باید میان «گرانی دارو» یا «نبود دارو» یکی را برگزینیم؛ و یقیناً وجود دارو با قیمت بالاتر، در شرایط کنونی کشور، حیاتی‌تر است. به همین دلیل، لازم است که اجازه دهیم قیمت داروها افزایش یابد، مشروط بر اینکه این افزایش قیمت توسط بیمه‌ها پوشش داده شود.»

نرخ غیرارانه‌ای به ۳۰ میلیون تومان رسیده است. در این گزارش، بیماران دیگری نیز از چند برابر شدن قیمت داروهای تیروئید، افسردگی و روماتیسم گفته‌اند.

یک شهروند به «اعتماد» گفته «۹ فروردین درست در میانه جنگ مهره گردن مادرم شکست و مجبور شدیم با وجود مہاران و موشک‌باران مادرم را در بیمارستان بستری کنیم. قبل از بستری بیمارستان مبلغی را ۲۵ میلیون تومان اعلام کرد، اما سه روز بعد این مبلغ را به ۴۵ میلیون تومان افزایش داد و به نظر می‌رسید به دلیل شرایط خاص جنگی یک‌باره تعرفه‌های خود را افزایش داده بود.»

اعتراض کردم، اما این اعتراض به جایی نرسید و ۴ قلم دارویی که پزشک برای مادرم تجویز کرد را به مبلغ ۳ میلیون تومان تهیه کردم. این در حالی بود که قیمت این داروها پیش از جنگ یک‌سوم قیمت بود.»

روزنامه «اعتماد» تأکید کرده «نگرانی از باز نشدن مسیر واردات در کنار کمبود مواد اولیه مورد نیاز برای تولید دارو، کاهش ارزش پول ملی ایران و کاهش ذخایر ارزی دولت در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی و زندگی روزمره مردم ایران موثر بوده، اما در مورد قیمت و در دسترس بودن دارو به شکل قابل ملاحظه‌ای اوضاع از حوزه‌های دیگر بدتر است.»

همانطور که در گزارش روزنامه «اعتماد» اشاره شده افزایش قیمت دارو به شکل فزاینده‌ای بحران تأمین هزینه درمان برای بیماران را تشدید کرده است.

مهدی پیرصالحی، معاون وزیر بهداشت و رئیس سازمان غذا و دارو، نیز از افزایش شدید قیمت نهادهای دارویی و تجهیزات پزشکی و همچنین کمبود برخی اقلام تولیدی خبر داده است. او گفته است هزینه تولید دارو تحت تأثیر افزایش قیمت مواد اولیه، بسته‌بندی و نهادهای صنعتی به‌شدت بالا رفته و برای حفظ زنجیره تأمین، افزایش قیمت‌ها «ضروری» بوده است.

به گفته او، برخی تولیدکنندگان دارو نیز خواستار افزایش‌های بیشتری برای پوشش کامل هزینه‌های تولید

گزارش‌ها حاکی از آنست که برخی اقلام دارویی در ایران طی دو ماه و نیم گذشته و پس از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی بین ۳۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته و بیماران خاص، به‌ویژه بیماران سرطانی، با فشار سنگین هزینه درمان روبرو هستند.

با گذشت چند هفته از آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و آمریکا اما همچنان بازار دارو در ایران با بحران افزایش قیمت و کمبود روبروست.

روزنامه «اعتماد» چاپ تهران در شماره روز شنبه ۱۹ اردیبهشت در گزارشی به وضعیت گرانی و کمبود دارو در کشور پرداخته است. در این گزارش آمده اختلال در تنگه هرمز و مسیرهای هوایی، توقف محموله‌ها در ترکیه، جهش ارز نیمايي و فشار بر بیمه‌ها، زنجیره تأمین دارو را از چند جهت تحت فشار گذاشته است.

بر اساس این گزارش روایت‌های بیماران از نبود کیت آزمایش، کمیابی انسولین، افزایش چندبرابری قیمت داروهای حیاتی و توقف واردات برخی داروهای سرطان، سبب سرگردانی بیماران شده و نشان از وضعیت بحرانی درمان در ایران دارد.

هادی احمدی، سخنگو و عضو هیئت مدیره انجمن داروسازان ایران، به «اعتماد» گفته «آسیب جنگ به صنعت داروسازی «قابل ملاحظه» است و شرکت «توفیق دارو» تولیدکننده مواد اولیه برخی داروهای بیمارستانی، به‌طور کامل تخریب شده و باید از نو ساخته شود. از آنجا که این واحد برای تولید ماده اولیه داروهای بیمارستانی فعالیت می‌کرد، ممکن است در آینده خدش‌های به چرخه داروسازی وارد شود.»

جمهوری اسلامی از کارخانه‌ها و انستیتوهای تولید دارو برای تولید سلاح‌های بیولوژیکی استفاده می‌کرده و به همین علت شماری از این مراکز از جمله انستیتو پاستور در جنگ ۴۰ روزه مورد حمله نظامی قرار گرفتند.

روزنامه «اعتماد» همچنین از قول یک بیمار سرطانی نوشته داروی «اکسجوا» که پیش از جنگ با حمایت بیمه کمتر از یک میلیون تومان تهیه می‌شد، اکنون با

دکترین جدید جمهوری اسلامی چیست؟



تأمل نمی‌کند. مشاهده می‌شود رژیم جمهوری اسلامی هم دقیقاً به سرنوشت مجاهدین خلق دچار شده و با یک «رهبر مجازی» به‌کار خود ادامه می‌دهد و پزشک‌های و عراقچی هم ادای ملاقات با این رهبر مجازی را درمی‌آورند. دروغ‌هایشان از وصف این رهبر، ناشیانه‌تر از آن است که حتی کودکان را فریب دهد.

چقدر دست سرنوشت، پسر خامنه‌ای را دقیقاً شبیه مسعود رجوی کرده که مدعی‌اند مجتبی وضعیت جسمی و سر و صورت مناسبی برای تمایش در مقابل دوربین ندارد. همانطوری که مجاهدین هم با افتخار اعلام می‌کنند رجوی بر اثر بیماری‌های مقاربتی، بدشکل و بدریخت شده و نمی‌شود نشان داد! باز از او فایل‌های صوتی می‌سازند اما برای پسر خامنه‌ای این هم مقدر نیست چون تولید ابهامات بیشتری می‌کنند.

با این تفاسیر آنچه وقوعش قطعی است حرکت ایران به یک وضعیت فاجعه‌بارتری است که رژیم مستقر در آن، علاوه بر تروریستی بودن، ورشکسته و بی‌اراده هم هست. اما باین وجود دستگاه سرکوبش با تکیه بر طرفداران ایدئولوژیک خود همچنان مؤثر عمل می‌کند. در این میان ضروریست تا مردم ایران با آگاهی از وضع موجود باز به‌خود آمده و تحرکات گسترده‌تری کنند.

رژیم تروریستی جمهوری اسلامی، در دی ماه گذشته در مقابل امواج خروشان ملت ایران آتش گشود و بیش از چهار هزار ایرانی آن هم عمدتاً از میان جوانان و نوجوانان برومند را قتل‌عام کرد. اما آنچه بر زخم این ملت نمک پاشید روایت‌های بی‌شرمانه‌ای بود که برای توجیه این قتل‌عام کردند.

هیچ روایت دور از شرم و حیایی توان برابری با این روایت رژیم را ندارد؛ آنجا که مدعی شدند مردم مسلح بودند؛ از اسرائیل لشکر آمده بود؛ تروریست‌های

فروش یک گیگابایت کانفیگ و فیلترشکن به قیمت‌های نجومی بازار سیاه، جبران می‌کنند. چنان‌که زندانیان سودجو داخل زندان‌های ایران، یک نخ سیگار را با «صدبرابر قیمتش» می‌فروشدند و برای روشن کردنش با فندک هم هزینه‌ی نجومی دیگری می‌ستانند.

اما آنچه در این میان خطرناک‌تر است، این است که رژیم هم‌اکنون عیناً همانند حماس و حزب‌الله می‌جنگد؛ نه مانند دولتی مسئول در قبال یک کشور.

برای رژیم، این نوع جنگیدن اکنون به امری پذیرفته‌شده تبدیل شده است که هر روز یکی یا چند مورد از کارخانه‌ها و زیرساخت‌های کشور از میان بروند، فرماندهان همانند یحیی سنوار در دخمه‌ها و تونل‌ها مخفیانه زندگی کنند و مردم به هر فلاکتی که می‌خواهند، بیفتند.

آنچه در این میان کوچکترین اهمیتی ندارد مردم است. اما هژمونی رژیم به‌عنوان یک نیروی پراکنده اما مسلط باید حفظ شود! چون مسئولان رژیم و فرماندهان سپاه دریافته‌اند که باوجود حملات گسترده‌ی هوایی گرچه ایران ویرانه‌تر می‌شود اما رژیم از بین نمی‌رود و لذا می‌توان جنگ را در این حد تحمل کرد.

چنین وضعیتی گرچه برای مقامات نظامی رژیم مزمزه‌ی ناخوشایندی ندارد و حتی کشته‌شدن فرماندهان همانند فرماندهان حماس و حزب‌الله هم سناریوی نامطلوبی نیست. اما آنچه به اندیشه‌ی این مقامات راهی نمی‌یابد این است که این سناریو زمانی مختص حماس بود؛ چند صبحی بعد به حزب‌الله سرایت کرد و این از تضعیف روزافزون رژیم است که هم‌اکنون خود رژیم هم به این حالت دچار شده‌است. اگر حزب‌الله با کمک‌های سخاوتمندانه‌ی رژیم مستقر در ایران بازسازی شد، سر اختاپوس یا همین رژیم را چه کسی احیا خواهد کرد؟

در این میان حتی نبود رهبر هم، رژیم را چندان وادار به

محمدعلی غیبی - بقای رژیم پس از تحمل دو جنگ گسترده‌ی هوایی در یک سال گذشته و اعتراضات بی‌سابقه گسترده‌ی ملت ایران در دی‌ماه گذشته، این رژیم را در سیاست‌گذاری خود وارد مراحل جدیدی کرده‌است. رویکردی که گرچه منافع یک رژیم را تنها در کوتاه‌مدت می‌تواند حفظ کند اما جمهوری اسلامی در عمل نشان داده که به‌دنبال اعمال شرایط فوق‌العاده در طولانی‌مدت و در رؤیای تبدیل اوضاع ایران به وضعیتی شبیه کره‌شمالی است. رژیم حتی در این رابطه گام‌های مهمی در زمینه‌ی انسداد کامل اینترنت برمی‌دارد. اما آنچه باعث می‌شود وضعیت ایران حتی از کره‌شمالی هم در آینده فاجعه‌بارتر شود دکترین جدید دفاعی این رژیم برای ایران است. وضعیتی که نبود اینترنت و آزادی کره‌شمالی را توأم با رویکرد دفاعی حزب‌الله لبنان و حماس برای ایران به‌همراه دارد.

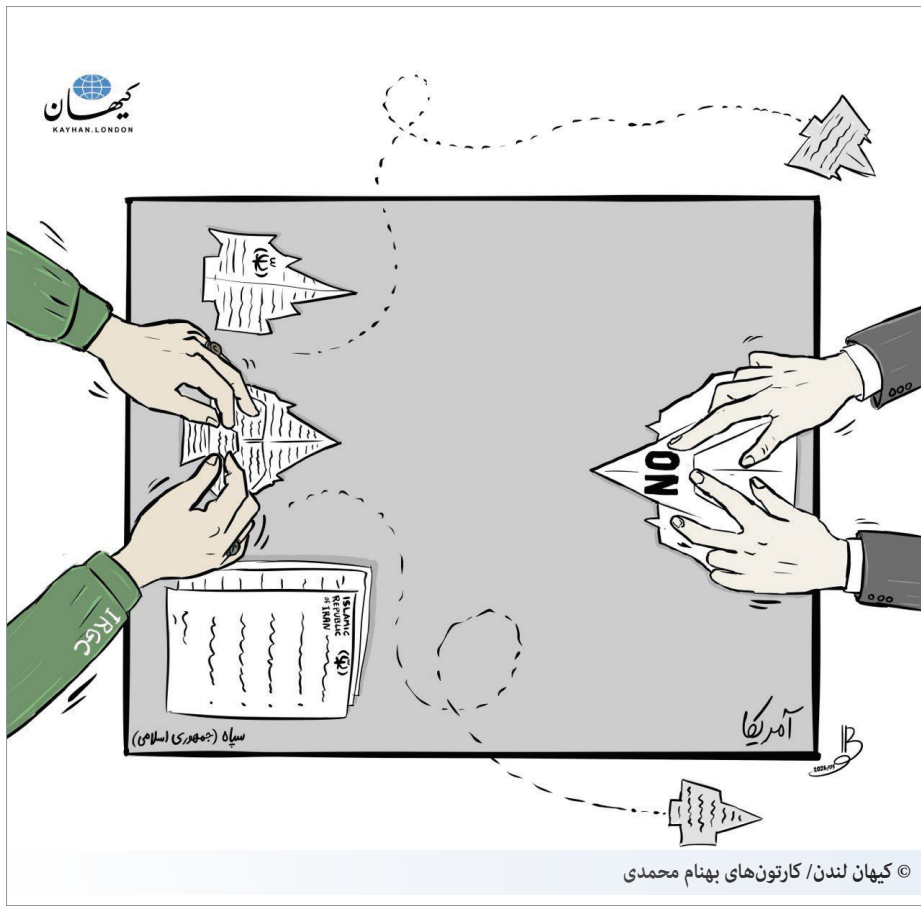
تایک سال گذشته، سخن بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران این بود که «دکترین خامنه‌ای در سی‌وچند سال گذشته باز این مزیت را داشته که از کشاندن جنگ به داخل خاک ایران جلوگیری کند». در یک سال گذشته شاهد آن بودیم که با این تحلیل دقت کافی نداشته، یا اینکه این دکترین خامنه‌ای و رژیم به بن‌بست رسیده‌است.

هم‌اکنون با وجود تحمیل میلیاردها دلار هزینه بر زیرساخت‌های ایران، آنچه شگفتی بسیاری از ناظران را برانگیخته این است که مسئولان رژیم و فرماندهان سپاه نه‌تنها این هزینه‌ها و خسارات سنگین برایشان تولید مسئولیتی نمی‌کنند، بلکه جنگ‌افروزی‌شان بسیار بیشتر شده و هیچ‌گونه معاهده‌ی صلحی را بر نمی‌تابند. گویی از وضعیت جدیدی که این نبرد به خود یافته خوششان آمده و تحمل بمباران فولادها و پتروشیمی‌ها و ذوب آهن‌ها مذاقشان را چندان تلخ نمی‌کند.

کاهش درآمد را هم از راه‌های تروریستی دیگری همچون

جنگ با آمریکا؛ مرحله اوریگامی

شرایط جنگ آمریکا و جمهوری اسلامی همچنان در مرحله کاغذبازی و نامه‌پراکنی است.



داعش بودند. و ده‌ها روایت وارونه‌ای که پس از قتل‌عام ملت ایران جای گرگ‌های درنده و انسان‌های بی‌پناه را عوض کردند و صدها نمایش جدید درآوردند و با مظلوم‌نمایی برای توحش سرکوبگران خود مرزهای بی‌حیایی را جابجا کردند. نگاهی به تاریخ این موجودات بسیار سودمند است. کافیس در کتاب «در سایه‌ی ابلیس: زندگی سیاسی نواب صفوی» از نویسنده‌ی برجسته و نام‌آشنای ایرانی، حمید شوکت نگاهی بیندازیم.

آنجائی که به اولین سوء‌قصد ناموفق نواب صفوی به احمد کسروی می‌پردازد. زمانی که نواب صفوی در نجف، از ملایانی همچون حاج حسین قمی، سید محمود شاهرودی و اصفهانی فتوای قتل کسروی را می‌گیرد. (حمید شوکت، در سایه‌ی ابلیس...، کلن: فروغ، ۲۰۲۵: ۶۷-۶۸) از مسیر بغداد و بصره راهی ایران می‌شود و خود را به تهران می‌رساند. سعی می‌کند با سلسله‌بحث‌هایی، کسروی را ارشاد کند! و چون نمی‌تواند، مستقیماً به وی اعلام می‌کند که او را خواهد کشت.

در روز هشتم اردیبهشت ۱۳۲۴، چند روزی است که نواب صفوی به‌همراه چند نفر از دوستان خود کنار خانه‌ی کسروی در چهارراه حشمت‌الدوله کشیک می‌دهند و بالاخره فرصت به‌چنگشان می‌افتد. آنها دو گلوله از پشت به کسروی شلیک می‌کنند و سپس ۹ ضربه‌ی چاقو بر کسروی وارد می‌کنند اما به‌خاطر ممانعت یاران کسروی قادر به شلیک گلوله‌ی سوم نمی‌شوند.

آنچه از خود این جنایت شرم‌آورتر است روایتی است که نواب صفوی بعد از دستگیری می‌یابد و با توان بالای متکی بر مذهب خود در پروپاگانداسازی به همگان و حتی شهربانی تحمیل می‌کند. نواب و رفقایش به‌اتفاق مدعی می‌شوند که این کسروی و دوستانش بوده‌اند که به آنها حمله کرده‌اند.

طرفداران نشان شهادت می‌دهند که اسلحه در دست کسروی بوده و «سید مجتبی با چاقو به‌طرف آقای کسروی حمله کرده‌است» نواب خود در بازجویی، در بی‌حیایی مشابه اخلاف کنونی‌اش یعنی رژیم جمهوری اسلامی، مدعی می‌شود که روز هشتم اردیبهشت به‌همراه دوستش برای «گردش و هواخوری» به خیابان سی‌متری رفته بود و تصادفاً با کسروی و همراهانش روبرو شده بود و کسروی پس از «تعرض و خشونت» با نیزه‌ی عصایش به وی حمله کرده بود. نواب صفوی حتی تیراندازی به کسروی را اتهامی بی‌اساس می‌خواند و مدعی می‌شود سیدی محصل است و سلاحی جز راستی و درستی و دین ندارد. او کسروی را اهل «مجادله و مبارزه» می‌نامد و مدعی می‌شود اسلحه متعلق به کسروی بوده‌است. پاسخش به این سؤال که پس چرا کسروی خودش گلوله خورده مبتذل‌تر و درعین حال مصرانه‌تر است. مدعی می‌شود که تیر کسروی، به دست قدرت الهی به خطا رفته و خودش را کشته‌است. پاسخش به این سؤال که کنار خانه‌ی کسروی چه کار می‌کرده چندان باورپذیرتر از پاسخ‌های مبتذل دیگرش نیست. مدعی می‌شود که از مجلس ختم برمی‌گشته اما دیگر در مقابل این پرسش پاسخی ندارد که اگر از مجلس ختم برمی‌گشته، چرا در لباس شخصی و نه با عبا و عمامه بوده‌است.

آنچه در نهایت کار موجب شرم‌بیشتری است این باشد که نواب صفوی و رفیقش پس از پنج روز و با فشار فراوان جامعه‌ی مذهبی با سپردن وثیقه‌ی ۲۵ هزار تومانی آزاد می‌شوند اما یاران کسروی همچنان در زندان می‌مانند. (همان، صص ۹۱-۹۶)

سرگذشت این ماجرا بسیار شرم‌آور و نمایش کامل یک تضییع حق در مقابل باطل است که حمید شوکت آن‌را با

می‌توان با زبان خودشان صحبت کرد. با زبان آن وسیله‌ی «خونبار ناهنجار»ی که ملت را با آن قتل‌عام کردند. چنان که شاهزاده رضا پهلوی اعلام کردند که از این به‌بعد زمانی فراخوان داده خواهد شد که مردم توان مقابله داشته باشند، حامیان فروماپه‌ی رژیم تنها زبان گلوله را می‌فهمند و با آن اقناع می‌شوند؛ نه با منطق.

هم‌اکنون که سپاه و نیروی انتظامی تا این اندازه مباران شده‌اند و تمام مقرها و مراکز خود را ویران شده می‌بینند نباید این فرصت را از دست داد. البته آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها هم باید این موضوع را در نظر بگیرند که رژیم آنچنان هم که تبلیغ کردند قوی نیست و آنچه نقطه‌ی قوت رژیم در این جنگ بود ابراز تمایل مداوم و بدموقع دونالد ترامپ به مذاکره و توافق پس از هر ضربه‌ی بدان بود. درحالی‌که مبارزه با چنین رژیم‌ی، عزمی راسخ و اراده‌ی پولادین می‌خواهد.

حملات رژیم به کشورهای همسایه هم نه از روی قدرت بلکه از روی سراسیمگی بود. همانند بازیکن فوتبالی که در آستانه‌ی باز شدن دروازه‌اش، بجای زمین حریف، توپ را سراسیمه به میان تماشاگران شوت می‌کند. همچنان رژیم در حالت سراسیمگی است و نباید از اتحاد با ملت ایران غافل ماند که اگر جمهوری اسلامی باقی بماند، نه تنها ایران و کل منطقه‌ی خاورمیانه، بلکه هم‌اکنون دیگر کل جهان را به آشوب و ویرانی خواهد کشاند.

ظرافت تمام روایت می‌کند. تروریست‌های «فدائیان اسلام»، پنج ماه بعد فرصت بهتری برای نمایش یک توحش بیشتر اینبار دیگر فرصتی برای زنده ماندن برای کسروی نگذارند و جوری قصابی‌اش کنند که هیچ انسان دیگری توانش را نداشته باشد.

هم‌اکنون در بهار سال ۱۴۰۵، ما ملت ایران تصاویر جاویدنامان کشته‌شده در دی‌ماه را می‌بینیم. این شهیدان و جوانانی که در چند هفته‌ی گذشته اعدام شدند یا هم‌اکنون در لیست اعدام‌اند، چه شباهتی به تروریست دارند؟ آن خواهر و برادر جوان متهم به «مبارزه» کجایشان شبیه تروریست است؟

جاویدنامان کشته‌شده در دی‌ماه و اعدامیان از چهره‌شان همه چیز پیداست. بچه‌هایی از خانواده‌های طبقه‌ی متوسط و طبقات متمدن و تحصیل‌کرده‌ی جامعه‌اند که پرپر شده‌اند و داغی بر دل خانواده‌شان و ملت ایران گذاشته شده‌است. برخلاف تروریست‌های بسیجی و سپاهی که آنها هم از چهره‌شان پیداست از پست‌ترین و زبون‌ترین خانواده‌ها و طبقات اجتماعی برخاسته‌اند تا از مردمان متمدن، انتقام عمری زبونی خود را بگیرند.

هم‌اکنون دیگر چاره‌ی مقابله با این موجودات دروغ‌پیشه، مقاله‌نویسی و اطلاع‌رسانی نیست. آنچنان که حافظ می‌فرماید «تیغ سراسر هر که را درک سخن نمی‌کند» در مقابل آنهایی که خود را به نفهمی و حقارت زده‌اند تنها

قربانیان خشونت و ناامنی اجتماعی زیر سایه جمهوری اسلامی؛ قتل هولناک مریم آقابابایی توسط راننده تاکسی اینترنتی

● مریم آقابابایی دختر جوان شهرکردی چند روز پیش پس از خروج از داروخانه توسط یک راننده تاکسی اینترنتی ربوده شد و پس از تجاوز جنسی در بیابان‌های اطراف روستای کاکلک به قتل رسید. پیکر سوخته او توسط یک چوپان محلی پیدا شده بود.

● روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت جمعی از اعضای خانواده وی با همراهی دیگر شهروندان با برگزاری تجمعی اعتراضی خواستار پاسخگویی و رسیدگی سریع مسئولان به این پرونده شدند.

● مریم آقابابایی تنها دختر جوانی نیست که قربانی ربوده شدن، تجاوز جنسی و قتل شده است این حادثه در سال‌های گذشته بارها برای زنان ساکن شهرهای مختلف کشور در خانه و خیابان تکرار شده است.

مریم آقابابایی دختر جوان شهرکردی چند روز پیش پس از خروج از داروخانه توسط یک راننده تاکسی اینترنتی ربوده شد و پس از تجاوز جنسی در بیابان‌های اطراف روستای کاکلک به قتل رسید. پیکر سوخته او توسط یک چوپان محلی پیدا شده بود.

روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت جمعی از اعضای خانواده وی با همراهی دیگر شهروندان با برگزاری تجمعی اعتراضی خواستار پاسخگویی و رسیدگی سریع مسئولان به این پرونده شدند.

در همین ارتباط، رئیس روابط عمومی فرجای استان چهارمحال و بختیاری در گفتگو با وبسایت زومیت با اشاره به اینکه مریم آقابابایی، دختری حدوداً ۳۰ ساله با شغل آزاد بوده است ادعا کرد: «او در مسیر خود سوار خودروی تاکسی عبوری شده بود اما خانواده او با در دست داشتن پلاکاردی که روی آن کلمه تاکسی اینترنتی نوشته بود، این شائبه را ایجاد کرد که خودرو متعلق به این تاکسی بوده است.»

به گفته سرهنگ عسگری «قاتل ظاهراً می‌خواست به خانم تعرض کند و ایشان مقاومت کرده است سپس دستپاچه شده، او را به قتل رسانده و پیکر ایشان را سوزانده است.» اما مریم آقابابایی تنها دختر جوانی نیست که قربانی ربوده شدن، تجاوز جنسی و قتل شده است این حادثه در سال‌های گذشته بارها برای زنان ساکن شهرهای مختلف کشور در خانه و خیابان تکرار شده است.

ملیکا دادپور دختر ۲۲ ساله نیز در بهمن ۱۴۰۴ توسط یک مسافرکش در قرچک ورامین به قتل رسید که جامعه را در شوک فرو برد. او دانشجوی ترم آخر رشته گرافیک دانشگاه هنر و معماری پارس بود که قرار بود در اسفندماه از پایان‌نامه خود دفاع کند.

او که طراح یک شرکت مواد غذایی بود، ساعت پنج بعدازظهر سه‌شنبه هفتم بهمن ۴۰۴ امسال پس از پایان کار از مترو آرژانتین راهی جوارگرد قصاب شد تا به خانه‌شان در قرچک برود. وقتی خودروی اینترنتی پیدا نکرد، ناچار سوار یک پراید سفید شد. از همان ابتدا به راننده مشکوک شد و برای یکی از دوستانش پیام فرستاد و موقعیت زنده‌اش را ارسال کرد. دوستش دقیقاً بعد متوجه تغییر مسیر خودرو به سمت منطقه‌ای خلوت شد. تماس گرفت و صدای فریاد و التماس‌های ملیکا را شنید؛ اما لحظاتی بعد تماس قطع و



گوشی خاموش شد...

راننده قاتل، علاوه بر سرقت طلاهای مقتول، کیف او را هم که حاوی وسایل شخصی، کارت‌های بانکی و گوشی تلفن همراهش بوده، به سرقت برد. پس از دو روز جست‌وجو، پیکر بی‌جان او را روز پنجشنبه نهم بهمن در آبراه یا کانال آبی در محدوده حسن‌آباد فشافویه پیدا کردند و در نوزدهم بهمن خورشید رسانه‌ای شد.

در غروب چهارم خرداد ماه همان سال، الهه حسین‌نژاد دختر ۲۴ ساله ساکن که دارای مدرک کارشناسی حسابداری بود اما در یک سالن زیبایی به عنوان ناخنکار کار می‌کرد، روز ۴ خرداد ۱۴۰۴ پس از پایان کار روزانه در سعادت‌آباد تهران در راه بازگشت به خانه ناپدید شد. ده روز بعد در ۱۵ خرداد دادستانی تهران از پیدا شدن پیکر وی در بیابان‌های اطراف تهران و دستگیری قاتل خبر داد.

پیکر الهه حسین‌نژاد که بر اساس شواهد توسط یک فرد حامی جمهوری اسلامی و مرید علی‌خامنه‌ای به قتل رسیده، جمعه ۱۶ خرداد با حضور خانواده و شرکت گروه زیادی از مردم «اسلامشهر» در آرامستان «دارالسلام این شهر به خاک سپرده شد.

به فاصله فقط پنج روز از پیدا شدن پیکر خونین الهه حسین‌نژاد، هانیه بهیودی، ورزشکار اهل فریمان، به دست همسرش کشته شد.

این حوادث، بار دیگر زخم کهنه احساس ناامنی و امنیت زنان را در جامعه باز کرد. سه سال پیش هم مفقود شدن سما جهان‌باز دختر ۲۲ ساله شیرازی، مطرح شد که در ۲۵ تیر ۱۴۰۱ برای فروش یک قطعه طلا در شیراز از خانه خارج شد، یکبار با خانواده خود تماس گرفت و پس از آن تلفنش خاموش شد. پرونده «سما» هنوز باز است و سرنوشت او نامشخص.

همه اینها در شرایطی است که لایحه «منع خشونت علیه زنان» که در طی یک دهه بارها دچار تغییر نام و محتوا شده، در آخرین تحولات، اوایل سال ۱۴۰۴، توسط دولت از

مجلس شورای اسلامی پس گرفته شد. تغییرات مکرر مجلس دوازدهم از جمله تغییر نام به «حفظ و ارتقای کرامت زنان و خانواده» و حذف واژه «خشونت»، دلیل این استرداد عنوان شده است.

در نبود قانونی مشخص برای حمایت از زنان ایرانی در برابر خشونت و ناامنی، ناظران و کارشناسان نسبت به رواج خشونت بیش از هر زمان دیگری در عرصه‌های گوناگون جامعه قربانی رژیم زن‌ستیز و مروج و حامی خشونت علیه زنان هشدار می‌دهند.

از کیف قاپی، زورگیری و جیب‌بری تا مزاحمت‌های خیابانی و آزار و اذیت‌های کلامی و ربوده شده در تاکسی و تجاوز جنسی و قتل. دیگر این اتفاقات همانند دهه‌های گذشته فقط در محله‌های پایین شهر، اطراف ساختمان‌های متروکه و نیمه کاره و کوچه‌های خلوت رخ نمی‌دهند. در حال حاضر بسیاری از زنان و دختران ایرانی حتی از رفتن به فضاهای عمومی مثل خیابان، پارک و مترو در ساعات خلوت، واهمه دارند و این همه درحالیست که حتی استفاده از وسایل نقلیه در ساعات خلوت هم این ناامنی‌ها را دوچندان کرده است.

البته این حس ناامنی مربوط به دیروز و امروز نیست و از سالها پیش بر روی زنان و دختران ساکن در شهرهای بزرگی چون تهران سایه انداخته است. در سال ۱۳۸۹ سازمان ملی جوانان درباره امنیت روانی و اجتماعی تحقیقی بر روی زنان جوان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران انجام داد که نشان داده بود تنها عده کمی از آنها احساس امنیت می‌کنند، هراس از حضور در ساعات آخر شب، ترس از تنها ماندن در مکان‌هایی مانند پارک، ترس از رانندگان ماشین‌های شخصی یا حرف زدن با مردان نا آشنا از جمله تجارب ناخوشایندی است که برای زنان جوان حس ناامنی می‌آورد. در جمهوری اسلامی که حقوق شهروندی وجود ندارد نه تنها تبعیض‌های ساختاری و خشونت‌های جنسیتی علیه زنان بلکه پدیده‌هایی مانند زن‌کشی و خشونت‌های ناموسی همچنان ادامه پیدا می‌کند.

زلزله در شرق تهران؛ هشدار درباره فعال بودن گسل‌های پردیس و بومهن



هراس شهروندان پس از زلزله شامگاه سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ در شرق تهران

نیز در اینباره توضیح داده که نام شهر «بومهن» به معنای «زلزله» است. وقوع دو زلزله بالای ۴ در بازه زمانی کوتاه از ابتدای سال ۱۴۰۵ در این منطقه، لزوم بازنگری در توسعه و بازگرداری جمعیتی بیشتر پروژه‌های عمرانی جدید در پردیس و بومهن و رودهن را بیش از پیش نمایان می‌کند. با توجه به نرخ لغزش گسل مشا، این فعالیت‌ها نشان‌دهنده فعال بودن ساختارهای لرزه‌زا در مجاورت پایتخت است.

به گفته مهدی زارع خطر لرزه‌ای منطقه شرق تهران به دلیل ویژگی‌های توپوگرافی و زمین‌شناسی خاص، با مخاطرات ثانویه نیز روبروست. ساختار ناهمگن زمین یعنی وجود رسوبات آبرفتی در بخش‌هایی از دشت پردیس می‌تواند باعث بزرگنمایی امواج لرزه‌ای (Site Effect) شود. او همچنین تأکید کرده لرزه‌خیزی خوشه‌ای (Swarm) در لرزه‌خیزی بومهن و پردیس پتانسیل بالای برای وقوع «فوج‌لرزه» یا زمین‌لرزه‌های (بزرگ‌ای ۴ تا ۵) در این منطقه را نشان می‌دهد، هشداردهنده فعالیت دائمی گسل مشا است. این کارشناس ارشد زمین‌شناسی هشدار داده «با توجه به بازگرداری جمعیتی بالا در مسکن مهر پردیس و ساخت‌وسازهای گسترده در ارتفاعات، تاب‌آوری لرزه‌ای سازه‌ها در برابر شتاب‌های افقی و قائم ناشی از فعالیت گسل مشا بسیار حائز اهمیت است.»

مهدی زارع شب گذشته در گفتگویی دیگری با خبرنگاری «مهر» تأکید کرده مناطق رودهن و بومهن به طور مستمر شاهد خوشه‌های لرزه‌ای با بزرگ‌ای ۲ تا ۴ هستند. این فعالیت‌های خرد، نشان‌دهنده نرخ بالای تغییر شکل در پوسته این منطقه است، شرق تهران (رودهن و دماوند) بسیار لرزه‌زاست.

او همچنین گفته باید منتظر زلزله بزرگی در شرق تهران باشیم: «از منظر علم میان‌مدت و بلندمدت زمین‌شناسی دارای دو جنبه است، از نظر پتانسیل لرزه‌زایی که از نظر علمی، گسل مشا توانایی تولید زلزله‌ای با بزرگ‌ای بیش از ۷ را دارد.»

او همچنین با رد گمانه‌زنی‌ها درباره انفجار تسلیحات نظامی گفته «زلزله امشب تهران در اثر انفجار مواد تسلیحاتی و نظامی نبوده است.»

مهدی زارع، استاد دانشگاه و زلزله‌شناس نیز هشدار داده که وقوع زلزله‌ای با بزرگ‌ای ۴/۵ در پهنه شهرک پردیس را نباید به معنای «شروع حتمی» یک زمین‌لرزه بزرگ در خود شهر تهران تعبیر کرد، اما از نظر علمی، این رویداد یک سیگنال هشدار لرزه زمین‌ساختی جدی برای سامانه‌های گسلی پهنه تهران و البرز مرکزی است.

مهدی زارع در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» توضیح داده وقوع دومین زمین‌لرزه با بزرگ‌ای بیش از ۴ ریشتر نشان‌دهنده تداوم آزادسازی انرژی در محل تلاقی ساختارهای مهم زمین‌ساختی است.

او ادامه داده که منطقه پردیس و بومهن در پهنه برخورد البرز مرکزی قرار دارد و تحت تأثیر مستقیم فعالیت دو گسل بسیار مهم و خطرناک است:

گسل شمال تهران (NTF): پایانه شرقی این گسل که از شمال تهران و ده کیلومتری شمال پردیس عبور می‌کند، به محدوده روستای کلان لوسانات می‌رسد. این گسل پتانسیل لرزه‌زایی بالایی دارد و فعالیت آن می‌تواند مستقیماً بر منطقه شرق تهران تأثیر بگذارد.

گسل مشا: یکی از طول‌ترین و فعال‌ترین گسل‌های جنوب البرز مرکزی است که با روندی شرقی-غربی در ده کیلومتری شمال پردیس در روستای کلان با گسل شمال تهران تلاقی دارد. تلاقی گسل مشا با گسل شمال تهران در منطقه لوسان و، یک پهنه برخورد زمین‌ساختی مهم ایجاد کرده است که بیشترین تراکم ریزلرزه‌ها در استان تهران متعلق به این زون است.

شهرک پردیس در شرق تهران که طی سالهای گذشته احداث شده و به علت برج‌سازی‌های انبوه جمعیت زیادی را در خود جای داده همواره از سوی کارشناسان در مورد روی گسل بودن مورد بحث بوده است. اکنون مهدی زارع

● زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۴/۶ ریشتر در مقیاس درونی زمین، ساعت ۲۳:۴۶ شامگاه سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ مرز استان‌های تهران و مازندران را لرزاند.

● طی ساعات بعد از زلزله ۴/۶ ریشتری نیز دست‌کم چهار پس‌لرزه به بزرگی ۴، ۳/۴ و ۲/۸ در همین مناطق رخ داد. این پس‌لرزه‌ها در ورامین، پاکدشت، پردیس و بخش‌هایی از شمیرانات حس شده است.

● همزمان در شهر تهران و حومه توفان شدیدی به وقوع پیوست. در برخی مناطق پایتخت بر اثر شدت توفان، درختان شکستند و واژگون شدند و خسارت‌هایی ایجاد شد. ● بر اساس گزارش‌ها در نخستین ساعات بامداد اینترنت و برق در نواحی از تهران و حومه قطع شده است. مقامات شهر تهران علت قطع برق را اختلال در شبکه انتقال برق به علت توفان اعلام کردند.

شامگاه گذشته زلزله‌ای به بزرگی ۴/۶ ریشتر مرز استان تهران و مازندران را لرزاند که با چندین پیش‌لرزه و پس‌لرزه همراه بود. مهدی زارع کارشناس ارشد زمین‌شناسی و استاد دانشگاه درباره فعال بودن گسل‌ها نزدیک شهرک پردیس در شرق تهران و بومهن هشدار داده است.

● زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۴/۶ ریشتر در مقیاس درونی زمین، ساعت ۲۳:۴۶ شامگاه سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ مرز استان‌های تهران و مازندران را لرزاند. این زمین‌لرزه در شهرستان بومهن و همچنین شهرک پردیس در شرق تهران به‌طور کامل احساس شد.

به گزارش مرکز لرزه‌نگاری کشور ساعت ۹ شب سه‌شنبه نیز زلزله‌ای به بزرگی ۳/۴ ریشتر در مرز استان‌های تهران و مازندران رخ داده بود.

● طی ساعات بعد از زلزله ۴/۶ ریشتری نیز دست‌کم چهار پس‌لرزه به بزرگی ۴، ۳/۴ و ۲/۸ در همین مناطق رخ داد. این پس‌لرزه‌ها در ورامین، پاکدشت، پردیس و بخش‌هایی از شمیرانات حس شده است.

به گفته مقامات حکومتی این زلزله خسارت جانی در پی نداشته است. با اینهمه تصاویر و ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد شهروندان زیادی تا بامداد در خیابان‌ها و پارک‌ها بودند.

همزمان در شهر تهران و حومه توفان شدیدی به وقوع پیوست. در برخی مناطق پایتخت بر اثر شدت توفان، درختان شکستند و واژگون شدند و خسارت‌هایی ایجاد شد. شروین تبریزی، سخنگوی اورژانس تهران نیمه‌شب گذشته اعلام کرد تاکنون ۷ مصدوم که ۵ نفر آنها سرپایی درمان شده‌اند، در مأموریت‌های امدادگران ثبت شده اند اما ممکن است آمار تعداد مصدومان بیشتر شود.

اینهمه در حالی رخ داده که اینترنت جهانی در ایران همچنان قطع است و شهروندان دسترسی آزادانه به اخبار و ارتباطات دچار مشکل هستند. بر اساس گزارش‌ها در نخستین ساعات بامداد اینترنت و برق در نواحی از تهران و حومه قطع شده است. مقامات شهر تهران علت قطع برق را اختلال در شبکه انتقال برق به علت توفان اعلام کردند.

فریبرز ناطقی‌الهی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه زلزله‌شناسی ایران اعلام کرده زلزله اخیر تهران زلزله قابل‌ی بود. ممکن است زمین‌لرزه اخیر پیش لرزه باشد.

صنعت گردشگری ایران، قربانی قطع اینترنت و جنگ



کاهش چشمگیر گردشگران و کاهش درآمد اقامتگاه‌های بوم‌گردی بوده است.

افشین کلاهی، رئیس کمیسیون دانش‌بنیان اتاق بازرگانی ایران، خسارت مستقیم روزانه بر اثر قطعی اینترنت را ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار اعلام کرده است. وی تأکید دارد خسارت غیرمستقیم قطعی اینترنت معادل ۷۰-۸۰ میلیون دلار در روز است.

به این ترتیب در ۶۰ روز حداقل یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار خسارت مستقیم به اقتصاد ایران وارد شده است. این زیان با احتساب زیان غیرمستقیم به بیش از چهار میلیارد دلار می‌رسد.

از سوی دیگر، گفته می‌شود حدود ۱۰ میلیون نفر عمدتاً از اقشار متوسط و پایین جامعه مستقیماً درگیر فعالیت‌های وابسته به اینترنت هستند لذا محدودیت دسترسی به اینترنت، شغل و معیشت آنها را در معرض تهدید قرار می‌دهد.

موسی غنی‌نژاد اقتصاددان نیز در یادداشتی به خسارت‌های ناشی از قطع اینترنت اشاره کرده و نوشته «نادیده گرفتن زیان‌های اقتصادی ناشی از قطع اینترنت در حالی صورت می‌گیرد که بیکاری به دلیل وقوع جنگ چهل روزه و آسیب دیدن برخی واحدهای تولیدی بزرگ و زیرساخت‌ها به شدت بالا رفته و در کنار آن افزایش بی‌سابقه سطح عمومی قیمت‌ها، عامه مردم را در تأمین معاش روزانه خود در مضیقه قرار داده است. واضح است که در چنین شرایطی مسدود کردن اینترنت جهانی برای آن ۱۰ میلیون ایرانی که موقعیت شغلی‌شان با این وضعیت متزلزل شده و برای خانواده‌های این شاغلان (در مجموع حدود چهل میلیون نفر یعنی نزدیک به نیمی از کل جمعیت کشور) موجب خشم و عصبانیت خواهد بود. به سخن دیگر، در وضعیتی خطیری که نظام سیاسی حاکم بیشترین نیاز را به پشتیبانی مردم دارد، سیاستی در پیش گرفته می‌شود که خشم و نارضایتی کثیری از آنها را علیه حکومت برمی‌انگیزد.»

دولت افتاد» و «اگر دولت در سال‌های گذشته به درخواست فعالان گردشگری برای ارائه تسهیلات با تنفس یک‌ساله توجه می‌کرد، امروز بخش عمده‌ای از نیروهای انسانی این صنعت حفظ شده بودند.»

وبسایت «خبرآنلاین» نیز گزارش داده اقامتگاه‌های بوم‌گردی که در روزهای بحرانی جنگ با باز کردن درهای خود به پناهگاهی برای مردم تبدیل شده بودند، حالا با چالشی تازه روبه‌رو هستند؛ محدودیت اینترنت، کاهش سفر و فشارهای اقتصادی کسب‌وکار بسیاری از آن‌ها را در آستانه تعطیلی قرار داده است.

یاور عبیری، رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بوم‌گردی ایران، در گفتگو با «خبرآنلاین» گفته «یکی از مهم‌ترین چالش‌ها محدودیت اینترنت و از دست رفتن ابزارهای تبلیغاتی است. بسیاری از اقامتگاه‌های بوم‌گردی در مناطق دورافتاده قرار دارند و برای معرفی خدمات خود به گردشگران به شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام، وابسته بودند. این فضاها برای آن‌ها یک ابزار ساده، کم‌هزینه و در دسترس برای تبلیغ، ارتباط با مخاطبان و جذب گردشگر محسوب می‌شد.»

به گزارش «خبرآنلاین» با محدود شدن دسترسی به اینترنت و برخی پلتفرم‌ها، این مسیر ارتباطی عملاً از بین رفته است. فعالان این حوزه می‌گویند اکنون بسیاری از بوم‌گردی‌ها نمی‌دانند چگونه باید کسب‌وکار خود را معرفی کنند و نبود این ابزارهای تبلیغاتی ضربه جدی به فعالیت آن‌ها وارد کرده است. در شرایطی که این اقامتگاه‌ها اغلب در مناطق دور از شهرها قرار دارند، حذف فضای مجازی به معنای از دست رفتن مهم‌ترین کانال معرفی و جذب گردشگر است.

در کنار این مسئله، کاهش شدید سفر نیز فشار مضاعفی بر این کسب‌وکارها وارد کرده است. به گفته فعالان گردشگری، شرایط اقتصادی و تورم باعث شده سفر از اولویت بسیاری از خانوارها خارج شود و مردم بیشتر به تأمین نیازهای روزمره خود فکر کنند. نتیجه این وضعیت

● حرمت‌الله رفیعی رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران اعلام کرده صنعت گردشگری تنها طی دو ماه اخیر حدود ۵ هزار میلیارد تومان زیان دیده است.

● رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران با اشاره به خسارت گسترده صنعت گردشگری ایران به علت شرایط جنگ و قطع اینترنت، از بی‌نتیجه ماندن بسته‌های حمایتی دولت انتقاد کرد و گفته تا امروز هیچ‌کدام از حمایت‌هایی که درباره آن صحبت شده، به فعالان گردشگری نرسیده است.

● یاور عبیری، رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بوم‌گردی ایران: یکی از مهم‌ترین چالش‌ها محدودیت اینترنت و از دست رفتن ابزارهای تبلیغاتی است. بسیاری از اقامتگاه‌های بوم‌گردی در مناطق دورافتاده قرار دارند و برای معرفی خدمات خود به گردشگران به شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام، وابسته بودند.

● به گفته فعالان گردشگری، شرایط اقتصادی و تورم باعث شده سفر از اولویت بسیاری از خانوارها خارج شود و مردم بیشتر به تأمین نیازهای روزمره خود فکر کنند. نتیجه این وضعیت کاهش چشمگیر گردشگران و کاهش درآمد اقامتگاه‌های بوم‌گردی بوده است.

رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران با هشدار نسبت به وضعیت بحرانی صنعت گردشگری کشور اعلام کرد که دفاتر مسافرتی پس از ماه‌ها رکود، جنگ، بی‌ثباتی اقتصادی و اختلال اینترنت، دیگر توان تاب‌آوری ندارند و در صورت ادامه شرایط فعلی، بخش مهمی از نیروی انسانی متخصص این صنعت از بین خواهد رفت.

حرمت‌الله رفیعی رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران اعلام کرده که بر اساس برآوردهای ارائه شده به وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، صنعت گردشگری تنها طی دو ماه اخیر حدود ۵ هزار میلیارد تومان زیان دیده است.

این فعال صنفی با اشاره به خسارت گسترده صنعت گردشگری ایران به علت شرایط جنگ و قطع اینترنت، از بی‌نتیجه ماندن بسته‌های حمایتی دولت انتقاد کرد و گفته تا امروز هیچ‌کدام از حمایت‌هایی که درباره آن صحبت شده، به فعالان گردشگری نرسیده است.

رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران افزوده «مسافران عوارض خروج از کشور پرداخت می‌کنند، مالیات ورود گردشگران خارجی دریافت می‌شود و حتی برای تجهیز فرودگاه‌ها از مسافران ۱۰ یورو اضافه گرفته می‌شود، اما اکنون که گردشگری دچار بحران شده، هیچ بخشی از این درآمدها به کمک این صنعت نمی‌آید.»

حرمت‌الله رفیعی همچنین به موج گسترده اخراج کارکنان این بخش به علت خسارت گسترده کسب‌وکارها اشاره کرده و گفته «بسیاری از کارکنان آموزش‌دیده دفاتر مسافرتی به دلیل نبود درآمد، جذب مشاغل دیگری مانند آرایشگری و فعالیت‌های غیرمرتبط شده‌اند.»

او تأکید کرده «سال‌ها برای آموزش این نیروها هزینه شد، اما چون حمایت صورت نگرفت، صنعت گردشگری آن‌ها را از دست داد و در نهایت بار بیمه بیکاری هم روی دوش

بحران جدید کارگران در ایران: اجبار به ادامه کار با حقوق سال قبل!



● یک فعال کارگری اعلام کرده برخی کارفرمایان با سوءاستفاده از موج اخراج نیروی کار که پس از جنگ اتفاق افتاده، به کارگران خود اعلام می‌کنند که اگر تمایل داشته باشند، می‌توانند با حقوق سال ۱۴۰۴ به کار خود ادامه دهند، چرا که کارفرما توان اجرای مصوبه مزد ۱۴۰۵ را ندارد.

● فعالان صنفی معتقدند در طی سه ماه گذشته بین ۴ تا ۴/۵ میلیون نفر در ایران، شامل کارگر، کارمند، نیروهای متخصص و حتی مدیران میانی بیکار و اخراج شدند.

● مهدی بستانچی، رئیس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی سراسر کشور، به «نیویورک تایمز» گفته فقط در بخش کارگری تا ۳/۵ میلیون کارگر ممکن است تحت تاثیر روند انقباضی در واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی قرار بگیرند. ● بخش زیادی از شرکت‌ها کاهش هزینه را به عنوان یک تاکتیک اورژانسی در دستور کار قرار دهند و در این میان اخراج نیروی کار برای کاهش هزینه دستمزد از جمله اقدامات اولیه است.

یک فعال کارگری اعلام کرده برخی کارفرمایان با سوءاستفاده از موج اخراج نیروی کار که پس از جنگ اتفاق افتاده، به کارگران خود اعلام می‌کنند که اگر تمایل داشته باشند، می‌توانند با حقوق سال ۱۴۰۴ به کار خود ادامه دهند، چرا که کارفرما توان اجرای مصوبه مزد ۱۴۰۵ را ندارد.

در هفته‌های گذشته رکود تورمی در اقتصاد ایران عمیق‌تر شده است. قطع اینترنت جهانی در کشور از نهم اسفندماه و بحران اقتصادی ناشی از جنگ ۴۰ روزه سبب شده بسیاری از واحدهای تولیدی، تجاری، صنعتی و خدماتی امکان ادامه فعالیت در شرایط کنونی را نداشته باشد. این واحدها که سالهای گذشته نیز زیر بار مشکلات ساختاری اقتصادی، رکود، تورم و بحران‌هایی مانند کمبود و جیره‌بندی انرژی به سختی دوام آورده بودند حالا ناگزیر هستند میان کاهش هزینه‌ها برای تاب‌آوری یا تن دادن به تعطیلی و افتادن در مسیر ورشکستگی یکی را انتخاب کنند. این موضوع سبب شده بخش زیادی از شرکت‌ها کاهش هزینه را به عنوان یک تاکتیک اورژانسی در دستور کار قرار دهند و در این میان اخراج نیروی کار برای کاهش هزینه دستمزد از جمله اقدامات اولیه است.

این روند موج بزرگی از اخراج نیروی کار را در شرکت‌ها و کارخانه‌ها ایجاد کرده بطوریکه فعالان صنفی معتقدند در طی سه ماه گذشته بین ۴ تا ۴/۵ میلیون نفر در ایران، شامل کارگر، کارمند، نیروهای متخصص و حتی مدیران میانی بیکار و اخراج شدند.

فرشاد اسماعیلی حقوقدان و مشاور قانون کار به تازگی اعلام کرده یکی از ابر هلدینگ‌های اتومبیل‌سازی در ایران ۷۰ درصد از نیروهایش را، از کارگر و کارشناس تا حتی رئیس اداره، از اول فروردین اخراج کرده است. او نام هلدینگ را ذکر نکرده اما نوشته افراد اخراج شده حدود ۷ هزار نفر هستند.

«نیویورک تایمز» نیز در گزارشی به موج بی‌سابقه اخراج نیروی کار در ایران پرداخته و نوشته در بخش صنعت، کمبود مواد اولیه و آسیب به کارخانه‌های بزرگ باعث کاهش تولید و اخراج‌های گسترده شده است. همچنین قطعی اینترنت، صنعت فناوری را دچار بحران کرده و روزانه ده‌ها میلیون دلار خسارت به اقتصاد دیجیتال وارد می‌کند.

این فعال کارگری با بیان اینکه «این رویکرد به هیچ عنوان منطبق با قانون کار نیست و نباید به بهانه مشکلات اقتصادی، حقوق قانونی کارگران نادیده گرفته شود» تأکید کرده چنین تخلفاتی در نبود نظارت بر فعالیتهای واحدهای کارگری صورت می‌گیرد.

او گفته «اگر بازرسی‌های مستمر و مؤثر در واحدهای تولیدی انجام نشود، امکان بروز تخلف در زمینه پرداخت دستمزد، مزایا، عیدی، سنوات و حتی حفظ امنیت شغلی کارگران بیشتر می‌شود و این مسئله می‌تواند جامعه کارگری را با آسیب‌های جدی‌تری روبه‌رو کند.»

سعید فتاحی در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» مهمترین دغدغه کارگران را «امنیت شغلی» و «افزایش دستمزد» عنوان کرده و گفته «امروز کارگران بیش از هر چیز نگران امنیت شغلی خود هستند و بخش قابل توجهی از آنها به دلیل شرایط موجود، همواره با ترس از اخراج و از دست دادن شغل مواجه‌اند. در کنار دغدغه امنیت شغلی، معضل مطالبات معوق کارگران نیز همچنان پابرجاست و هنوز عده‌ای از کارفرمایان عیدی و سنوات سال گذشته‌ی کارگران را پرداخت نکرده‌اند؛ مسئله‌ای که فشار مضاعفی بر معیشت خانوارهای کارگری وارد کرده است.»

«کیهان لندن» و اوایل فروردین‌ماه به موضوع تهدید امنیت شغلی کارگران پرداخته و نوشته بود شماری از کارفرمایان با اشاره به شرایط موجود از کارگران خواسته‌اند به صورت شیفی و یک روز در میان سر کار بیایند، اما تنها نصف حقوق پایه قانونی (حدود ۱۰ میلیون تومان) دریافت کنند. همچنین مزایای شغلی از جمله بیمه و حق اولاد، حق مسکن و حق تأهل نیز از فیش حقوقی کارگران حذف شده است.

این گزارش تأکید کرده بود در برخی واحدها، کارفرما نیمی از کارکنان را به بیمه بیکاری فرستاده و برای باقی کارگران بیمه حداقلی پرداخت می‌کند و در مقابل انتظار دارد کارگران به حقوق بسیار پایین رضایت دهند.

مهدی بستانچی، رئیس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی سراسر کشور، به «نیویورک تایمز» گفته فقط در بخش کارگری تا ۳/۵ میلیون کارگر ممکن است تحت تاثیر روند انقباضی در واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی قرار بگیرند.

آنچه این فعال کارگری گفته بیانگر اینست که موج اخراج نیروی کار همچنان در هفته‌ها و ماه‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت. موضوعی که پیشتر هم از سوی برخی تحلیلگران مطرح شده و تأکید دارند عوارض رکود تورمی ناشی از جنگ و قطع اینترنت، و شرایط کنونی «نه جنگ، نه صلح» اقتصاد ایران را شکننده‌تر خواهد کرد. برخی کارشناسان معتقدند نرخ تورم در اقتصاد ایران -که اکنون حدود ۷۰ درصد است- در صورت عدم توافق جمهوری اسلامی با ایالات متحده و تداوم تنش و جنگ به زودی به بیش از ۱۰۰ درصد خواهد رسید.

قابل توجه اینکه دولت هیچ برنامه حمایتی مشخصی از واحدهایی که فعالیت آنها متأثر از شرایط جنگ و قطع اینترنت شده ارائه نکرده و حتی از نیروی کار اخراج شده‌ای که با وجود گرانی فزاینده بیکار و بی‌درآمد شده هم قرار نیست حمایت کند.

اکنون نه تنها میلیون‌ها نیروی کار از کارگر تا کارمند و متخصص و حتی مدیران میانی قربانی موج اخراج کنونی شدند که در آنسو عدم امنیت شغلی و نبود فرصت‌های شغلی سبب شده برخی کارگران شاغل نیز قربانی بحران اقتصادی شوند و کارفرمایان شرایط پرداخت دستمزد را محدود کنند. در همین رابطه سعید فتاحی، مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، اعلام کرده برخی کارفرمایان با سوءاستفاده از موج اخراج نیروی کار که پس از جنگ اتفاق افتاده، به کارگران خود اعلام می‌کنند که اگر تمایل داشته باشند، می‌توانند با حقوق سال ۱۴۰۴ به کار خود ادامه دهند، چراکه کارفرما توان اجرای مصوبه مزد ۱۴۰۵ را ندارد.

سقوط تکاندهنده مصرف گوشت، مرغ و لبنیات در ایران



کرده و از ۸۰ هزار تومان به ۲۸۰ هزار تومان رسیده است. قیمت روغن مایع نیز با افزایش ۳۰۸ درصدی، از حدود ۷۴ هزار تومان به بیش از ۳۰۰ هزار تومان رسیده است. برنج خارجی درجه یک با افزایش قیمت ۲۰۹ درصدی، مرغ با افزایش ۱۹۱ درصدی، سس مایونز با افزایش ۱۹۰ درصدی و تخم مرغ با افزایش ۱۷۰ درصدی از دیگر اقلام خوراکی با تورم سه رقمی در فروردین امسال بوده‌اند. در ابتدای اردیبهشت جاری هر دانه تخم مرغ ۲۰ هزار تومان یا بیشتر، هر کیلو برنج درجه دو ایرانی، ۴۰۰ هزار تومان و هر کیلو گوشت قرمز در بازار، بیش از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان قیمت داشت. قیمت انواع لبنیات نیز طی فروردین ماه به ۵ تا ۱۰ درصد افزایش قیمت روبرو شد. از سوی دیگر قیمت برنج ایرانی که سال پیش تا ۵۰۰ هزار تومان افزایش یافته بود در هفته‌های گذشته به رقم ۷۰۰ هزار تومان برای هر کیلو رسیده و هر بسته ۱۰ کیلویی برنج با قیمت تکاندهنده ۷ میلیون تومان که معادل حدود نصف پایه حقوق کارگران در سال جدید است به فروش می‌رسد. رضا کنگری، رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران، با تأیید افزایش قیمت برنج ایرانی هشدار داده رسیدن قیمت برنج ایرانی به حدود ۷۰۰ هزار تومان با شرایط فعلی عرضه و تقاضا همخوانی ندارد و واقع‌بینانه نیست. آمارها نشان می‌دهد مجموع مصرف برنج خانوار در سال ۱۳۹۰ به طور متوسط ماهانه حدود ۱۲ کیلو بوده است. براساس آخرین داده‌های هزینه درآمد خانوارها که در سال ۱۴۰۳ منتشر شده به صورت میانگین مصرف برنج یک خانوار در ماه سرشماری ۶/۵۲ کیلو بوده است. بر اساس تصویب وزارت کار جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۵ یک کارگر مجرد در صورت دریافت همه مزایای شغلی ماهانه نهایتاً ۲۲ میلیون تومان و یک کارگر متأهل و دارای فرزند کمی بیش از ۲۴ میلیون درآمد خواهد داشت. مقایسه این ارقام به خوبی علت کاهش مصرف مواد غذایی اساسی و ضروری مانند گوشت، مرغ و لبنیات، و همچنین حذف برنج از سفره‌های شهروندان را توضیح می‌دهد.

۲۰۲۴ است. آمارهای سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد همچنین نشان می‌دهد ترکیه با جمعیت مشابه ایران، ۲/۵ برابر ایران خود مصرف گوشت قرمز و بیش از سه برابر مصرف لبنیات دارد. استاندارد جهانی سرانه مصرف لبنیات ۱۸۰ کیلو در سال است، اما میزان مصرف لبنیات در ایران به کمتر از ۵۰ کیلو رسیده است. در حالیکه پنیر و شیر از جمله اقلام گنجانده شده در طرح کالابریک یک میلیون تومانی هستند که دی ماه اجرایی شده است اما خانوارها ترجیح می‌دهند منابع کالابریک را برای مواد غذایی سیرکننده استفاده کنند. در همین رابطه خبرگزاری «ایسنا» گزارش داده افزایش قیمت‌ها الگوی مصرف خانوارها را تغییر داده است؛ تا جایی که در صف‌های کالابریک، برنج، مرغ و روغن جلوتر از لبنیات قرار گرفته‌اند. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد بسیاری از خانوارها در شرایط تورمی، کالاهای سیرکننده‌تر را در اولویت قرار می‌دهند و خرید شیر، ماست و پنیر را به حداقل می‌رسانند. روندی که اگر ادامه یابد، می‌تواند سلامت عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. افزایش قیمت مواد غذایی از جمله گوشت طی سالهای گذشته در کنار سقوط قدرت خرید خانوارها و کاهش ارزش واقعی درآمدها سبب کوچک شدن سفره شهروندان و حذف مواد غذایی مفید از سبد مصرفی خانوارها شده است. جزئیات گزارش مرکز آمار ایران از تورم فروردین ۱۴۰۵ نشان می‌دهد تورم ماهانه خوراکی‌ها در فروردین امسال ۵/۶ درصد ثبت شده و افزایش قیمت در کالاهایی مانند میوه، مرغ و روغن، تنها در یک ماه به ارقام دو رقمی رسیده است. در مقیاس سالانه نیز تورم نقطه به نقطه اغلب مواد خوراکی سه رقمی بوده و برخی اقلام غذایی بیش از ۳۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است. بر اساس این گزارش قیمت روغن جامد در فروردین امسال ۳۷۵ درصد افزایش نسبت به فروردین ۱۴۰۵ را ثبت

● عبدالله قاسمی عضو هیئت مدیره انجمن صنفی مرغداران استان گیلان با اشاره به سیاست‌های اشتباه دولت در حذف ارز ترجیحی اعلام کرده «افزایش چند برابری قیمت مرغ بعد از حذف ارز ترجیحی موجب نصف شدن مصرف مرغ در کشور شده است.»
● مرکز آمار ایران اعلام کرده میانگین مصرف ماهانه گوشت قرمز خانوارها در ایران از ۲/۸ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به ۱/۲۵ کیلوگرم در سال ۱۴۰۳ سقوط کرده است.
● آمارها نشان می‌دهد مجموع مصرف برنج خانوار در سال ۱۳۹۰ به طور متوسط ماهانه حدود ۱۲ کیلو بوده است. این رقم در سال ۱۴۰۳ به ۶/۵۲ کیلو رسید.
● مقایسه درآمد حدود ۲۰ میلیون تومانی کارگران با گوشت کیلویی بیش از دو میلیون تومان و برنج کیلویی ۷۰۰ هزار تومان به خوبی علت کاهش مصرف مواد غذایی اساسی و ضروری مانند گوشت، مرغ و لبنیات، و همچنین حذف برنج از سفره‌های شهروندان را توضیح می‌دهد.

مصرف مواد غذایی مفید و ضروری در ایران با کاهش چشمگیری روبروست. خانوارها در میان گرانی و درآمدهای ناچیز گرفتار هستند بطوریکه به ناچار هر ماه سبد مصرفی را محدودتر و سفره‌ها را کوچکتر می‌کنند.

عبدالله قاسمی عضو هیئت مدیره انجمن صنفی مرغداران استان گیلان با اشاره به سیاست‌های اشتباه دولت در حذف ارز ترجیحی اعلام کرده «افزایش چند برابری قیمت مرغ بعد از حذف ارز ترجیحی موجب نصف شدن مصرف مرغ در کشور شده است.»

او با اشاره به افزایش شدید هزینه تولید در مرغداری‌ها گفته «هر کیلو ذرت که با ارز ترجیحی، ۱۱ هزار و ۳۰۰ تومان بود، بعد از آزادسازی ارزی به ۴۲ هزار تومان رسید و سپس به دلیل نوسانات ارزی به ۵۵ هزار تومان افزایش یافت. همچنین، هر کیلوگرم سویا پیش از حذف ارز ترجیحی، ۲۱ هزار و ۳۰۰ تومان بود که با حذف ارز به هر کیلو ۸۵۸۰۰ تومان و سپس به ۱۲۰ هزار تومان رسید.»

عبدالله قاسمی یکی دیگر از دلایل افزایش مرغ را حذف ارز ترجیحی واکسن و داروهای دامی و مکمل‌های وارداتی، عنوان کرد و گفت: «حذف ارز این محصولات در سال گذشته، به شدت قیمت ریزمغذی‌های مورد نیاز واحدهای مرغداری که تمام وارداتی هستند را چند برابر کرد.»

عضو هیئت مدیره انجمن صنفی مرغداران استان گیلان همچنین از کاهش شدید تولید مرغ به علت افزایش هزینه‌ها خبر داده است؛ موضوعی که ایران را برای تأمین نیاز داخلی وابسته به واردات خواهد کرد!

به گفته عبدالله قاسمی «میزان تولید مرغ به جای ۱۴۰ میلیون قطعه در یک ماه به ۹۴ میلیون قطعه مرغ رسیده و میزان عرضه به شدت کاهش پیدا کرده است. بنابراین، تنها زمانی که کالابریک اعلام می‌شود میزان تقاضای مرغ افزایش پیدا می‌کند و به همین دلیل شاهد افزایش قیمت مرغ در چند روز اخیر و هم‌زمان با اعلام کالابریک هستیم.»

مرکز آمار ایران اعلام کرده میانگین مصرف ماهانه گوشت قرمز خانوارها در ایران از ۲/۸ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به ۱/۲۵ کیلوگرم در سال ۱۴۰۳ سقوط کرده است.

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، فانو، نیز پیشتر اعلام کرده بود که کل مصرف گوشت قرمز ایران در سال ۲۰۲۵ میلادی ۷۲۴ هزار تن بوده که ۷ درصد کمتر از سال

تشدید کمبود برق در ایران؛ قطع و جیره‌بندی برق در تابستان امسال



عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، نیز گفته می‌تواند با قطعیت بگوید امسال کشور بدون خاموشی عبور می‌کند، چون «نزدیک پنج هزار مگاوات» از نیروگاه‌ها هدف قرار گرفته و بخش‌های عمده‌ای از شبکه برق آسیب دیده است.

این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که در سالهای گذشته و قبل از جنگ نیز تولید برق در ایران برای مصرف داخلی در فصل گرم سال کافی نبود و سالهاست جیره‌بندی برق در دستور کار قرار داشته است. جیره‌بندی برق در بخش خانگی زندگی شهروندان را با اختلال روبرو می‌کند و قطع برق صنایع نیز خسارت‌های سنگین در پی داشت.

مسعود پزشکیان بهمن‌ماه سال گذشته و چند روز پیش از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا گفته بود «در تابستان پیش‌رو قطعی برق نخواهیم داشت» و مدعی شده بود که «وعده دروغ نمی‌دهیم».

در همین حال مشخص نیست آیا صنایع ایران که سالها با رکود تومری روبرو بوده و در ماه‌های گذشته با مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ و قطع اینترنت سراسری در کشور روبرو هستند توان ادامه فعالیت در شرایط جیره‌بندی برق را داشته باشند یا خیر؟

در همین رابطه محمد اتابک وزیر صمت با تأکید بر تأمین انرژی پایدار برای صنایع گفته که «هزینه انرژی و نرخ تعرفه‌ها برق و گاز در واحدهای صنعتی طی چندین سال اخیر افزایش محسوسی یافته که این امر ضمن خسارت به تولید، روند سرمایه‌گذاری در بخش صنعت را کند کرده است».

محمد اتابک در نشست اعضای کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده «در شرایطی که تولیدکنندگان نیازمند برق قابل‌اتکا و سیاست‌های روشن در بازار انرژی هستند، بایستی تصمیم‌گیری‌ها به گونه‌ای باشد که مزیت تولید از بین نرود».

وزیر صمت همچنین گفته «در سال‌های اخیر، تصمیمات مرتبط با بهای انرژی، منجر به افزایش فشار بر تولیدکنندگان شده و در نتیجه توان بازسازی، ارتقا و سرمایه‌گذاری را کاهش داده است».

پتروشیمی‌های آسیب دیده از جنگ که تاکنون خودتامین بوده‌اند از شبکه سراسری تأمین شود. یعنی نزدیک ۱۰۰۰ مگاوات برق پایدار و به صورت مداوم و شبانه روزی باید به مجتمع‌های پتروشیمی ارسال شود، نتیجه اینکه هر آنچه در تجدیدپذیر تولید می‌شود صرف پتروشیمی‌ها می‌شود، بنابراین در بهترین حالت ما همچنان صورت مسئله سال گذشته را داریم».

نجفی همچنین گفت کسری برق کشور از حدود ۸ تا ۹ هزار مگاوات در سال‌های گذشته به بیش از ۲۳ هزار مگاوات رسیده و با وجود توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، همچنان امکان جبران این ناترازی وجود ندارد. به گفته او، صنایع همچنان در اولویت خاموشی‌ها قرار خواهند داشت. او تأکید کرد حتی واردات برق از کشورهای همسایه نیز تأثیر محدودی دارد و نمی‌تواند بحران کمبود برق را حل کند: «در بهترین حالت می‌توانیم ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ مگاوات از همسایگان تأمین کنیم اما صورت مسئله کسری ما بزرگتر از این ارقام است».

اسماعیل سقاب اصفهانی، معاون مسعود پزشکیان و رئیس سازمان بهینه‌سازی انرژی نیز هفته گذشته از تشدید بحران کمبود برق در تابستان امسال نسبت به گذشته خبر داد و گفت: «در بخش برق با کسری و ناترازی مواجهیم و امسال شرایط سخت‌تر خواهد بود. آسیب وارد شده در بخش تولید انرژی فعلاً قابل ترمیم نیست».

اسماعیل سقاب اصفهانی افزود: «اگر بخواهم صادقانه با مردم صحبت کنم، به همان میزان آسیبی که وارد شده، سال سختی را پیش‌رو داریم» به گفته او، بخشی از آسیب‌ها با افزایش تولید قابل جبران است، اما بازگشت به شرایط قبل زمان‌بر و پرهزینه خواهد بود».

رئیس سازمان بهینه‌سازی مصرف انرژی همچنین گفته بازگشت بخش انرژی به وضعیت پیش از جنگ، حدود یک‌ونیم تا دو سال زمان می‌برد و «ناترازی انرژی که پیش از جنگ هم چالش‌برانگیز بود، اکنون هم عمیق‌تر شده و هم آشکارتر».

آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران از تشدید کمبود برق در کشور خبر داده و گفته احتمالاً تابستان ایران با خاموشی پی‌درپی روبرو خواهد بود و با اشاره به در اولویت بودن قطع برق بخش صنعت گفته «به نظر می‌رسد تابستان امسال به طور مستمر روزانه دو ساعت قطعی برق خانگی، تجاری و اداری داشته باشیم».

آرش نجفی افزوده حتی واردات برق از کشورهای همسایه نیز تأثیر محدودی دارد و نمی‌تواند بحران کمبود برق را حل کند: «در بهترین حالت می‌توانیم ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ مگاوات از همسایگان تأمین کنیم اما صورت مسئله کسری ما بزرگتر از این ارقام است».

اسماعیل سقاب اصفهانی، معاون مسعود پزشکیان و رئیس سازمان بهینه‌سازی انرژی نیز هفته گذشته از تشدید بحران کمبود برق در تابستان امسال نسبت به گذشته خبر داد و گفت: «در بخش برق با کسری و ناترازی مواجهیم و امسال شرایط سخت‌تر خواهد بود. آسیب وارد شده در بخش تولید انرژی فعلاً قابل ترمیم نیست».

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران از تشدید کمبود برق در کشور خبر داده و گفته احتمالاً تابستان ایران با خاموشی پی‌درپی روبرو خواهد بود و با اشاره به در اولویت بودن قطع برق بخش صنعت گفته «به نظر می‌رسد تابستان امسال به طور مستمر روزانه دو ساعت قطعی برق خانگی، تجاری و اداری داشته باشیم».

آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» از تداوم قطع برق در کشور طی تابستان خبر داده و گفته سال گذشته هر هفته ۳ تا ۴ روز خاموشی ۲ ساعته داشتیم احتمالاً امسال ممکن است فراتر برود و به نظر می‌رسد به طور مستمر روزانه ۲ ساعت قطعی برق خانگی، تجاری و اداری داشته باشیم و البته بخش صنعت هم همواره در اولویت قطعی‌ها خواهد بود.

عضو اتاق بازرگانی ایران توضیح داده «قرار است برق



تحریم ۱۱ شرکت و سه فرد مسافر در ایران، چین، بلاروس و امارات به دلیل تأمین قطعات و تجهیزات نظامی برای جمهوری اسلامی



سی بی اس:
استقرار مخفیانه هواپیماهای ایران در پاکستان و افغانستان؛ پاکستان: «موقت است»!



غرب باید از کشمکش و مبارزه ایرانیان برای دموکراسی پشتیبانی کند



بیانیه مطبوعاتی دفتر شاهزاده رضا پهلوی درباره «روز جهانی اقدام» دهم ماه مه



شاهزاده رضا پهلوی در نشست امنیتی «پولیتیکو»: فرصت برای تمام کردن کار جمهوری اسلامی نباید از دست برود



قربانیان خشونت و ناامنی اجتماعی زیر سایه جمهوری اسلامی؛ قتل هولناک مریم آقابابایی توسط راننده تاکسی اینترنتی



خواهر و برادر بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ به «محاربه» متهم شدند



هشدار درباره پیامدهای «امنیتی سازی اینترنت»؛ شکاف میان حکومت و مردم عمیق تر می شود



سختگویی صنعت آب: ۳۵ میلیون نفر از جمعیت ایران درگیر تنش آبی هستند



تحریم های بریتانیا علیه ۱۲ فرد و نهاد مرتبط با جمهوری اسلامی



زخم عمیق قطع اینترنت بر درآمد زنان فعال در مشاغل خانگی



افزایش قیمت جهانی مواد غذایی برای سومین ماه پی در پی



حق مسکن ۳ میلیون تومانی کارگران؛ ناچیز، ناکافی و تحقیرآمیز



آمریکا اهدافی در قشم و بندرعباس را هدف قرار داد؛ ترامپ: توافق نکنند خشن تر عمل می کنیم



با هدف «تشویق مردم» به استفاده از حمل و نقل عمومی، هزینه مترو و بی آر تی افزایش یافت!



ادامه اخراج نیروی کار در ایران؛ ۳۰۰ کارگر شرکت «پشل موتور» در سوادکوه بیکار شدند



قیمت دارو در ایران پس از جنگ ۴۰ روزه تا ۳۰۰ درصد افزایش یافت



لکه نفتی نزدیک جزیره خارک؛ نشت لوله ها یا پسماند کشتی ها؟



تورم بیش از ۳۰۰ درصدی برخی اقلام خوراکی در فروردین ۱۴۰۵



از اینستاگرام به حاشیه خیابان؛ افزایش دستفروشی در ایران به علت قطع سراسری اینترنت



جنگ خاورمیانه؛ احتمال لغو پرواز ۲۰ میلیون مسافر در آلمان



قیمت اتومبیل در ایران طی ۸۰ روز تا ۵۷ درصد افزایش یافت



زوال ایده امپریالیسم شیعی



واینت: حکومت ایران مثل آلمان نازی است، تا شکست نخورد به جنگ و سرکوب ادامه می دهد



سقوط تکانهنده مصرف گوشت، مرغ و لبنیات در ایران



صنعت گردشگری ایران،
قربانی قطع اینترنت و جنگ



جمهوری اسلامی احسان افرشته،
متخصص فناوری اطلاعات و شبکه، را
اعدام کرد



محمد عباسی از بازداشت‌شدگان
اعتراضات دی ۴۰۴ «اعدام» شد



دیدار دونالد ترامپ و شی جین‌پینگ در پکن،
ایران از محورهای اصلی گفتگوهای
آمریکا و چین



دونالد ترامپ:
مقامات جمهوری اسلامی امروز توافق
می‌کنند، فردا یادشان می‌رود که توافق
کرده بودند



اینترنت طبقاتی زمینه‌ساز فساد،
کلاهبرداری و کاهش امنیت دیجیتال



جمهوری اسلامی برای مقابله با
عملیات زمینی نیروهای آمریکا و اسرائیل
آماده می‌شود



جمهوری اسلامی؛ دومین زندان
بزرگ نویسندگان در جهان



روزنامه «وال استریت ژورنال»:
امارات مخفیانه به تأسیسات نفتی لاوان
حمله کرد



اعتراف یک شهروند ایرانی- آمریکایی
در دادگاه به قاچاق انسان و جمع‌آوری محتوای
جنسی از کودکان و زنان



زلزله در شرق تهران؛
هشدار درباره فعال بودن گسل‌های
پردیس و بومهن



بحران جدید کارگران در ایران:
اجبار به ادامه کار با حقوق سال قبل!



پروژه دریای سوخته جمهوری اسلامی
برای باز شدن تنگه هرمز
کارتون بهنام محمدی
©Kayhan.London



خبرگزاری تسنیم:
باید از کابل‌های اینترنت زیر دریا
درآمدزایی کرد



دبیر ستاد امر به معروف تهران:
فضای مجازی نباید هرگز به
حالت قبل برگردد



بیماران در ایران، سرگردان
میان گرانی و کمبود دارو



گزارش روزنامه گاردین از سرمایه‌گذاری
پسر قالیباف در بازار املاک استرالیا



سرقت مسلحانه از یک طلافروشی
در بلوار اندرزگو تهران



افزایش قیمت پرمصرف‌ترین ماده
شیمیایی جهان به‌علت جنگ خاورمیانه



پیشن روز تعطیلی صبح مجلس شورای اسلامی،
نخستین نشست نمایندگان ویدئویی
برگزار می‌شود!



افزایش ۵ تا ۶ درصدی
قیمت انواع کاغذ



رجزخوانی‌های ائمه جمهوری اسلامی؛
«کارهایی می‌کنیم که بمب اتم جلوش بچه‌بازیه»



قیمت بنزین در سال جدید
افزایش می‌یابد؟



فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی
در حال جنگ با واقعیت‌اند



هشدار درباره بحران کمبود جهانی
غذا با ادامه انسداد تنگه هرمز



عکس هفته | مهاجرت چرا؟ مان و «اعدام» شو!

جمهوری اسلامی از نهم اسفند ۴۰۴ تا ۲۳ اردیبهشت جاری ۳۲ زندانی سیاسی را اعدام کرد. بسیاری از اعدام‌شدگان جوانانی برومند و دارای سوابق موفق و درخشان در حوزه‌های مختلف علمی، تخصصی و ورزشی بوده‌اند.

تصویر: عرفان شکورزاده دانشجوی نخبه کارشناسی ارشد و رتبه اول کنکور ارشد مهندسی هوافضا از جمله جوانانی بود که به‌جای مهاجرت به بهترین کشورهای دنیا، در ایران ماند و در نهایت با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی و اعتراف‌گیری اجباری زیر شکنجه به «جاسوسی و همکاری با کشورهای متخاصم» متهم و «اعدام» شد.